

محمد بیات پژوهشگر حوزه جرائم سازمان یافته بین‌المللی در گفت‌وگو با «ایران»:

نارکو تروریسم ابزار امنیتی سازی آمریکا



موضوع جرایم سازمان یافته که پیش‌تر در چهارچوب همکاری‌های بین‌المللی و کنوانسیون پالرمو مطرح بود، امروز به ابزار مداخله در امور داخلی کشورها تبدیل شده است. دولت ترامپ با اجرای

دکترین مونرو، ونزوئلا را «نارکواستیت» خواند و مالدور را به نارکو تروریسم متهم کرد؛ اتهامی که پیش از آنکه مبتنی بر واقعیت باشد، کارکردی تبلیغاتی و امنیتی داشت

شدند و نقش‌هایی از تأمین امنیت مسیرها تا توزیع مواد ایفا کردند. در الگوی جدید امنیتی سازی آمریکا، برخلاف رویکردهای کلاسیک مبتنی بر تروریسم یا حقوق بشر، پیوند میان امنیت، اقتصاد غیرقانونی و حکمرانی برجسته می‌شود. مفاهیمی مانند «نارکو تروریسم» و «نارکواستیت» ابزار برجسب‌زنی سیاسی هستند که دولت‌ها یا گروه‌ها را به‌عنوان تهدیدی چندبعدی معرفی می‌کنند.

این برجسب‌ها تابع منافع و ایدئولوژی قدرت‌هاست، هرچند در برخی مناطق مانند آمریکای لاتین، نفوذ واقعی کارتل‌های مواد مخدر حکمرانی وجود دارد و همین امر زمینه‌ساز امنیتی سازی‌های جدید در سیاست خارجی قدرت‌های بزرگ، از جمله در مورد ونزوئلا شده است.

در برخی کشورها، نفوذ کارتل‌های مواد مخدر به شکل «دولت تسخیرشده» بروز یافته و دولت در عمل به ابزار این شبکه‌ها تبدیل شده است؛ پدیده‌ای که در مواردی واقعیت عینی دارد. در این چهارچوب جدید، قدرت‌ها دیگر صرفاً بر حقوق بشر یا دموکراسی تکیه نمی‌کنند و اتهامات جرایم سازمان یافته، بویژه تجارت مواد مخدر به ابزار اصلی فشار و امنیتی سازی تبدیل شده و زمینه اقدامات سخت و مداخله جویانه را فراهم می‌کند.

در همین حال به نظر می‌رسد در سال‌های آینده موضوعاتی مانند پول‌شویی، قاچاق سلاح، قاچاق انسان و حتی تجارت جنسی نیز

می‌دهد منافع اقتصادی، بویژه شرکت‌های نفتی، محور سیاست‌ها شده است. این تحولات دیگر با چهارچوب‌های کلاسیک روابط بین‌الملل قابل توضیح نیست و حکایت از ظلمی دارد که بیشتر مبتنی بر قدرت عریان است تا حقوق یا هنجار. در نظم جدید بین‌الملل، «اجماع سازی» معنای پیشین خود را از دست داده است. روسیه با مبارزه با نئونازیسم و آمریکا با مفاهیمی مانند نارکو تروریسم، مداخلات خود را توجیه می‌کنند اما اینها بیش از تهدید واقعی، بهانه‌ای برای پیشبرد منافع ژئوپلیتیکی‌اند. برجسب‌زنی هدفمند، ظاهر اخلاقی دارد اما طرف مقابل را «شر مطلق» نشان می‌دهد و زمینه فشار، تحریم و مداخلات را فراهم می‌کند؛ مشروعیت این اتهامات تابع موازنه قدرت است، نه حقوق یا اجماع بین‌المللی.

در این بین ابزار مقابله با این روند چه خواهد بود؟

مهم‌ترین ابزار مقابله با فشارها و یک جانبه گرایی، گفت‌وگوی سازمان یافته میان کشورهای «جنوب جهانی» و بازیگران یورو. آلتا تنیک است، مشروط بر اینکه قدرت‌های بزرگ توافقی بر سر نفوذ نداشته باشند. کشورهای مانند چین، فرانسه، هند، برزیل، آفریقای جنوبی و ترکیه با چندجانبه‌گرایی همراهند و می‌توانند ظرفیت دیپلماتیک ایجاد کنند، همان‌طور که در نظم پیشین، کشورها حتی با اختلافات عمیق، در پرونده‌هایی مانند افغانستان و عراق برای مدیریت تهدیدات مشترک همکاری می‌کردند.

اما آنچه امروز با آن مواجه هستیم، فضایی جدید است که ریشه در نگاه «جکسونی» در سیاست خارجی آمریکا دارد. رویکرد «جکسونی» آمریکا می‌گوید، نظم موجود منفعش را تأمین نمی‌کند و باید بازتنظیم شود.

بر این اساس، واشنگتن بسته به موقعیت و هدف، از ابزارهای مختلف استفاده می‌کند؛ اقدام نظامی محدود، فشار اقتصادی و تحریم، سناریوهای امنیتی و شخصی سازی فشار (مثل ونزوئلا) یا جنگ تجاری (مثل چین)، به‌گونه‌ای که ابزار با کانتکست و هدف هماهنگ باشد. برجسب‌های مانند «نارکو تروریسم» و «نارکواستیت» عمدتاً علیه قدرت‌های منطقه‌ای مانند کوبا، ونزوئلا، مکزیک کارآمدند، اما علیه روسیه، چین یا برزیل اثر کمی دارند.

مقابله مؤثر نیازمند تقویت دیپلماسی چندجانبه و ائتلاف‌های انعطاف‌پذیر است تا سوءاستفاده از ابزاری از این مفاهیم برای مداخله و امنیتی سازی کاهش یابد.

مداخله‌ای برخلاف اصل عدم مداخله و منشور سازمان ملل توجیه گردید. این مفاهیم امروز به ابزارهای جدید فشار و تغییر نظام‌ها بدل شده‌اند و در کنار حقوق بشر و دموکراسی، اتهامات جرایم سازمان یافته بویژه تجارت مواد مخدر به بهانه‌ای اصلی برای معرفی بازیگران سیاسی به‌عنوان تهدید و زمینه سازی برای اقدامات مداخله جویانه تبدیل شده است.

آیا بهره‌برداری ابزاری از نارکو تروریسم در دولت آمریکا از منظر جغرافیایی محدود به آمریکای لاتین خواهد بود یا دیگر مناطق جهان را نیز به شکل عملیاتی تحت تأثیر قرار خواهد داد؟

سیاست خارجی آمریکا با تمرکز بر دکترین مونرو، اولویت راهبردی را به نیمکره غربی و آمریکای لاتین می‌دهد اما خاورمیانه را راه نکرده است. در این چهارچوب، واشنگتن با راهبرد «موازنه از راه دور» می‌کوشد از طریق متحدان منطقه‌ای و بدون حضور گسترده مستقیم، منافع خود را تأمین کند؛ ابتکارهایی مانند پیمان ابراهیم و تداوم نقش عملیاتی سنتکام نیز در همین راستا و برای بازتنظیم نظم امنیتی منطقه‌ای قابل فهم‌اند. آمریکا در سال‌های اخیر در کنار اتهامات سنتی علیه برخی بازیگران منطقه‌ای و محور مقاومت، از برجسب «نارکو تروریسم» به‌عنوان ابزار فشار مکرر استفاده کرده است.

این رویکرد ابتدا در پرونده سوریه و حملات اردن دیده شد و پس از کنار رفتن فشار اسد، اکنون به یمن و انصارالله منتقل شده است.

در نظام تک قطبی دهه ۹۰ میلادی، ایالات متحده اتهامات خود را در چهارچوب‌های حقوق بین‌المللی دنبال می‌کرد اما شرایط کنونی این امکان را از واشنگتن سلب کرده است. با این توضیح، بحث مشروعیت داشتن این اتهامات در دوره جدید چگونه خواهد بود؟

دوره‌ای که «مشروعیت بین‌المللی» یا اجماع جهانی رفتار قدرت‌ها را تعیین می‌کرد، به پایان رسیده است. امروز نهادهای کلاسیک مانند سازمان ملل و ناتو بخش زیادی از نفوذ پیشین خود را از دست داده‌اند و قدرت‌های بزرگ به صورت یک جانبه حوزه‌های نفوذ خود را تعریف و تثبیت می‌کنند؛ روسیه در CIS، چین نسبت به تایوان و آمریکا با دکترین مونرو در نیمکره غربی.

فشارهای تحقیرآمیز بر کانادا و بازیگری اجباری نفتا با مکزیک و تهدید به ونزوئلا، نشان

می‌تواند در دستور کار قرار گیرد. برای نمونه در افغانستان پیش از امارت اسلامی، اقتصاد مواد مخدر طبق گزارش سازمان ملل متحد تا حدود ۴۰ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌داد که نشان‌دهنده نفوذ عمیق شبکه‌های مواد مخدر در اقتصاد و سیاست بود. با این حال، این مفاهیم گاه به‌صورت ابزار سیاسی نیز به کار می‌روند؛ چنان‌که در مورد سوریه، موضوع تولید و قاچاق کپتاکون برای امنیتی سازی و فشار سیاسی برجسته شد، در حالی که این اتهامات می‌توانند هم ریشه در واقعیت داشته باشند و هم کارکرد سیاسی پیدا کنند.

بنابراین مفاهیم «نارکواستیت» و «نارکو تروریسم» اگرچه گاه ریشه در واقعیت دارند اما اغلب به‌عنوان ابزاری سیاسی برای امنیتی سازی و مداخله آمریکا به کار می‌روند. این رویکرد در آمریکای لاتین به بخشی از «دکترین نئومونرو» یا به تعبیر ترامپ «دانرو» تبدیل شده و جایگزین ابزارهای پیشین فشار مانند حقوق بشر یا تسلیحات گشتار جمعی شده است، به‌گونه‌ای که «جنگ علیه مواد مخدر» اکنون بهانه‌ای تازه برای مداخله خارجی است.

در همین راستا موضوع جرایم سازمان یافته که پیش‌تر در چهارچوب همکاری‌های بین‌المللی و کنوانسیون پالرمو مطرح بود، امروز به ابزار مداخله در امور داخلی کشورها تبدیل شده است. دولت ترامپ با اجرای دکترین مونرو، ونزوئلا را «نارکواستیت» خواند و مالدور را به نارکو تروریسم متهم کرد؛ اتهامی که مبتنی بر واقعیت باشد، کارکردی تبلیغاتی و امنیتی داشت.

این کارکردی واقعیت باشد، کارکردی تبلیغاتی و امنیتی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

سیاستی داشت

گزارش

سخنگوی سازمان غذا و دارو

درباره لوازم آرایشی تقلبی اعلام کرد

رژ در صدر محصولات تقلبی

محدثه جعفری /هیچ روش خانگی علمی برای تشخیص وجود سرب در رژ لب وجود ندارد. تست‌هایی مانند مالیدن رژ لب روی دست یا کشیدن طلا روی آن صحیح و قابل اعتماد نیست. برخی لوازم آرایشی غیرمجاز و تقلبی موجود در بازار، حاوی مقادیر بالایی سرب، جیوه و سایر فلزات سنگین هستند و مصرف مداوم آنها سلامت مصرف‌کنندگان را تهدید می‌کند. این جمله کارشناسان سازمان غذا و دارو وقتی معنی عمیق‌تری به خود می‌گیرد که ایران جزو کشورهای پرمصرف جهان باشد. با اینکه واردات این محصولات حدود هفت سالی است، ممنوع شده، اما بخش عمده این‌ها بازار در تسخیر محصولات قاچاق و تقلبی است. به گفته سخنگوی سازمان غذا و دارو، حدود ۶۰ درصد از بازار لوازم آرایشی در اختیار همین محصولات قاچاق و غیرمجاز است. کنار این محصولات قاچاق محصولات زیرپله‌ای ساز هم داریم که با بسته‌بندی‌های شیک و برجسب‌های تقلبی در مترو و بازار به فروش می‌رسند. اگرچه بازرسی‌ها به‌طور دوره‌ای انجام می‌شود و بخشی از این کالاهای قاچاق و تقلبی امحا می‌شود، اما حجم قاچاق و توزیع گسترده آن، نظارت مستمر را دشوار کرده است.

رژلب‌های غیرمجاز ممکن است، حاوی سرب یا فلزات سنگین باشند که خطراتی نظیر سرطان، مسمومیت مزمن و مشکلات عصبی ایجاد می‌کند. دکترمحمد هاشمی، سخنگوی سازمان غذا و دارو با بیان اینکه لوازم آرایشی غیرمجاز موجود در بازار حاوی مقادیر بالاتر از حد مجاز سرب، جیوه و سایر فلزات سنگین هستند و مصرف مداوم آنها سلامت مصرف‌کنندگان را تهدید می‌کند به «ایران» می‌گوید: «برخی محصولات آرایشی غیرمجاز و قاچاق، مانند رژلب، کرم‌های سفیدکننده و لوازم آرایش چشم، حاوی فلزات سنگین و سمی از جمله سرب، کادمیوم، جیوه و آرسنیک هستند. این ترکیبات از طریق پوست، مخاط و بلع وارد بدن شده و در بافت‌های نرم تجمع پیدا می‌کنند. مصرف طولانی مدت فلزات سنگین می‌تواند باعث اختلالات عصبی، آسیب‌های کلیوی، مشکلات هورمونی، آسیب به بافت‌های نرم بدن و احتمالاً مشکلات قلب و کبد شود.»

او با بیان اینکه زنان باردار در معرض خطر بیشتری هستند و تماس با فلزات سنگین می‌مود شیمیایی سمی ممکن است سلامت جنین و روند رشد آن را تحت تأثیر قرار دهد، توضیح می‌دهد: «استفاده از محصولات دارای مجوز در دوران بارداری اهمیت ویژه‌ای دارد و حتماً پیش از مصرف، برجسب ترکیبات محصولات را به دقت مطالعه کنند و در صورت مشاهده موادی با نام‌های شیمیایی DBP، DEP، DEHP مصرف آن محصول را متوقف کرده واز خرید مجدد آن پرهیز کنند.»

سخنگوی سازمان غذا و دارو با اشاره به میزان قاچاق لوازم آرایشی در کشور می‌گوید: «به دلیل ماهیت مجهول قاچاق، آمار دقیقی نمی‌توان ارائه داد، اما برآورد می‌شود، بین ۴۰ تا ۶۰ درصد بازار لوازم آرایش در ایران تحت سلطه محصولات قاچاق و غیرمجاز باشد. مسیر ورود این اقلام عمدتاً از مرزهای غربی، جنوبی و بنادر کوچک غیررسمی یا از طریق کولبری و ته‌لنجی است و منابع اصلی شامل ترکیه، امارات و چین هستند. کشور بیش از ۱۲۰ کارخانه تولید لوازم آرایش با مجوز رسمی دارد و برخی شرکت‌ها نیز به‌صورت گاه‌به‌زی تولید انجام می‌دهند. ظرفیت تولید داخلی می‌تواند بخشی از نیاز بازار را تأمین کند، اما بخش بزرگی از بازار همچنان در اختیار کالاهای خارجی و قاچاقی است.» دکتر هاشمی در مورد خطرات مصرف رژ لب و بلع آن توضیح می‌دهد: «بیشترن تماس بدن با فلزات سنگین از طریق رژلب است. بخشی از آن هنگام خوردن یا آشامیدن بلعیده می‌شود و جذب ترکیبات سمی را افزایش می‌دهد. اینکه به شکل عامیانه میان مردم رایج شده است، اگر رژلب را روی دست بکشند بعد طلا به آن بزنند، اگر سیاه شد پس حاوی سرب است، اگر نشد سرب ندارد و اصل است باید بگویم، هیچ روش خانگی علمی برای تشخیص وجود سرب در رژلب وجود ندارد. تست‌هایی مانند مالیدن رژ لب روی دست یا کشیدن طلا روی آن صحیح و قابل اعتماد نیست. تنها راه مطمئن استفاده از محصولات دارای شماره بهداشتی، ICD و IEC و خرید از مراکز معتبر است. رژ لب، کرم‌های مرطوب‌کننده و ضد آفتاب، رنگ مو و فرآورده‌های مراقبت از پوست جزو پرفروش‌ترین اقلام هستند و بیشترین محصولات تقلبی نیز در همین گروه‌ها دیده می‌شوند.»

کیفیت محصولات ایرانی

قابل رقابت با برندهای معتبر جهانی

سخنگوی سازمان غذا و دارو با اشاره به سهم تولید داخل در بازار مصرف لوازم آرایشی می‌گوید: «تولید داخلی حدود ۳۰ تا ۴۰ درصد نیاز بازار را پوشش می‌دهد. برندهای داخلی در حال رشد هستند و کیفیت برخی از آنها با استانداردهای جهانی قابل رقابت است، اما برای اعتماد مصرف‌کننده به افزایش تنوع، کیفیت بسته‌بندی و توسعه شبکه فروش نیاز داریم. تبلیغ محصولات آرایشی مشروط به داشتن مجوز از سازمان غذا و دارو مجاز است، اما اغلب تولیدکنندگان داخلی به دلایل اقتصادی، ضعف برندینگ یا نبود مجوزهای تبلیغاتی، در حوزه تبلیغات فعال نیستند. همچنین محدودیت‌های فرهنگی و رسانه‌ای برای تبلیغ فرآورده‌های آرایشی، مخصوصاً در رسانه‌ها باعث شده است، محصولات مجاز کمتر دیده شوند.»

او در مورد نکات بهداشتی و ایمنی مصرف لوازم آرایشی هم می‌گوید: «فقط از محصولات دارای شماره پروانه بهداشتی و ICD استفاده کنید. تست‌های فروشگاهی باید آلپیکاتور نو و یک‌بارمصرف داشته باشند. همچنین از به اشتراک گذاشتن لوازم آرایش با دیگران خودداری کنید. مصرف رژلب و سایر محصولات حاوی فلزات سنگین را به حداقل برسانید. در صورت مشاهده هرگونه عارضه پوستی یا غیرعادی، مصرف محصول را متوقف کرده و به مراکز بهداشت اطلاع دهید. سازمان غذا و دارو بر سلامت و ایمنی محصولات آرایشی‌ای دارای مجوز نظارت می‌کند. محصولات داخلی با وارداتی باید پیش از عرضه تأییدیه‌های لازم از نظر ایمنی، ترکیب، برجسب گذاری و شرایط تولید را اخذ کنند. اما محصولات قاچاق و غیرمجاز خارج از نظارت رسمی توزیع می‌شوند و نظارت مستمر بر آنها دشوار است.»

گزارش خبری

سمیه افشین فر

گروه اجتماعی

مسئله تأمین امنیت زنان همواره از مسائل مورد توجه جمهوری اسلامی ایران بوده است. اهمیت این مسئله و لزوم توجه به ظرایف در امر قانونگذاری در حوزه خانواده‌ها باعث شده است که این لایحه مورد توجه متخصصان و کارشناسان حوزه زنان باشد. تصویب لایحه «حمایت از زنان در برابر خشونت» به عنوان حرکتی در راستای پیشگیری از خشونت علیه زنان یکی از مطالبات دیرینه برای حقوق زنان در کشور است. اما این لایحه بیش‌تر از ۱۳ سال است که میان دولت‌ها و مجالس مختلف سرگردان شده است. پس از کش و قوس‌های فراوان، قرار شد کمیسیون اجتماعی مجلس دوازدهم، کمیته‌ای را مأمور حذف مواد تکراری و بررسی حقوقی و قضایی لایحه کند. اما تغییرات بسیاری که در روند بررسی‌ها در لایحه اتفاق افتاد باعث شد، به‌روزرآذر معاون رئیس‌جمهور در

«ایران» آخرین وضعیت لایحه تأمین امنیت زنان را در گفت و گو با دو نماینده مجلس پیگیری کرد

همکاری دولت و مجلس پایان ۱۳ سال بلاتکلیفی



امور زنان و خانواده در اردیبهشت‌ماه از تصمیم دولت برای استرداد لایحه خبر دهد. بنه گفته او تغییراتی که در مجلس برای این لایحه ایجاد شد آن را به متنی جدید تغییر داده که به طور کلی با لایحه ارسالی دولت متفاوت شده است. به گفته به‌روزرآذر یکی از مهم‌ترین اتفاقات، تغییر نام لایحه منع خشونت علیه زنان به «لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان و خانواده» بود. این تغییر نام به گفته بسیاری از حقوقدان‌ها حاکی از تغییراتی در اهداف لایحه تعبیر شد و بحث‌های زیادی ایجاد کرد. حذف واژه خشونت و تغییر آن به «سوء رفتار» یکی دیگر از موارد مورد اختلاف دولت و مجلس بود که معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده به آن اشاره کرده بود.

اهداف لایحه پیشگیری از خشونت در برابر زنان باید محقق شود

معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده با تشریح آخرین وضعیت لایحه پیشگیری و تأمین امنیت خانواده با حذف مواد تکراری و بررسی حقوقی و قضایی لایحه کند. اما تغییرات بسیاری که در روند بررسی‌ها در لایحه اتفاق افتاد باعث شد، به‌روزرآذر معاون رئیس‌جمهور در



زهرآ به‌روزآذر: موضع دولت در خصوص «لایحه حفظ کرامت و حمایت از زنان و خانواده» روشن است و باید اهداف اصلی آن که ایجاد سازوکاری جامع برای پیشگیری از خشونت و ارتقای امنیت و باید اهداف

آن که ایجاد سازوکاری جامع برای پیشگیری از بروز خشونت و ارتقای امنیت و کرامت زنان است محقق شود.» به نظر به‌روزرآذر «این اهداف به‌گونه‌ای است که هم مهارت‌ها و آموزش‌های لازم به افراد در سننین ماهوسی که در آن رخ داده بود، در هیأت دولت به تصویب رسیده و نامه رسمی استرداد نیز به مجلس ارسال شده است. اما در پی گفت‌وگوهای انجام‌شده میان رئیس‌جمهوری و رئیس مجلس، مقرر شد اعلام وصول این نامه به‌شکل موقت انجام نشود تا فرصت لازم برای ادامه بررسی‌ها و بازگشت لایحه به اهداف و ملاحظات اصلی آن فراهم شود.» به گفته معاون رئیس‌جمهور در این جلسه‌ای جداگانه با رئیس کمیسیون اجتماعی و رئیس کمیته قضات، وکلا، حقوقدانان، مددکاران اجتماعی و کلیه ذینفعان می‌توان از کارایی این متن اطمینان بیشتری حاصل کرد. معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده با بیان اینکه بدیهی است اگر اصلاحات مورد نظر دولت در متن اعمال نشود و لایحه در مسیر تحقق اهداف خود نباشد، استرداد آن به شکل قطعی انجام خواهد شد، گفت: «در عین

حال، از اقدامات فراکسیون زنان مجلس و برگزاری جلسات کارشناسی با فعالان، متخصصان و اندیشمندان حوزه زنان در این مدت قدردانی می‌کنیم و انتظار داریم این فرآیند به ارتقا و بهبود منسجم، کارشناسی و منطبق با حقوق و منافع عمومی متن انجام شود.»

بندهای خوبی در لایحه

پیش‌بینی شده است

فاطمه محمدبیگی نماینده مردم قزوین، آبیک و البرز و عضو فراکسیون زنان مجلس هم در همین رابطه به «ایران» می‌گوید: «در هفته گذشته جلسه‌ای با حضور به‌روزآذر معاون رئیس‌جمهور در امور زنان و خانواده، علی بابایی کارنامی رئیس کمیسیون اجتماعی و تعدادی از نمایندگان مجلس برگزار شد، من هم در آن جلسه بودم و قرار شد رسیدگی مجددی انجام شود. یکی دو تغییر جزئی هم مطرح شد اما رئیس کمیته خانم لاجوردی است، من اطلاع دقیقی از جزئیات جلسه کمیته ندارم و نمی‌دانم اخیراً جلسه‌ای پیرامون این موضوع برگزار کرده‌اند یا نه، اما به هر حال نماینده‌ها بر مصوبه خودشان تأکید دارند.» عضو فراکسیون زنان مجلس با بیان اینکه تصور نمی‌کنم لایحه تغییر زیادی داشته باشد، توضیح می‌دهد: «کمیسیون اجتماعی چندبار این لایحه را مورد بررسی قرار داده است. قانون آیین‌نامه داخلی اجازه هر تغییری را به ما نمی‌دهد. در حال حاضر این لایحه چند بار در کمیسیون به رأی گذاشته شده است، بنابراین تغییرات را حتی ممکن نیست. معمولاً قانونی که در کمیسیون تصویب می‌شود دیگر به کمیسیون برگشت ندارد و مراحل بعدی باید طی شود. البته می‌توان در صحن پیشنهادهایی مطرح کرد، مثل توافق که در مورد مهریه افتاد و حالا می‌بینیم پیشنهادهایی در صحن برای رفع ایرادها و ابهامات مطرح می‌شود. به نظرم در این مورد هم می‌توانیم پیشنهادهایی در صحن مطرح کنیم.» محمدبیگی با بیان اینکه آن‌شاءالله بعد از بررسی بودجه این لایحه به صحن بیاید، توضیح می‌دهد: «در حال حاضر این لایحه در نوبت

بررسی لایحه تمام شده است



علی بابایی کارنامی، نماینده مردم ساری و رئیس کمیسیون اجتماعی مجلس در مورد آخرین وضعیت لایحه پیشگیری و تأمین امنیت زنان در برابر خشونت به «ایران» می‌گوید: «قرار بود که دولت لایحه را مسترد کند، اما با هماهنگی رئیس مجلس و رئیس‌جمهوری این اتفاق نیفتاد.» او با تأکید بر اینکه بررسی لایحه در کمیسیون اجتماعی به اتمام رسیده است و قرار نیست جلسه دیگری برای این لایحه در کمیسیون اجتماعی برگزار شود، تأکید کرد: «هر اقدامی با هماهنگی دولت خواهد بود البته تا جایی که من اطلاع دارم لایحه تغییرات خاصی نداشته است.»

صحن است. هر وقت از بودجه فارغ شویم نظریه اهمیت تأمین امنیت زنان، خانواده و نگاه خانواده‌محور نمایندگان ملت، بررسی لایحه باید جزو دستورهای فوری باشد. حمایت از زنان و ارتقای حوزه زن و خانواده برای ما از اهمیت بسیاری برخوردار است و به شکل جدی این موضوع را دنبال می‌کنیم.» او با اشاره به اینکه لایحه تأمین امنیت زنان بالاخره بعد از ۱۳ سال با همکاری دولت و مجلس در حال به نتیجه رسیدن است، می‌گوید: «دولت چهاردهم و مجلس دوازدهم هر دو روی این موضوع متفق القول هستند، آن‌شاءالله این لایحه به قانون تبدیل شود. به نظر من این اقدام چهره نیکویی در کارنامه حمایت از زنان در مجلس و دولت از خود به جا می‌گذارد.» عضو فراکسیون زنان مجلس با بیان اینکه بندهای بسیار خوبی در این لایحه در نظر گرفته شده است، می‌گوید: «لایحه با همین رارقم بزند، هر چند می‌توان مواد دیگری را به آن اضافه یا از آن کم کرد.» او در پاسخ به این سؤال منتقدان که معتقدند بحث پیشگیری در لایحه در نظر گرفته نشده است، می‌گوید: «در حوزه پیشگیری من چند پیشنهاد داده بودم، برخی از آنها رأی آورد و برخی هم رأی نیاوردند. مثلاً در حوزه سلامت ممکن است پیشنهادهاتی داشته باشیم بعضی‌ها تأیید می‌شود، بعضی‌ها تأیید نمی‌شود. به نظرم بندهای پیشگیری خوبی در لایحه وجود دارد ولی باید در نظر داشته باشیم برخی از مواد به سبک زندگی ایرانی- اسلامی ما بر می‌گردد. در اسلام قوانینی مانند مهریه، نفقه، قانون نکاح و... برای حمایت از زنان داریم که بیشتر این قوانین پیشگیرانه است. در لایحه، ادیت و آزارهایی که گزارش می‌شود و حمایت از زنان و کودکان برآیمان بسیار مهم بوده و این موارد دیده شده است. برای بعضی از مضلرات اجتماعی هم نکات خوبی داریم، اما چون نمی‌توانیم در لایحه تغییراتی ایجاد کنیم؛ نمی‌توانیم قانون را طولانی کنیم. بهتر است اگر ایرادها و ابهاماتی هست بعداً با قوانین دیگر یا پیشنهاد در صحن، موادی را به آن اضافه یا از آن کم کنیم.»

معاون قوه قضائیه اعلام کرد

پیشگیری از آسیب‌ها و جرایم با طرح قاضی در مدرسه

وزیر آموزش و پرورش: مناطق هدف برنامه های پیشگیری از آسیب های اجتماعی از ۳۲ به ۱۰۰ منطقه رسید



باشیم سامانه «نماد» زمینه تعارض منافع ایجاد نکند، گفت: «نباید اطلاعات دانش‌آموزان برای بهره‌برداری شخصی یا اقتصادی منعکس شود. معلمان همواره در معتمدترین اقصاار جامعه بوده‌اند و باید این اعتماد حفظ شود. با این حال، احتمال سوءاستفاده محدود اما واقعی وجود دارد، دسترسی به اطلاعات افت تحصیلی نباید به نفع اقتصادی تبدیل شود، نباید دانش‌آموزان به‌بانه شناسایی مشکل، به کلاس‌های خصوصی هدایت شوند.» او درباره کنترل آسیب‌های اجتماعی گفت: «به‌رغم همه زحماتی که

بخش‌های مختلف در حوزه کاهش، کنترل یا مقابله با آسیب‌ها می‌کنند، ولی واقعیت امروز این است که آسیب نه‌تنها کاهش پیدا نکرده بلکه در ایجاد مختلف رو به افزایش است و تقریباً در مجموع آسیب‌های کشور روند رو به افزایشی دارد. این موضوع نشان می‌دهد اقدامات انجام شده متناسب با سرعت آسیب‌ها حرکت نکرده و نتوانسته است موجب کنترل یا کاهش آسیب‌های اجتماعی شود و آسیب‌های اجتماعی کلان کشور قطعاً به آموزش و پرورش هم سرازیر می‌شود.»



نباید اطلاعات دانش‌آموزان برای بهره‌برداری شخصی یا اقتصادی منعکس شود. معلمان همواره از اقشار جامعه بوده‌اند و باید این اعتماد حفظ

دانش‌آموزان فراهم شود و آنان بتوانند در فضایی امن، بانشاط و متعهدانه مسیر تحصیلی خود را طی کرده و برای ساخت آینده کشور آماده شوند.» معتمدترین نمایندگان مجلس در این جلسه با تأکید بر اینکه مرز میان آسیب‌های اجتماعی و فرصت‌هایی که در اختیار جامعه قرار دارد بسیار باریک و به هم چسبیده است، گفت: «فردی که می‌تواند به یک قهرمان ملی تبدیل شود، در شرایطی دیگر ممکن است به یک بزهکار خاص یا حتی یک جنایتکار خطرناک تبدیل شود؛ این دو مسیر، بر خلاف تصور عمومی، فاصله زیادی از یکدیگر ندارند. نباید تصور کنیم بسیاری از جنایاتی که در جامعه رخ می‌دهد، نتیجه تصمیم‌گیری‌های از پیش طراحی شده است. بررسی‌ها نشان می‌دهد بخش عمده جرایم، بویژه جرایم سنگین مانند قتل، ماهیتی اتفاقی دارند.»

علیرضا کاظمی، وزیر آموزش و پرورش، در ادامه این مراسم با اشاره به رویکرد پیشگیرانه این وزارتخانه در حوزه آسیب‌های اجتماعی گفت: «تعداد مناطق هدف اجرای برنامه‌های پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی از ۳۲ منطقه در سال گذشته به ۱۰۰ منطقه در سال جاری افزایش یافته و تمرکز اصلی این وزارتخانه بر اقدامات پیشگیرانه است. در این ۱۰۰ منطقه، مجموعه‌ای گسترده از برنامه‌های اجباری از جمله فعالیت‌های اوقات فراغت، برنامه‌های ورزشی، عبادی، مراسم و مناسبت‌ها، همچنین فعالیت‌های قرآنی و فرهنگی در جديت بیشتری در دستور کار قرار گرفته است. در حوزه دو آسیب مهم «خودکشی» و «اعتیاد»، تمرکز بیشتری صورت گرفته و برنامه‌های گسترده‌تری برای پیشگیری از این آسیب‌ها طراحی و اجرا شده است.»

او از انجام اقدامات زیرساختی در این

زمینه خبرداد و گفت: «برای اجرای مؤثر برنامه‌های پیشگیرانه، نیازمند برخی اقدامات زیرساختی و قانونی هستیم که در این راستا، نظام مراقبت اجتماعی دانش‌آموزان تدوین و ابلاغ شده است. راه‌اندازی خط ۱۵۷۰ ویژه دانش‌آموزان و تقویت مراکز مشاوره، از دیگر اقدامات مهم این وزارتخانه در حوزه پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی است.»

وزیر آموزش و پرورش گفت: یکی از مشکلات با دستگاه‌ها این است که می‌خواهند به کل اطلاعات در سامانه «نماد» دسترسی داشته باشند که این موضوع امکان‌پذیر نیست. در حال حاضر حتی مدیر مدرسه دسترسی کامل به همه اطلاعات ندارد و فقط مشاور، اطلاعات دارد. اطلاعات این سامانه محرمانه است؛ اما منشور اخلاقی و قسم‌نامه «نماد» را تنظیم می‌کنیم.»

کاتظمی با بیان اینکه موضوع با‌زمانندگان از تحصیل مسأله مهمی است، گفت: «از زمانی که تمرکز خود را بر این موضوع گذاشتیم، اولین اقدام، انجام آسیب‌شناسی گسترده و برگزاری جلسات متعدد بوده است. وزارت دادگستری با همکاری قوه قضائیه و سایر مراجع ذی‌ربط، این وزارتخانه بر اقدامات پیشگیرانه است. در این ۱۰۰ منطقه، مجموعه‌ای گسترده از برنامه‌های اجباری از جمله فعالیت‌های اوقات فراغت، برنامه‌های ورزشی، عبادی، مراسم و مناسبت‌ها، همچنین فعالیت‌های قرآتی و فرهنگی در جديت بیشتری در دستور کار قرار گرفته است. در حوزه دو آسیب مهم «خودکشی» و «اعتیاد»، تمرکز بیشتری صورت گرفته و برنامه‌های گسترده‌تری برای پیشگیری از این آسیب‌ها طراحی و اجرا شده است.»

او از انجام اقدامات زیرساختی در این

اقتصادی

وی تأکید کرد: «با حذف ارز ترجیحی جریان های غیرشفاف و منافع گروه های خاص از بین رفته و حمایت مؤثرتری به مصرف کننده نهایی صورت می گیرد. حذف ارز ترجیحی اصلی اکنون کنترل تورم است که باید در دو مرحله کوتاه مدت و میان مدت مدیریت شود».

دیندار افزود: «در کوتاه مدت، شارژ حساب خانوارها به پیش از اجرای سیاست می تواند از شل کردن انتظارات تورمی پیش رو نه شود. در یک حال، احتمال بروز تولیدکنندگان و بیگانه اثرات این تغییر را به قیمت ها سرزیند. بنابراین دولت باید گزارش های منظم ارائه دهد و کارشناسان از طریق رسانه افکار عمومی اذعان کنند».

وی عنوان کرد: «سیاست پولی باید همراه با تغییر ساختار تقاضا مورد توجه قرار نگیرد. تورم نشود. همچنین ضروری است منابع بودجه ای دقیقاً همان گونه که پیش بینی شده تخصیص باید تا مرکزی بودجه جدیدی ایجاد نشود و بانک مرکزی اجازه به جریان پول نماند. این همراه

می تواند مانع از رشد پایه پولی و تورم اضافی شود.

سیاست های جبرانی پس از حذف ارز

علی سعدوندی، استادیار دانشگاه سراسری و ولونگونگ در دبیر، در تحلیل سیاست حذف ارز اظهار

سعدوندی همچنین به موضوع سیاست‌های جبرانی اشاره کرد و گفت: «این سیاست‌ها می‌توانند به صورت درخاسته یا کالایی طراحی شوند. به گفته وی، هرچند پرداخت نقدی معمول از سوی مردم ترجیح داده می‌شود، اما در اغلب به پرداخت کالایی تمایل دارند.

وی خاطرنشان کرد: «پرساخ» هدفمندی یارانه‌ها و پرداخت نقدی هم‌اکنون وجود دارد و از این ظرفیت می‌توان برای حمایت مؤثر از مردم استفاده کرد.» به گفته سعدوندی، در صورت اجرای صحیح، پرداخت یارانه نقدی می‌تواند بخشی از مشکلات معیشتی را کاهش دهد.

در پایان، این اقتصاددان هشدار داد که فروش از باخ‌خاز آزاد و سپس پرداخت یارانه از محل آن، می‌تواند هم فرصت و هم تهدید برای وجود آورد.

پایان مفاسد ارزی و آغاز حمایت مستقیم از خانوارها

ایمان رنگه، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «ایران» عنوان کرد: «در اقتصاد قیمت‌ها هاشن علامت‌دهی دارند و جهت مصرف را مشخص می‌کنند. در شرایط گذشته که از تریجی به واردکننده تخصیص داده می‌شد، بخشی از این سیاست به هدف اصابت نمی‌کرد. کالاهای بعضاً با نرخ بازار آزاد در اختیار مصرف‌کننده قرار می‌گرفت و هدف حمایت دولت محقق نمی‌شد. علاوه بر این، موضوعاتی مانند عدم رفع تعهد ارزی و سوءاستفاده برخی واردکنندگان نیز بروز می‌کرد».

د کرد:	فعلی که	وی افزود: «با حذف ارز ترجیحی و انتقال
ت باید	اقتصاد با	پارانه به مصرف کننده نهایی، این مفاسد
دیورت	مشکلات	برطرف می شود. اکنون خوارهای متوقف
دوجه	جدی و	از میان چند قلم کالای اساسی، متناسب با
دهه نیز	فشارهای	نیاز خود انتخاب کنند که این کالاها شامل
ر حال	متعدد روبه رو	گوشت قرمز و سفید، حبوبات و آشن
اساسی	است، دولت	می شود. این آزادی عمل موجب می شود
مقطع	نمی تواند	که پارانه به طور مستقیم به احاد جامعه
با وجود	نسبت به	برسد و دیگر تولیدکنندگان غیرمجاز با
طرح	معیشت مردم	صادرکنندگان از مواد اولیه پارانه ای
		نشدن».

نظارت
بیشتر
مهرآورد
ان بران
دهایی
ن کامل
حیات
نهانیت

بی تفاوت
باشد. یکی
از اقداماتی
که در چنین
شرایطی
می‌تواند
نقش مؤثری

زنگنه اظهار کرد: «این سیاست علاوه بر کاهش فساد، امکان مدیریت چاقی کالا را نیز فراهم می‌کند. در گذشته بخشی از کالاهای ایرانانه به جای مصرف داخلی، وارد چرخه تولید و صادرات می‌شد و منافع آن به گروه‌های خاص می‌رسید. امروز این منافع قطع شده و خانوارها ذی‌نفع اصلی هستند.»

وی گفت: «اگرچه در شرایط فعلی یارانه	ایفا کند، قرار	
به صورت کالایی تخصیص داده می شود	جامد طرح	بایست
تا تکراری دولت درباره حذف کارلی کارهای	دوام حمایت	خواهند
ضروری خانوارها برطرف شود، اما در آینده	معیشتی و	داده می
اگر این یارانه به شکل پرداخت شود،	امنیّت غذایی	اصلاح
آثار مثبت بیشتری خواهد داشت. زیرا در	در دستور کار	کاهش
می تواند با صرفه جویی در مصرف، بخشی	است	
آیا یارانه را پس انداز در حوزه دیگری		گفت:
هزینه کند.»		

تورم، باید به مدیریت انتظارات توجه کرد. همان‌طور که در سیاست‌دهی فمندی بارانه‌ها در دولت نهم و دهم تبدیل پول در حساب اثارا کراسازی شد و سپس اصلاح قیمت‌ها انجام گرفت، امروز نیز شارازا حساب اثارا با پیش از اجرای سیاست می‌تواند اثرات روانی مثبت ایجاد کند.»

جعفر
خیرخواهان:
در وضعیت
فعلی که
اقتصاد با
مشکلات
جدی و
فشارهای
متعدد روبه‌رو
است، دولت
نمی‌تواند
نسبت به

بی تفاوت باشد. یکی از اقداماتی که در چنین شرایطی می تواند نقش مؤثری ایفا کند، قرار دادن طرح جامع حمایت معیشتی و امنیت غذایی در دستور کار است.»

وی افزود: «با توجه به تورم شدید به‌ویژه در حوزه مواد غذایی، اجرای چنین طرح‌هایی می‌تواند تا حدی التیام بخش این موضوع باشد و فشار جبرانی را بر اقشار آسیب‌پذیر ایفا کند. اگران سیاست‌ها به‌درستی اجرا شوند، می‌توان امیدوار بود که در کنار حمایت کوتاه‌مدت از معیشت مردم، زمینه برای رشد اقتصادی پایدار نیز فراهم شود؛ رشی که در آن تعاضد به افزایش درآمد واقعی، خانوارها منجر شود.»

این کارشناس اقتصادی تأکید کرد: «در کنار حمایت معیشتی، دولت باید به صورت هم‌زمان بر کنترل تورم، مدیریت هزینه‌های خود، کاهش کسری بودجه و اصلاح ساختار شرکت‌های زیان‌ده نیز تمرکز کند. این شرکت‌ها به هر حال نیازمند بازنگری و تصمیم‌گیری اساسی هستند، چرا که در مقطع فعلی امکان اصلاح فوری همه آنها وجود نداشته باشد.»

خیرخواهان با اشاره به دامنه‌ممول طرح کارلبرگ اظهار کرد: «از ابتدای این انتظار وجود داشت که چنین طرحی بیشترین متوجه طبقات پایین و دهک‌های کم‌درآمدتر باشد و طبیعی است که شمول آن برای همه دهک‌ها با چالش‌ها و انتقادهایی همراه شود. به نظر می‌رسد پوشش کامل همه دهک‌ها تصمیمی دشوار و حتی از برخی جهات نادرست بوده، اما در نهایت دولت این مسیر را پذیرفته است.»

وی ادامه داد: «در اجرای هر سیاست اقتصادی، همواره گروهی معترض خواهند بود که معتقدند اشتباهاتی رخ داده یا برخی اقشار نادیده گرفته شده‌اند. این انتقادات قابل درک است و باید با اصلاح تدریجی سیاست‌ها، این خطاها کاهش یابد.»

این کارشناس اقتصادی در پایان گفت: «به هر حال هدف اصلی دولت از اجرای این طرح، ایجاد ثبات نسبی در اقتصاد در کوتاه مدت است و امید می رود با تداوم برنامه های اعلام شده، نتایج مثبت آن به تدریج نمایان شود و با ایجاد هماهنگی بهتر میان سیاست های اقتصادی، شاهد بهبود شرایط معیشتی مردم و سامان یافتن وضعیت اقتصاد کشور باشیم.»

A man wearing a face mask and glasses is examining a product on a shelf in a supermarket aisle. The shelves are stocked with many yellow and white packaged items, likely instant noodle cups. The man is holding one of the products and looking at it closely. The background shows other shoppers and the bright lighting of the supermarket.

در گفت و گو با کارشناسان مطرح شد

الزامات معیشتی پس از حذف ارز ترجیحی

معاون اول رئیس جمهور: بنای دولت این است که همه مردم یارانه بگیرند

اختصاص یارانه کالاهای اساسی به انتهای
نخبره مصرف، تصریح کرد: «در ماه‌های

گروه اقتصادی

تخصیص بارانه کالاهای اساسی به انتهای زنجیره مصرف، تصریح کرد: «در ماهه آتی گذشته در خصوص بخشی از بارانه‌ها طبق تصریح قانون برنامه هفتم پیشرفت تصمیم‌گیری کرده بودیم اما در زمینه سایر تصمیم‌گیری‌ها برای این بارانه‌ها به انتهای زنجیره یعنی خریداران یک تصمیم اقتصادی دولت است که تمام بدنه دولت و چهاردهم درگیر این مسأله هستند.»

عارف در پاسخ دیگری از سخنان خود به اولویت توجه به معیشت مردم در تأکید چهاردهم و ستاد تنظیم بازار اشاره و تأکید کرد: «برای رسانی کالاهای اساسی اختصاص می‌دادیم به دست مردم نمی‌رسید و می‌گزارش‌ها تومر بالا می‌رفت.»

این سبیش‌تاز سایر کالاهای مهم چنین بخشی که بنا بود در اختیار دولت باشد، تومر آن از سایر بخش‌ها بیشتر بود که نشان می‌داد باید در پرداخت بارانه‌ها بیشتر عمل می‌کردیم. جمع بدنه دولت بر

معاون اول رئیس جمهور درباره طرح استیلاگرانگانه کابلبرگ پس از حذف از ترجیحی می گوید:

«در دولت ایران طرح این است که گزینشی عمل نشود و همه مردم که یارانه می گیرند با اطلاعات یارانه خود را ارائه کرده اند و همچنین کارمندان دولت را پوشش می دهد و مابقی آحاد جامعه نیز در صورت تمایل می توانند از این طرح کابلبرگ بهره مند شوند که در چهار ماهه آینده یک میلیارد تومان از مبلغ آن خارج شده است و مردم قرار خواهد گرفت.»

مختصرضا غایب با اشاره به برگزاری جلسات با نهادها و گروه های مختلف برای

نویسندگانی

آگهی مناقصه عمومی دو مرحله‌ای شماره ۱۴۰۴/۱

بانک رفاه کارگران

REFAH KARGARAN BANK

بانک رفاه کارگران به خرید پانزده میلیون فقره کارت خام مناقصه می‌تواند از تاریخ انتشار این آگهی حداکثر تا پایان وقت اداری روز **شنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۲۱** در دست داشتن معرفی‌نامه کتبی مشتمل بر درج شماره شناسه ملی (اشخاص حقوقی) به‌همراه کد ملی (اشخاص حقوقی) و یک فقره فیش بانکی به مبلغ **۲۵۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال** واریز شده به حساب شماره **۵۰۰۰۰۱۴** به نام اداره حسابداری نزد شعبه پردیس بانک رفاه کارگران در ساعات اداری به اداره تدارکات بانک، به آدرس: تهران، بلوار کشاورز، رویه‌رویی بیمارستان پارس، پلاک ۱۵۲، ساختمان بانک رفاه کارگران، طبقه ششم، گروه کارشناسی مناقصات مراجعه و اوراق مناقصه را دریافت نمایند. شایان ذکر است سبده شرکت در مناقصه به میزان **۲۵۸,۰۰۰,۰۰۰ ریال (بیست و پنج میلیارد و هشتصد میلیون ریال)** می‌باشد که می‌بایست به‌صورت وجه نقد واریزی به‌حساب فوق یا ضمانت‌نامه بانکی معتبر (به غیر از بانک رفاه کارگران) ارائه گردد.

نمونه پیکت‌های الف و ب، مناقصه در ساعت **۰۹:۰۰ صبح روز چهارشنبه مورخ ۱۴۰۴/۰۱/۱۸** توسط اعضای محترم کمیسیون معاملات بانک در سالن جلسات بانک واقع در تهران، خیابان ولیعصر (عج)، پایین‌تر از میدان ونک، پلاک ۲۵۸۴، طبقه منفی یک متوجه خواهد گردید.

بانک رفاه کارگران - اداره تدارکات



بانک ملت

bank mellat

آگهی مناقصه عمومی

شماره ۱۴۰۴/۱۴۹

الف: مناقصه گراز: بانک ملت

ب: موضوع مناقصه: خرید تعداد ۳۷,۵۰۰ عدد بچ سیئه

ج: تضمین لازم برای شرکت در مناقصه: ضمانت نامه بانکی بدون قید و شرط شرکت در مناقصه (غیر از بانک ملت) و یا ارائه چک بانکی/بین بانکی غیر از چک عادی مشتریان به مبلغ ۳,۱۸۷,۵۰۰,۰۰۰ ریال یا فیش و اریز نقدی مبلغ فوق به حساب جاری جام به شماره ۲۰۴۰۱۳۵۵ به شناسه و اریز ۱۴۰۴۱۷۵۰۱۰۱۴۹۱۱۳ (قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملت)

د: مدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد مناقصه: ارائه معرفی نامه و فیش و اریز مبلغ ۵,۰۰۰,۰۰۰ ریال به حساب جاری جام شماره ۲۰۴۰۱۰۲۶۵ به شناسه ۱۴۰۴۱۷۵۰۱۰۱۴۹۲۰۲ قابل پرداخت در کلیه شعب بانک ملت.

هـ: محل دریافت اسناد مناقصه: تهران - خیابان طالقانی - مقابل ساختمان وزارت نفت- ساختمان شماره ۳۸۰ طبقه ششم - واحد معاملات و قراردادهای.

شماره تماس: ۰۲۱-۶۴۸۲۱۰۵۰ / ۰۲۱-۶۴۸۲۱۱۳۸

جدول زمانی انجام مناقصه

آغاز توزیع اسناد مناقصه	ساعت ۸:۰۰ صبح مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۵
مهلت ارسال مدارک مناقصه	تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۸
تاریخ بازگشایی پاکت ها	رأس ساعت ۸:۱۵ مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۹

اداره کل تدارکات - واحد معاملات و قراردادهای

مزایده عمومی کابینت مستعمل ارتباطی

دی ۱۴۰۴ - ۰۴ - ۰۴

شرکت خدمات ارتباطی ایرانسل در نظر دارد تعدادی کابینت مستعمل ارتباطی خود را در شهر تهران، از طریق مزایده عمومی به فروش برساند.

جزئیات بیشتر و ثبت نام در فراخوان:

sourcing.irancell.ir

مهلت ثبت نام: دی ۱۴۰۴

ارتباط با ما:

callforbids@mtnirancell.ir

۰۲۱ - ۲۳۱۹۴۶۰۳




سایپا سیتروئن
SAIPA CITROËN CO.

آگهی تجدید و اصلاح مناقصه عمومی

شرکت سایپا سیتروئن در نظر دارد «خرید گوشت گرم گوسفند و گوساله مورد نیاز» خود را از طریق مناقصه عمومی به تأمین‌کنندگان واجد شرایط واکذار نماید.

متقاضیان می‌توانند جهت دریافت اطلاعات بیشتر به سایت WWW.SAIPA-CITROËN.COM مراجعه نمایند.

تکته: فرآیند ارزیابی متقاضیان، با توجه به شرایط مورد نظر شرکت سایپا سیتروئن انجام خواهد پذیرفت.

محل دریافت اسناد مناقصه و ارائه پیشنهادات:

کاشان کیلومتر ۱۴ جاده اردستان، واحد خرید شرکت سایپا سیتروئن | تلفن: ۰۳۱-۵۵۸۱۸۰۲ و ۰۳۱-۵۵۸۱۸۲۴

معاونت خرید شرکت سایپا سیتروئن

آگهی تجدید ۲- مزایده شماره ۱۴۰۴/۱۲۹

۱. **دستگاه مزایده گراز:** شرکت پتروشیمی شهید تندگویان به آدرس خوزستان، بندرامام خمینی، منطقه ویژه اقتصادی پتروشیمی، سایت چهار، امور حقوقی و پیمانها. تلفن: ۰۶۱۵۲۱۷۲۷۸۴ و فکس ۰۶۱۵۲۱۷۲۷۴۸.

۲. **موضوع و مبلغ مزایده:** به شرح زیر:



شرکت ملی پتروشیمی (سامپ)

ردیف	نوع ضایعات	تعداد	واحد	مبلغ تضمین (ریال)
۱	زفرکنتری	۳۰۰۰	کیلوگرم	۳۰,۰۰۰,۰۰۰
۲	آجر نسوز	۳۰۰۰	عدد	۶۷,۵۰۰,۰۰۰
۳	پکینگ کویلنگ تاور	۱۵	تن	۹۵,۲۵۰,۰۰۰

۳. مهلت توزیع اسناد مزایده: از مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۱۴ تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۲۰

۴. **تضمین معتبر جهت شرکت در مزایده:** (۱) ضمانت نامه بانکی (۲) واریز وجه نقد به شماره حساب جام ۴۹۲۵۷۸۱۳۲۰ بانک ملت شعبه منطقه ویژه اقتصادی کد ۳۱۲۱۱ به نام پتروشیمی شهید تندگویان

۵. نحوه دریافت اسناد مزایده: به آدرس مندرج در بند ۱ مراجعه فرمایید.

۶. محل و مهلت تسلیم پیشنهاد قیمت: آدرس فوق، کمیسیون معاملات - تا پایان وقت اداری مورخ ۱۴۰۴/۱۰/۳۰

۷. محل و تاریخ بازدید کالای مورد مزایده: آدرس فوق - محل نگهداری ضایعات - ساعات اداری روزهای توزیع اسناد

۸. محل و تاریخ گشایش پاکات پیشنهاد قیمت: آدرس فوق - سالن کنفرانس مجتمع - ساعت ۱۰:۰۰ مورخ ۱۴۰۴/۱۱/۰۵

۹. از پیشنهاد دهندگان دعوت می شود در جلسه گشایش پاکات حضور یابند.

۱۰. محل و مدت خروج کالای مورد مزایده: مجتمع پتروشیمی شهید تندگویان - ۲ ماه پس از ابلاغ قرارداد

تذکر: به پیشنهادهایی که فاقد سپرده یا امضای مشروط و مخدوش و سپرده های کمتر از میزان مقرر، چک شخصی و نظایر آن و پیشنهادهایی که پس از انقضای مدت مقرر در آگهی واصل شود مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.

روابط عمومی و امور بین الملل شرکت پتروشیمی شهید تندگویان (سهامی عام)

[illegible]

اجرای طرح جامع حمایت معیشتی و امنیت غذایی کشور کلید خورد

عایدی مردم از حذف دلار رانتي

همه دهک‌ها مشمول دریافت کالابرگ یک میلیون تومانی می‌شوند

گزارش

گروه اقتصادی

طرح جامع حمایتی دولت مشتمل بر ۱۵ ماده با هدف تضمین امنیت غذایی، بهبود معیشت مردم و افزایش

ثبات و پیش‌بینی‌پذیری در اقتصاد کشور، در شرایط تداوم فشارهای اقتصادی رسماً وارد مرحله اجرایی شد. به موجب اجرای این طرح در مرحله اول و به صورت علی‌الحساب به ازای ۸۰ میلیون شهروند ایرانی و به مدت ۴ ماه مبلغ یک میلیون تومان اعتبار خرید کالا اختصاص خواهد یافت. بر این اساس شامگاه گذشته اعتبار کالابرگ الکترونیک به ازای هر

نفر یک میلیون تومان برای ۴ ماه آینده در حساب سرپرستان خانوار شارژ شد و این طرح با رویکرد ثبات‌بخشی به بازار، تقویت تولید، افزایش قدرت خرید مردم و نظارت دقیق بر زنجیره تأمین، به‌عنوان یکی از مهم‌ترین برنامه‌های اقتصادی دولت در ماه‌های پیش‌رو، به‌طور جدی در دستور کار قرار گرفته است. پس از اعلام خبر حذف ارز ترجیحی،

پایش مستمر طرح کالابرگ



هدفمان انتقال یارانه به مصرف‌کننده نهایی است

رئیس جمهوری تأکید کرد که سیاست دولت در این طرح، نه حذف یارانه و کاهش آن، بلکه انتقال یارانه از ابتدای زنجیره به مصرف‌کننده نهایی است. به‌گونه‌ای که هر میزان افزایش قیمت احتمالی، به‌طور کامل جبران و قدرت خرید خانوارها حفظ شود.

پزشکان تصریح کرد که به هیچ‌عنوان نباید قیمت سایر کالاها و خدمات افزایش یابد و در این زمینه، نظارت‌ها به‌صورت جدی، قاطع و میدانی اعمال خواهد شد. در بخش دیگری از این جلسه، آیین‌نامه اجرایی حمایت از صنایع در قبال سیاست ارزی جدید نیز مورد بررسی قرار

گرفت و هماهنگی‌های لازم برای اجرای آن انجام شد. پزشکان تأکید کرد که باید به اصناف و صنایع اطمینان داده شود که در این مسیر با مشکلی بویژه در تأمین نقدینگی مورد نیاز مواجه نخواهند شد و حمایت از تولید با قوت ادامه خواهد یافت. همچنین صاحبان فرآیند و فعالان اقتصادی به‌صورت کامل در جریان روندها و سازوکارهای اجرایی قرار گیرند. همچنین در راستای تضمین تأمین همه‌چیز کالاهای اساسی و نهاده‌های تولید، تصمیم گرفته شد ترخیص تمامی نهاده‌های دامی و کالاهای اساسی موجود در بندر و کمرکات کشور، به‌صورت فوری انجام شود تا از بروز هرگونه کمبود در بازار جلوگیری شود.

هدف دولت، حفظ قدرت خرید مردم است

گفته او، این تغییر رویکرد باعث می‌شود یارانه‌ها به‌صورت هدفمندتر به دست مردم برسد و از ایجاد رانت و اتلاف منابع جلوگیری شود.

هر نفر یک میلیون تومان کالابرگ می‌گیرد

میدری با تشریح جزئیات اجرایی طرح افزود: «از این پس، به ازای هر نفر ماهانه یک میلیون تومان اعتبار کالابرگ در نظر گرفته شده است. این اعتبار به‌صورت منظم به حساب خانوارها واریز می‌شود و شهروندان می‌توانند آن را صرف خرید اقلام اساسی مشخص شده در سبد کالابرگ کنند.» وی تأکید کرد که این طرح به‌تنهایی اجرا نمی‌شود، بلکه بخشی از یک بسته جامع سیاستی دولت برای بهبود معیشت مردم است. به گفته وزیر تعاون، تا زمان انجام این گفت‌وگو، حساب حدود ۷۰ میلیون نفر شارژ شده و اعتبار چهارماهه معادل چهار میلیون تومان برای هر نفر در حساب خانوارها نگهداری می‌شود. وی افزود: «مشمولان می‌توانند بر اساس جدول زمان‌بندی اعلام‌شده، به حدود ۲۶۰ هزار فروشگاه و واحد صنفی طرف قرارداد در سراسر کشور مراجعه کرده و بدون پرداخت وجه نقد، کالاهای اساسی خود را دریافت کنند. همچنین با همکاری اتاق اصناف ایران، تعداد واحدهای صنفی ثابت و سیار ارائه‌دهنده خدمات کالابرگ در ماه‌های آینده افزایش خواهد یافت.»

اعتبار کالابرگ تغییرپذیر است

وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی با اشاره به انعطاف‌پذیری این سیاست افزود: «اعتبار کالابرگ متناسب با تغییر قیمت کالاهای اساسی و نرخ ارز توافقی قابل افزایش است. به این معنا که اگر قیمت‌ها افزایش یابد یا ترکیب سبد کالا تغییر کند، مبلغ اعتبار نیز به‌گونه‌ای تنظیم می‌شود که قدرت خرید خانوارها حفظ شود.» وی تأکید کرد که این ویژگی، تفاوت اصلی سیاست جدید با یارانه‌های نقدی گذشته است؛ چراکه در روش‌های قبلی، با افزایش قیمت‌ها، اثر واقعی یارانه به‌سرعت کاهش می‌یافت. میدری در ادامه توضیح داد: «پیش از این، سالانه حداقل ۱۰ میلیارد دلار یارانه ارزی برای واردات کالاهای اساسی پرداخت می‌شد، اما این یارانه‌ها الزماً به دست مصرف‌کننده نهایی نمی‌رسید. در سیاست جدید، این منابع اختصاصاً به خانوارها اختصاص می‌یابد تا با حذف رانت، قدرت خرید مردم تثبیت شود.»

با مدیریت درست تهدید به فرصت تبدیل می‌شود

وی در بخش دیگری از سخنان خود به شرایط اقتصادی کشور اشاره کرد و گفت: «اقتصاد ایران در سال‌های اخیر تحت تأثیر تحریم‌های ظالمانه و همچنین شوک‌های سیاسی و نظامی، از جمله جنگ تحمیلی ۱۲ روزه، قرار گرفته است. این شوک‌ها موجب نوسانات تورمی و ارزی شده‌اند، اما تجربه جهانی و تجربه تاریخی کشور نشان می‌دهد که با مدیریت صحیح، می‌توان این تهدیدها را به فرصت تبدیل کرد. میدری با اشاره به تجربه آلمان پس از جنگ جهانی اول گفت: «آلمان با وجود تحریم‌های شدید و تورم‌های بسیار بالا، توانست با اتخاذ سیاست‌های درست اقتصادی، تورم را مهار کرده و اقتصاد خود را احیا کند.» وی افزود: «تحریم‌ها ذاتاً تورم‌زا هستند، اما اگر مدیریت اقتصادی کارآمد باشد، می‌توان آثار منفی آنها را کاهش داد.» وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی همچنین بر

لزوم همکاری دولت و جامعه تأکید کرد و گفت: «رئیس جمهوری بارها بر نقش نخبگان، فعالان اقتصادی و مردم در شناسایی راه‌های عبور از تحریم‌ها تأکید کرده‌اند. تجربه دوران دفاع مقدس و حتی جنگ ۱۲ روزه اخیر نشان می‌دهد که با همدلی و مشارکت عمومی می‌توان از بحران‌ها عبور کرد.» وی با اشاره به اقدامات حمایتی دولت افزود: «علاوه بر کالابرگ، دولت بسته‌ای ۱۷ بندی برای حمایت از خانوارها و واحدهای تولیدی تدوین کرده است. این بسته شامل حمایت از تولید، کاهش شوک‌های قیمتی، بهبود نظام تأمین اجتماعی و کنترل هزینه‌های زندگی، بویژه در حوزه مسکن، آموزش و سلامت است.»

دولت در حوزه آموزش و سلامت سیاست حمایتی دارد

میدری در ادامه به سیاست‌های حمایتی دولت در حوزه آموزش و سلامت اشاره کرد و گفت: «عدالت آموزشی یکی از اولویت‌های اصلی دولت است و رئیس‌جمهوری به‌طور مستمر این موضوع را پیگیری می‌کند. همچنین در حوزه سلامت، اجرای نظام ارجاع و پزشک خانواده می‌تواند هزینه‌های درمانی خانوارها را به‌طور قابل توجهی کاهش دهد.» وزیر تعاون درباره سیاست‌های جدید در حوزه

تولید و سرمایه‌گذاری نیز اظهار کرد: «یکی از برنامه‌های وزارت تعاون، هدایت پس اندازهای مردم از دارایی‌های غیرمولد مانند طلا به سمت دارایی‌های مولد نظیر اوراق مرتبط با پتروشیمی‌ها و معادن است.» وی تأکید کرد که تبدیل گسترده پس اندازها به طلا، به تضعیف تولید و کاهش ارزش پول ملی منجر می‌شود، در حالی که سرمایه‌گذاری در بخش‌های مولد، چرخ اقتصاد کشور را به حرکت درمی‌آورد. میدری با اشاره به سیاست دولت چهاردهم مبنی بر عدم انتقال شوک‌های اقتصادی به خانوارها و واحدهای تولیدی گفت: «دولت‌ها باید نقش سیر محافظ را ایفا کنند تا نوسانات ناشی از عوامل بیرونی، کمترین اثر را بر زندگی مردم داشته باشد.» وی تأکید کرد که با همکاری دولت، مجلس، بخش خصوصی و مردم، می‌توان مسیر رشد و شکوفایی اقتصادی را هموار کرد.

به مجموعه، طرح کالابرگ الکترونیک به‌عنوان یکی از محوری‌ترین سیاست‌های حمایتی دولت، با افزایش حفظ قدرت خرید مردم، کاهش نابرابری و افزایش کارآمدی یارانه‌ها طراحی شده است؛ سیاستی که در صورت اجرای دقیق و نظارت مستمر، می‌تواند نقش مهمی در بهبود معیشت خانوارها و تقویت ثبات اقتصادی کشور ایفا کند.



بازار تهران

ورفا اجتماعی اعلام کرده است این یک میلیون تومان اعتبار خرید است و خانواده‌ها می‌توانند در زمانی که نوبت خرید اعلام عمومی شد به فروشگاه‌ها مراجعه کنند. نهایتاً نیز تا ۲۰ دی‌ماه نوبت خرید اول اعلام می‌شود. یعقوب اندایش افزود: اگر مسئولان کالا برگ از اعتبار یک‌ماه خود استفاده نکنند، این اعتبار سوخت نمی‌شود و به اعتبار ماه‌های بعدی اضافه خواهد شد.

استفاده کنند. بر این اساس، هریارانی به مدت چهارماه، هر ماه یک میلیون تومان کالابرگ دریافت می‌کنند که می‌تواند برای خرید کالاهای اساسی از آن استفاده کند. از سوی دیگر گفته می‌شود لیست اقلام کالابرگ نیز به منظور تنوع غذایی، ممکن است متغیر باشد و علاوه بر این، رقم کالابرگ نیز بر اساس قیمت‌ها تغییرپذیر است. معاون رفاه و امور اقتصادی وزارت تعاون، کار

در کاهش قیمت‌های بازار نداشته را جمع کند. همزمان به منظور کمک به معیشت مردم، کالابرگ را به تمام شهروندان ایرانی تخصیص داده است. هرچند به نظر می‌رسد قرار بود این کالابرگ فقط ۹۰ درصد جامعه را پوشش دهد و دهک دهم مشمول دریافت آن نمی‌شدند؛ اما در نشست روز گذشته رئیس‌جمهوری تصمیم بر آن شد تا تمام شهروندان بتوانند از این کالابرگ

چرا دلار ارزان حذف شد؟



می‌کرد، به همراه دارو همچنان از این نرخ از استفاده می‌کند و الباقی کالاهای اساسی به تالار دوم مرکز مبادله منتقل می‌شوند که هم‌اکنون نرخ آن بیش از ۱۳۰ هزار تومان است. به این ترتیب، از این به بعد کالاهای اساسی همچون درخت، دانه‌های روغنی، تنگاله سویا، انواع روغن خام، نبات و پالم، برنج، جو، گوشت قرمز، گوشت مرغ، کدو و... از ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی برای واردات دریافت نمی‌کنند و باید از تالار دوم مرکز مبادله تأمین ارز شوند. طبق آخرین آمار نیز از یکم فروردین ۱۴۰۴ تا ۳۰ آذر ۱۴۰۴، حدود ۹۲۳۹ میلیون دلار ارز ترجیحی توسط بانک مرکزی تأمین شده است. از مقدار ارز ترجیحی تأمین شده برای کالاها، حدود ۷۱۱۱ میلیون دلار به نام وزارت جهاد کشاورزی و حدود ۲۱۲۹ میلیون دلار به نام وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی ثبت شده است.»

نیز موضوعیت خود را از دست می‌دهد.» بنابراین نه تنها گام بلند دولت در تغییر نظام ارزی برداشته شده، بلکه به نظر می‌رسد وعده سیاست‌گذاران در خصوص حذف قیمت‌گذاری دستوری نیز محقق شود.

چه کالاهایی همچنان ارز ترجیحی می‌گیرند؟

ایسنا در خبری عنوان کرده است که ارز ترجیحی برای تمام کالای اساسی بجز گندم و دارو حذف شده است. در این خبر آمده است: «طبق آخرین اخبار به دست آمده، تأمین ارز گندم به‌عنوان یکی از کالاهای اساسی، همچنان با نرخ ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی می‌ماند. بر اساس آخرین اخباری که از پیگیری‌های ایسنا به دست آمد، با تصمیمات اتخاذ شده از سوی دولت، «گندم» به عنوان یکی از کالاهای اساسی که از ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی دریافت

کارشناس

وحد شقاقی شهری، کارشناس اقتصادی در گفت‌وگو با «ایران» عنوان کرد: «واقعیت این است که ارز ترجیحی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی در اقتصاد ایران بارها تجربه شد اما به دلیل نبود حکمرانی

یارانه‌ای موجب بحران شده است. بنابراین دولت باید هوشیارانه عمل کند تا این سیاست درست، به واسطه کارشکنی ذی‌نفعان بزرگ، ناکام نماند.» وی گفت: «این رانت بزرگ از یک گروه حدود ۱۰ هزار نفره سلب شده و طبیعی است که آنان به راحتی زیر بار حذف چنین منافعی نروند. تنیم اقتصادی دولت باید با آگاهی و مراقبت کامل این مسیر را طی کند تا کشور با کمبودهای مقطعی در کالاهای استراتژیک مواجه نشود.»

نهایتاً با قیمت‌های بالاتر از بازار آزاد به دست مردم رسیدند. بنابراین سیاست جدید دولت مبنی بر بازتوزیع این رانت به نفع مردم، اقدامی صحیح است. شقاقی شهری تصریح کرد: «با این حال باید توجه داشت که گروه اقلیت واردکننده که پیش از این رانت کلان منتفع می‌شدند، قطعاً پیشکار نخواهند نشست و تلاش خواهند کرد با شیطنت و کارشکنی در مسیر سیاست دولت مانع تراشی کنند. ممکن است ادعا کنند که حذف ارز

که مصرف‌کننده نهایی هیچ بهره‌ای از آن نمی‌برد. دولت اکنون تصمیم گرفته این منابع را به جای ابتدای زنجیره یعنی واردکنندگان، به انتهای زنجیره یعنی مصرف‌کنندگان پرداخت کند که این تصمیم در اصل درست است، به شرط آنکه به‌خوبی اجرا شود.» وی تأکید کرد: «تجربه دولت‌های بازمه، دوازدهم، سیزدهم و حتی دولت کنونی نشان داد که تخصیص ارز یارانه‌ای به واردکنندگان شکست خورده است. کالاهایی که از ارز ترجیحی وارد شدند،

بداآورده‌ای را نصیب گروهی محدود کرده است. حتی گزارش‌هایی منتشر شد که برنج وارداتی با ارز یارانه‌ای، در نهایت به دست مصرف‌کننده با قیمتی بالاتر از بازار آزاد می‌رسید که همین امر نشان‌دهنده فساد و انحراف منابع است.»

شقاقی شهری اظهار کرد: «پیشنهاد من این بود که اگر نمی‌توانیم حکمرانی داده‌محور را پیاده کنیم، چرا باید منابع ارزی یارانه‌ای را به گروهی بدهیم که ثروت‌های افسانه‌ای به دست آورند، در حالی

داده‌محور، تنها منابع ارزی کشور حیف و میل شده است. در طول ۱۴ سال گذشته همواره این منابع نصیب یک گروه اقلیت واردکننده می‌شد و منافع یارانه‌ای از مسیر خود منحرف شده بود.»

وی افزود: «من مخالف نظام چندنرخ‌ری نمی‌باشم، اما مهم‌ترین الزام چنین سیستمی، حکمرانی داده‌محور است. زیرا چنین الزامی هیچ‌گاه در اقتصاد ایران فراهم نشده و ارزهای ترجیحی به جای آنکه به مصرف‌کننده برسند، ثروت‌های



ریسک و فرصت انتخاب رئیس کل جدید بانک مرکزی و حذف ارز ترجیحی در گفت‌وگو با دکتر حسین عبده تبریزی بررسی شد

اولین شانس خروج اقتصاد و بازار ایران از بی‌نظمی

منظوران از «ایستادن» چیست آیا؟

به معنای تقابل سیاسی است؟

خیر. ایستادن نه قهرمان بازی است و نه سیاست‌گذاری رادیکال. ایستادن یعنی حفظ حداقل‌های عقلانیت حرفه‌ای؛ یعنی وقتی تصمیمی قرار است هزینه سنگینی به اقتصاد و معیشت جامعه تحمیل کند، مدیر اقتصادی صرفاً مجری خاموش نباشد.

تجربه نشان داده حتی همین حداقل مقاومت حرفه‌ای، اگر از سوی افراد صاحب‌جایگاه انجام شود، می‌تواند شدت خطاهای را کاهش دهد، از بدتر شدن تصمیم‌ها جلوگیری کند و نوعی هماهنگی نهادهای ایجاد کند.

برخی از منتقدان انتخاب آقای

همتی می‌گویند با توجه به رد صلاحیت‌ایشان در انتخابات، انتصاب او به ریاست بانک مرکزی نوعی دهن کجی یا لجبازی با مجلس تلقی می‌شود. شما این برداشت را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

به نظر من این نوع صورت‌بندی مسأله، پیش از آنکه به حل مشکلات کشور کمک کند، آن را به سطحی نادرست تقلیل می‌دهد. واقعیت این است که وضعیت اقتصاد ایران امروز به مراتب پیچیده‌تر از آن است که بتوان آن را در چهارچوب «دهن کجی» یا «لجبازی» میان دولت و مجلس تحلیل کرد. کشور با مجموعه‌ای از چالش‌های انباشته، ناترازی‌های عمیق، فرسایش سرمایه اجتماعی عمومی و فشارهای بیرونی مواجه است که حل آنها نیازمند حداقلی از خویشتنداری، عقلانیت و همکاری نهادی است.

در چنین شرایطی، همه ارکان حاکمیت، از دولت و مجلس گرفته تا سایر نهادها، باید کمک کنند که فضا آرام‌تر و تصمیم‌گیری‌ها حرفه‌ای‌تر شود. با انتصاب آقای همتی نباید در چهارچوب تسویه‌حساب‌های سیاسی برخورد کرد؛ این انتصاب، در شرایط فعلی، تا حد زیادی توجیه‌پذیر و مبتنی بر تجربه‌های اجرایی است. ریاست بانک مرکزی جایگاهی فنی و تخصصی است، نه عرصه منازعات سیاسی.

بدیهی است که دولت و آقای همتی حتماً با مجلس گفت‌وگو کرده و

در شرایطی که اقتصاد ایران با فشارهای

انباشته،

تنگنای

معیشتی

مردم و

محدودیت‌های

سنگین داخلی

و خارجی

روبه‌روست،

هماهنگی

میان ارکان

اقتصادی

دولت صرفاً

یک انتخاب

مدیریتی

نیست؛ بلکه

تصمیمی

اخلاقی و

ضرورتی ملی

است

برای تغییر نوع تصمیم‌گیری اقتصادی قانع‌کننده، نتیجه روشن است: تشدید بی‌اعتمادی، فرسایش سرمایه انسانی و خالی‌تر شدن میدان از افراد مقاوم. وقتی کسانی که حاضرند هزینه ایستادن را بدهند کنار می‌روند یا کنار گذاشته می‌شوند، ساختار به سمت اطاعت بی‌هزینه حرکت می‌کند. این شاید پرهزینه‌ترین انتخاب برای اقتصاد کشور باشد، حتی اگر در ظاهر کم‌دردرسر به نظر برسد.

برخی می‌گویند مسأله فقط شخص رئیس کل بانک مرکزی نیست، بلکه هماهنگی تیم اقتصادی دولت اهمیت بیشتری دارد. نظر شما چیست؟

کاملاً با این نگاه موافقم. یکی از مشکلات مزمن اقتصاد ایران، فقدان هماهنگی میان سیاست‌های پولی، مالی و بودجه‌ای بوده است؛ به‌گونه‌ای که هر یک از این حوزه‌ها مسیر جداگانه‌ای را دنبال کرده‌اند. از این منظر، یکی از نکات مثبت انتخاب آقای همتی این است که امکان شکل‌گیری حداقلی از هماهنگی حرفه‌ای میان بانک مرکزی، سازمان برنامه و تیم اقتصادی دولت فراهم می‌شود؛ پویزه یا حضور و تعامل چهره‌هایی مانند آقایان مدنی‌زاده و پورمحمدی. همین هم‌فهمی و زبان مشترک، در شرایط فعلی، می‌تواند از بروز تصمیم‌های متعارض بکاهد و هزینه‌های سیاست‌گذاری را کاهش دهد.

به نظر می‌رسد که مسأله صرفاً

شخص رئیس کل بانک مرکزی

نیست و آنچه اهمیت بیشتری دارد،

میزان هماهنگی تیم اقتصادی

دولت است. ارزیابی شما چیست؟

در شرایط فعلی، هماهنگی به معنای اجرای سیاست‌های ایده‌آل نیست؛ بلکه به معنای جلوگیری از خنثی‌سازی متقابل سیاست‌هاست. وقتی این سه ضلع زبان مشترک داشته باشند، تصمیم‌های نادرست کمتر می‌شود، پیام‌های متناقض به بازار ارسال نمی‌شود و هزینه خطا پایین می‌آید.

آقای همتی از معدود افرادی است که هم منطق سیاست پولی و مالی را می‌فهمد و هم محدودیت‌های بودجه‌ای دولت را و این برای تعامل با سازمان برنامه و وزارت اقتصاد مزیتی واقعی است.

در شرایطی که اقتصاد ایران با فشارهای انباشته، تنگنای معیشتی مردم و محدودیت‌های سنگین داخلی و خارجی روبه‌روست، هماهنگی میان ارکان اقتصادی دولت صرفاً یک انتخاب

مدیریتی نیست؛ بلکه تصمیمی اخلاقی

و ضرورتی ملی است.

در چنین مقطعی، کنار گذاشتن ملاحظات و خواست‌های شخصی و اولویت دادن به منافع عمومی، بخشی

از مسئولیت حرفه‌ای و مبنای مدیران اقتصادی است. موفقیت نسبی دولت در این شرایط دشوار ایجاب می‌کند که اختلاف‌های فزاینده یا نهادهای حداقل پرسد و تیم اقتصادی با انسجام و هم‌جهتی بیشتری عمل کنند.

برخی معتقدند ریشه مشکلات

اقتصاد ایران بیش از آنکه به افراد

برگردد، به محدودیت‌های نهادی

مربوط است. از نگاه شما، مسأله

اصلی کجاست و چرا تغییر مدیران

به‌تنهایی کارساز نبوده است؟

به نظر من، اگر تیم اقتصادی دولت به‌طور کلی نتواند مشکلات کشور را حل کند، شفافیت نسبی ایجاد کرد، از آسیب دیدن بیشتر نهادها کاست و هماهنگی تیم اقتصادی را افزایش داد، تفاوت

مدیران دقیقاً در همین «جلوگیری از بدتر شدن» معنا پیدا می‌کند.

در شرایط جاری، من از مدیرانی حمایت می‌کنم که وعده معجزه نمی‌دهند و مدعی تغییرات جهشی نیستند، اما در بزنگاه‌ها حداقل‌هایی را حفظ می‌کنند. آقای همتی در دوره‌های مختلف نشان داده که حاضر است هزینه دفاع از منطق حرفه‌ای را بدهد، حتی اگر فضای

تصمیم‌گیری علیه او باشد. به همین دلیل، این انتخاب را در شرایط فعلی انتخابی مسئولانه می‌دانم؛ نه به این معنا که همه‌چیز درست خواهد شد، بلکه به این معنا که نهاد پولی بی‌دفاع رها نمی‌شود. در این مقطع، همین «کم‌بدر شدن» هم ارزشمند است.

یکی از نکات مثبت انتخاب

آقای همتی این

است که امکان

شکل‌گیری

حداقلی از

هماهنگی

حرفه‌ای میان

بانک مرکزی،

سازمان برنامه

و تیم اقتصادی

دولت فراهم

می‌شود؛

به‌ویژه با

حضور و تعامل

چهره‌هایی

مانند آقایان

مدنی‌زاده و

پورمحمدی

نهادی و کاهش هزینه‌های تحمیلی بر جامعه است.

خلاصه بحث این است که اگر حکمرانی نخواهد هیچ تغییری در اولویت‌ها و اهداف خود ایجاد کند، دولت آقای

پزشکیان حتی در صورت هماهنگی کامل با مقامات اقتصادی بازارمحور نیز

امکان موفقیت نخواهد داشت. در چنین شرایطی، انتصاب آقای همتی با هر مدیر

حرفه‌ای دیگری هم به نتیجه معناداری نمی‌رسد و حتی تحقق حداقل‌های

عقلانیت اقتصادی نیز دست‌نیافتنی

می‌شود. مسأله صرفاً انتخاب افراد

نیست، بلکه میزان پذیرش تغییر در

سطح تصمیم‌گیری کلان است.

اگر همان الگوهای پیشین اقتصادی ادامه یابد و «هزینه تغییر» همواره به

توقیف انداخته شود، سطح دولت در عمل به مدیریت بحران‌های روزمره

تقلیل پیدا می‌کند، نه بازیگری برای اصلاح مسیر. در این صورت، حتی

هماهنگ‌ترین تیم اقتصادی هم ناچار می‌شود در چهارچوب محدودیت‌هایی

عمل کند که اجازه اصلاحات حداقلی را نمی‌دهد. تجربه نشان داده است

که در چنین وضعیتی، نه سیاست‌های بازارمحور مجال اجرا پیدا می‌کنند و نه

اعتماد عمومی بازسازی می‌شود.

ادامه چرخیدن در بر همان پاشنه گذشته، به معنای فرسایش بیشتر

سرمایه اجتماعی و افزایش هزینه‌های اقتصادی و اجتماعی است. اگر قرار است

تغییری رخ دهد، این تغییر باید از سطح رفتار و تصمیم حکمرانی اقتصادی آغاز

شود؛ در غیر این صورت، حتی بهترین انتخاب‌های مدیریتی هم به بن‌بست می‌رسند.

این مدیران اقتصادی دولت آقای

پزشکیان همه به بازار معتقدند.

منتقدان می‌گویند تا به حال این

مدافعان اقتصاد بازار (حتی از

اصطلاح «سیاست‌های اقتصادی

لیبرالی» استفاده کرده‌اند) بوده‌اند

که اقتصاد ایران را اداره می‌کرده‌اند

و نتیجه مطلوب نبوده است. پاسخ

شما چیست؟

این نقد را باید جدی گرفت و نباید از کنار آن ساده عبور کرد. اما مشکل

از جایی آغاز می‌شود که میان «باور به اقتصاد بازار» و «امکان اجرای

اقتصاد بازار» تفکیک قائل نمی‌شویم.

بسیاری از کسانی که به اقتصاد بازار رقابتی باور دارند، هرگز در شرایطی

مستقل‌اندند که اینزاده نهادها و حداقل‌های لازم برای اجرای واقعی آن

فراهم باشد.

آنچه در ایران طی این سال‌ها اجرا شده، در اقتصاد بازار بوده و نه سیاستی

منسجم؛ بلکه ترکیبی نامتوازن از قیمت‌گذاری دستوری، مداخلات مودی،

فشارهای سیاسی، تحریم، بی‌ثباتی

نهادی و فقدان قواعد پایدار بوده است. و سپس این مجموعه را ذیل عنوان

«سیاست‌های بازار» معرفی کرده‌ایم.

طبیعی است که چنین ترکیبی نه پاسخگوست، نه کارآمد و نه قابل دفاع.

اقتصاد بازار را نمی‌توان با دست‌بند اجرا کرد و بعد، وقتی زمین خورد، خود ایده را

مقصر دانست.

اقتصاد بازار رقابتی در ایران هیچ‌گاه مجال اجرا پیدا نکرده است. بدون شفافیت،

بدون قواعد پایدار، بدون تضمین حقوق مالکیت و بدون نهادهای تنظیم‌گر

مستقل، چیزی به نام بازار رقابتی شکل نمی‌گیرد. در واقع ما هیچ‌وقت فرصت

آزمودن بازار را نداشته‌ایم؛ آنچه تجربه کرده‌ایم، پیامدهای نبود بازار و آشفتگی

سیاست‌گذاری بوده است.

نکته مهم دیگر این است که در فضای عمومی و حتی در برخی نهادها، اقتصاد

بازار «باشتابه با بی‌نظمی، رهاشدگی، قانون‌گریزی، تحقق پایدار بوده است.

قانون‌گریزی، بدون تضمین حقوق مالکیت اصلاً بازار نیست.

آنچه در بسیاری از دوره‌ها اتفاق افتاده، سوءاستفاده از ضعف دولت و خلأ نهادی

به نفع گروه‌های ذی‌نفع بوده و بعد این وضعیت به نام بازار نوشته شده است.

متأسفانه برخی از کسانی که خود در شکل‌گیری این آشفتگی‌ها نقش

داشته‌اند یا از آن منتفع شده‌اند، امروز با جابه‌جایی مفاهیم، مسئولیت را از

ساختارهای مربوط و رانت‌زا به گردن «اقتصاد بازار» می‌اندازند. این خلط

مفهومی، هم به فهم عمومی آسیب زده و هم مانع گفت‌وگوی صادقانه درباره

اصلاحات واقعی شده است.

با این همه، شاید برای اولین بار در

یکی از مقاطع دو دهه اخیر، نشانه‌هایی

از شکل‌گیری یک تیم اقتصادی نسبتاً هم‌فهم دیده می‌شود؛ البته در شرایطی

بسیار دشوار و محدود.

این به معنای تحقق اقتصاد بازار آزاد

نیست و نباید چنین انتظاری ایجاد کرد،

اما می‌تواند گامی در جهت فاصله گرفتن

از بی‌نظمی، کاهش تعارض سیاست‌ها و

حرکت به سمت عقلانیت بیشتر باشد.

همین مقدار، در وضعیت کنونی اقتصاد

ایران، خود امیدوارم معنادار باشد.

برای نخستین

بار در یکی

از مقاطع دو

دهه اخیر،

نشانه‌هایی

از شکل‌گیری

یک تیم

اقتصادی نسبتاً

هم‌فهم دیده

می‌شود؛ البته

در شرایطی

بسیار دشوار و

محدود. این به

معنای تحقق

اقتصاد بازار

آزاد نیست و

نباید چنین

انتظاری

ایجاد کرد،

اما می‌تواند

گامی در جهت

فاصله گرفتن

از بی‌نظمی،

کاهش تعارض

سیاست‌ها

و حرکت

به سمت

عقلانیت

بیشتر باشد

اگر آقای

پزشکیان

نتواند کل

حاکمیت را

برای تغییر نوع

تصمیم‌گیری

اقتصادی

قانع کند،

نتیجه روشن

است: تشدید

بی‌اعتمادی،

فرسایش

سرمایه انسانی

و خالی‌تر شدن

میدان از افراد

مقاوم

گزارش



ارزیابی ریسک شرکت های بورسی در آذرماه

گزارش اداره میزهای صنعت و رتبه‌بندی ناشران سازمان بورس و اوراق بهادار، در تازه‌ترین بررسی خود به موضوع مصرف انرژی در صنایع مختلف بازار سرمایه پرداخته و نشان می‌دهد ناترازی انرژی به یکی از متغیرهای تعیین‌کننده در مسیر تولید، سودآوری و حتی ارزیابی ریسک شرکت‌های بورسی تبدیل شده است. این گزارش که مصرف گاز، برق و آب صنایع انرژی‌بر و بااهمیت بازار سرمایه را در آذرماه بررسی می‌کند، تصویری نسبتاً دقیق از فشارهای ساختاری بخش انرژی بر بدنه تولید صنعتی کشور ارائه می‌دهد.

براساس یافته‌های گزارش، مجموع مصرف گاز صنایع بورسی در آذرماه نسبت به ماه قبل حدود ۱۹ درصد کاهش داشته است. این کاهش فراگیر، بیش از آنکه ناشی از افت تقاضای واقعی باشد، به محدودیت‌های تأمین و تشدید ناترازی گاز در ماه‌های سرد سال بازمی‌گردد.

با این حال، بررسی تفکیکی صنایع نشان می‌دهد رفتار مصرف انرژی یکسان نبوده است. در حالی که صنایع فرآورده‌های نفتی و کک افزایش مصرف گاز را تجربه کرده‌اند، صنایعی مانند سیمان، آهک و گچ، استخراج کانه‌های فلزی، فلزات اساسی و محصولات شیمیایی با کاهش‌های معناداری در مصرف گاز مواجه شده‌اند.

این تفاوت‌ها نشان می‌دهد شدت وابستگی به گاز و امکان مدیریت یا جایگزینی سوخت در صنایع مختلف، متفاوت است و همین موضوع ریسک عملیاتی شرکت‌ها را از منظر انرژی تشدید می‌کند.

در بخش برق نیز گزارش از کاهش حدود ۳ درصدی مصرف نسبت به ماه قبل حکایت دارد. هرچند برخی صنایع نظیر محصولات شیمیایی و فرآورده‌های نفتی افزایش مصرف برق داشته‌اند، اما در مقابل صنایعی همچون استخراج کانه‌های فلزی، سیمان و سایر صنایع با افت مصرف روبه‌رو شده‌اند. این وضعیت نشان‌دهنده استمرار محدودیت‌های برق در صنایع سنگین و انرژی‌بر است؛ محدودیت‌هایی که در عمل می‌تواند به کاهش ظرفیت تولید، افزایش قیمت‌های ناخواسته خطوط تولید و در نهایت رشد هزینه تمام‌شده منجر شود.

مصرف آب نیز در آذرماه روندی کاهشی داشته و حدود ۸ درصد نسبت به ماه قبل کاهش یافته است. کاهش مصرف آب در صنایعی مانند فلزات اساسی، استخراج کانه‌های فلزی و فرآورده‌های نفتی، علاوه بر ملاحظات فصلی، بیانگر تلاش صنایع برای کنترل مصرف منابع و کاهش ریسک‌های عملیاتی است. با این حال، در صنایعی نظیر پتروشیمی که ذاتاً آب‌بر هستند، همچنان مصرف بالای آب یک چالش ساختاری محسوب می‌شود و اثر آن به‌طور مستقیم در بهای تمام‌شده و پایداری تولید منعکس می‌شود.

از منظر قیمتی، گزارش به کاهش میانگین نرخ چهار هاب منطقه‌ای گاز در آذرماه نسبت به آبان اشاره می‌کند؛ عاملی که به‌طور بالقوه می‌تواند بر نرخ خوراک پتروشیمی‌ها و نرخ سوخت سایر صنایع اثرگذار باشد. با این وجود، تأخیر در اعلام رسمی نرخ خوراک و سوخت گاز، یکی از مهم‌ترین نقاط ضعف ساختاری در نظام تنظیم‌گری انرژی کشور است.

این تأخیر، تهیه گزارش‌های میان‌دوره‌ای شرکت‌ها را با دشواری مواجه کرده و سطح عدم‌قطعیت در تصمیمات سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد؛ موضوعی که برای بازاری‌ماند بورس، که به شفافیت اطلاعات وابسته است، اهمیت دوچندان دارد.

جمع‌بندی داده‌ها نشان می‌دهد بیشترین سهم مصرف ریالی انرژی در بازار سرمایه به گاز و برق اختصاص دارد و صنایع فلزات اساسی، محصولات شیمیایی و عرضه برق و گاز، بالاترین وزن را در سبد مصرف انرژی دارند. تمرکز مصرف انرژی در این صنایع به این معناست که هرگونه اختلال در تأمین یا تغییر ناگهانی سیاست‌های قیمتی انرژی، می‌تواند اثر قابل‌توجهی بر تولید، سودآوری و حتی ارزش بازار شرکت‌های بزرگ بورسی داشته باشد.

در مجموع، گزارش مصرف انرژی آذرماه صنایع بورسی تأکید می‌کند که ناترازی انرژی دیگر یک ریسک مقطعی یا فصلی نیست، بلکه به یک چالش ساختاری برای صنایع بازار سرمایه ایران تبدیل شده است. تداوم این وضعیت، بدون اصلاح در سیاست‌گذاری انرژی، توسعه زیرساخت‌ها و شفافیت در اعلام نرخ‌ها، می‌تواند چشم‌انداز تولید و سرمایه‌گذاری در صنایع انرژی‌بر را با ابهام جدی مواجه کند؛ ابهامی که مستقیماً به بازار سرمایه منتقل می‌شود و بر انتظارات فعالان اقتصادی اثر می‌گذارد.

اقتصاد ایران با چالش‌های چندگانه مواجه است و بسیاری حل این مسائل را جز در مسیر غیراقتصادی و رفع چالش‌های سیاسی نمی‌بینند. با این حال، برای اولین بار در اقتصاد ایران تیمی در سه جایگاه اصلی اقتصادی، یعنی وزارت اقتصاد، سازمان برنامه و بانک مرکزی حضور دارند که نشانه‌هایی از بازگشت اقتصاد

به ریل توسعه را نشان می‌دهند.

هرچند مسیر سختی پیش روی آنهاست، اما شاید این تنها مسیری است که می‌تواند ایران را از مسیر اضمحلال

دور کند و بستر توسعه را در کنار رفع تنش‌های بین‌المللی فراهم کند.

مرکزی چه پیاپی برای اقتصاد و بازارها در ایران دارد؟ این مهم‌ترین پرسشی است

که در گفت‌وگو با حسین عبده تبریزی، اقتصاددان و صاحب‌نظر برجسته حوزه

مالی کشورمان بررسی کرده‌ایم.

انتخاب آقای همتی بحث برانگیز بوده و برخی نمایندگان مجلس

● خبرروز

صنعت خودرو در صدر صادرات ترکیه قرار گرفت

داده‌های منتشرشده مجمع صادرکنندگان ترکیه (TIM) نشان داد که بخش خودرو در سال ۲۰۲۵، با ۴۱.۵ میلیارد دلار صادرات، در صدر تمام گروه‌های صنعتی قرار گرفت. به گزارش خبرگزاری آنا‌تولی؛ رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهوری ترکیه اعلام کرد که این کشور در سال ۲۰۲۵ با ثبت بالاترین رقم صادرات در تاریخ جمهوری ترکیه، رکورد جدیدی به‌جا گذاشته است. اردوغان در مراسم اعلام ارقام صادرات سال ۲۰۲۵ گفت: «صادرات کالا و خدمات ترکیه در این سال به حدود ۳۹۶ میلیارد دلار رسیده و از اهداف تعیین‌شده فراتر رفته است.»

براساس داده‌های رسمی اعلام‌شده در این مراسم، صنعت خودروسازی با ثبت بالاترین میزان صادرات، در صدر بخش‌های صادراتی ترکیه قرار گرفته و سهم قابل‌توجهی در دستیابی به این رکورد تاریخی داشته است. رئیس‌جمهوری ترکیه تأکید کرد که افزایش توان تولیدی، گسترش بازارهای خارجی و حمایت از صنایع راهبردی، از جمله صنعت خودرو، نقش مهمی در رشد صادرات این کشور ایفا کرده است. همچنین بر اساس گزارش ترکیه‌تودی، اردوغان گفت: «ترکیه با نزدیک به دو میلیون واحد تولیدی در بخش خودرو، تولید سالانه ۱.۵ میلیون دستگاه خودرو و صادرات بیش از ۴۱ میلیارد دلار، چهارمین تولیدکننده بزرگ اروپا و دوازدهمین تولیدکننده بزرگ جهان است.»

● پیشنهاد خودرو

وويا فری؛ کراس اور خاص هیبریدی بازار



وويا فری یک کراس اور پلاگین هیبریدی است که در سال ۲۰۲۱ معرفی شد. این خودرو با طراحی خاص و امکانات پیشرفته، به‌سرعت توانست توجه بازارهای مختلف را جلب کند. وويا فری در دو نسخه هیبریدی و تمام الکتریکی عرضه می‌شود که هر

دومدل به‌خوبی در بازار چین مورد استقبال قرار گرفتند. در سال ۲۰۲۳، یکی از شرکت‌های وارداتی تصمیم به معرفی وويا فری در ایران گرفت و این خودرو را برای اولین بار در نمایشگاه خودروی مشهد رونمایی کرد. آنچه این کراس اور را متمایز می‌کند، ترکیب دو موتور الکتریکی و یک پیش‌راننده بنزینی است. پیش‌راننده بنزینی ۱.۵ لیتری به عنوان ژنراتورعمل کرده و باتری‌های خودرو را شارژ می‌کند. مجموع قدرت تولیدی این سیستم به ۴۹۰ اسب بخار می‌رسد و گشتاور آن نیز به ۷۲۰ نیوتن‌متر می‌رسد. وويا فری با استفاده از باتری‌های لیتیوم یون با ظرفیت ۴۳ کیلووات، در حالت تمام الکتریکی قادر است حدود ۳۰۰ کیلومتر طی کند. شتاب ۰ تا ۱۰۰ کیلومتر در ساعت این کراس اور در حدود ۴.۵ ثانیه است. سیستم تعلیق وويا فری نیز به‌گونه‌ای طراحی شده که در محور جلو از نوع مستقل با دو بازوی دوگانه و در محور عقب از نوع مستقل مولتی لینک است. این سیستم همچنین به تعلیق بادی مجهز است، که امکان تنظیم ارتفاع خودرو را فراهم کرده و به کیفیت سواری و پایداری آن در شرایط مختلف جاده‌ای کمک می‌کند. درحال حاضر قیمت مدل ۲۰۲۵ این خودرو در بازار آزاد حدوداً ۱۱ میلیارد تومان است.

● شرایط فروش

آغاز فروش ۹ محصول سواری گروه بهمن از طریق مزایده



شرکت بهمن موتور اعلام کرد که نهمین دوره مزایده محصولات سواری این گروه آغاز شده است. متقاضیان می‌توانند از روز یکشنبه ۱۴ دی تا یکشنبه ۲۱ دی ۱۴۰۴، به منظور بازدید حضوری از خودروهای عرضه‌شده، به انبار خودروهای مزایده‌ای واقع در کیلومتر ۱۱ جاده مخصوص (شهید لشکری)، پلاک ۲۲۷ مراجعه کنند. زمان بازدید هم‌روزه از ساعت ۸ صبح تا ۱۵ خواهد بود. طبق این اعلام، ثبت قیمت پیشنهادی و واریز سپرده شرکت در مزایده از ساعت ۸ صبح روز یکشنبه ۱۴ دی‌ماه تا ساعت ۱۸ روز یکشنبه ۲۱ دی‌ماه ۱۴۰۴، از طریق سامانه اینترنتی www.parsoilco/fa/tender.html انجام خواهد شد. در این دوره از مزایده، خودروهای ریسپکت، هونگی H5، انواع کاپر، دیگنیتی پرایم و پرستیتز، فیدلیتی پرایم و پرستیتز، اینرودز و پیکاپ G9 به متقاضیان عرضه می‌شود.

آگهی مناقصه (نوبت اول)
دعوت به شرکت در مناقصه طراحی، تأمین، ساخت، نصب، تحویل و راه‌اندازی برج خنک‌کننده مرطوب فایبر گلاس (FRP) شرکت پارس

شرکت نفت پارس در نظر دارد طراحی، تأمین، ساخت، نصب و راه‌اندازی برج خنک‌کننده مرطوب فایبرگلاس (FRP) خود را از طریق مناقصه عمومی به پیمانکار واجد شرایط و اگذار نماید. لذا از کلیه متقاضیان محترم دعوت می‌شود جهت دریافت اسناد مناقصه به وب‌سایت رسمی شرکت به آدرس: <http://www.parsoilco/fa/tender.html> مراجعه فرمایند.

مهلت ارسال پاکت پیشنهاد: تا پایان وقت اداری روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۷/۱۵

تذکرات مهم:
«واگذاری موضوع مناقصه منوط به احراز شرایط قانونی و براساس مفاد اسناد مناقصه خواهد بود.»
«به پیشنهادهای مشروط، فاقد امضاء یا مهر، مهیم، فاقد تضمین سپرده شرکت در مناقصه و یا پیشنهادهایی که پس از مهلت مقرر در اسناد مناقصه ارسال شود، ترتیب اثر داده نخواهد شد.»
«این آگهی صرفاً به منزله دعوت به مناقصه بوده و هیچ‌گونه تعهدی برای شرکت نفت پارس در پذیرش تمام یا بخشی از پیشنهادها ایجاد نمی‌نماید.»
«شرکت در رد یا قبول پیشنهادها مختار است.»



از تویوتا یاریس تا فیات ۵۰۰

هوندا سیویک؛ سدانی برای سفرهای خانوادگی



هوندا سیویک سدان ژاپنی با کیفیت ساخت بالا، یکی از خودروهای محبوب برای رانندگی روزمره و سفرهای بین‌شهری است. پیش‌رانده ۲ لیتری با قدرت ۱۳۵ اسب بخار و ۴۲۰ نیوتن متر گشتاور است. این خودرو در سامانه هنوز قیمت نخورده است اما قیمت آن در بازار آزاد حدوداً ۱۹ میلیارد تومان است.

هیوندای کونا؛ کراس اور جذاب وارداتی



هیوندای کونا، کراس اور کوچک و مدرن دیگری است که با پیش‌رانده ۲ لیتری بنزینی، قدرت ۱۱۳ اسب بخار و گشتاور ۱۷۹ نیوتن متر است. صندلی برقی راننده با تنظیم گودی کمر، کلاستر دیجیتال، استارت ورود بدون کلید، ترمز پارک برقی، شارژر وایرلس، سیستم کنترل پایداری و کشش، سنسور پارک جلو و عقب تنها بخشی از امکانات این خودرو است. قیمت این خودرو در سامانه ۴ میلیارد و ۵۹۲ میلیون تومان و در بازار آزاد ۶ میلیارد تومان است.

کیا سونت؛ کراس اوری خوش چهره



یکی دیگر از کراس اورهای جمع‌وجور محبوب است که با پیش‌رانده ۱.۵ لیتری بنزینی، قدرت ۱۱۳ اسب بخار و گشتاور ۱۴۴ نیوتن متر تجربه رانندگی نرم ارائه می‌دهد. فرمان کمکی برقی، درجه تهویه عقب، تهویه اتوماتیک و سانروف از امکانات این خودروست که برای بانوانی که به تجهیزات مدرن اهمیت می‌دهند، انتخابی مناسب محسوب می‌شود. قیمت این خودرو در سامانه ۲ میلیارد و ۱۶۶ میلیون تومان و در بازار آزاد ۳ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان است.

میتسوبیشی اکلیپس؛ کراس اور اسپرت با امکانات خاص



میتسوبیشی اکلیپس کراس، کراس اوری جمع‌وجور و اسپرت با پیش‌رانده ۱.۵ لیتری توربو و قدرت ۱۵۲ اسب بخار و گشتاور ۲۵۰ نیوتن متر است. امکاناتی مثل نمایشگر لمسی، سیستم‌های ایمنی پیشرفته و دوربین ۳۶۰ درجه، آن را به گزینه‌ای مناسب برای بانوانی که به طراحی زیبا و ارتفاع مناسب خودرو برای رانندگی راحت اهمیت می‌دهند، تبدیل کرده است. قیمت این خودرو در سامانه ۳ میلیارد و ۶۵۵ میلیون تومان و در بازار آزاد ۶ میلیارد و ۵۰۰ میلیون تومان است.

پیشنهاد کاربردی‌ترین خودروهای وارداتی برای بانوان

● گزارش

یاسمن صادقی شیرازی

گروه خودرو

با توجه به اینکه در روزهایی به سر می‌بریم که واردات خودرو آزاد شده است و همچنین، شاهد تنوع محصولات و برندهای مختلف نسبت به سال اولی که واردات خودرو آزاد شد هستیم؛ تصمیم گرفتیم با توجه به واردات متنوع محصولات، خودروهایی را که برای بانوان در این بازار دارای جذابیت ظاهری و همچنین امکانات رفاهی هستند مورد بررسی قرار دهیم. در این گزارش هشت خودروی وارداتی که در سامانه عرضه شده‌اند را از لحاظ کیفیت و قیمت بررسی خواهیم کرد.

فیات ۵۰۰؛ کوچک خوش قیافه



اگر به دنبال خودرویی کوچک و متفاوت هستید، فیات ۵۰۰ گزینه‌ای مناسب است. پیش‌رانده این هاچ‌بک جمع‌وجور ۱.۲ لیتری و قدرت ۶۹ اسب بخار همراه ۱۰۲ نیوتن متر گشتاور است. این خودرو گزینه‌ای مناسب برای پارک در شهر و تردد‌های کوتاه شهری است که در حال حاضر قیمت آن در سامانه ۲ میلیارد و ۲۰۰ میلیون تومان و در بازار آزاد ۵ میلیارد تومان است.

تویوتا یاریس؛ جمع و جورترین سدان تویوتا



تویوتا یاریس یکی از گزینه‌های محبوب در بین خودروهای کوچک و جمع‌وجور است. این هاچ‌بک شهری با پیش‌رانده ۱.۵ لیتری بنزینی، قدرت حدود ۱۰۵ اسب بخار و ۱۳۶ نیوتن متر گشتاور تجربه رانندگی راحت و بی‌دردسری را در شهر فراهم می‌کند. ابعاد جمع‌وجور یاریس باعث می‌شود پارک کردن در شهرهای شلوغ بسیار راحت‌تر باشد. قیمت این خودرو در حال حاضر در سامانه ۳ میلیارد و ۲۵۰ میلیون تومان و در بازار آزاد ۴ میلیارد و ۸۰۰ میلیون تومان است.

اپل کورسا؛ هاچ بکی برای خیابان‌های شلوغ



اپل کورسا، هاچ‌بکی کوچک و کاربردی، با پیش‌رانده ۱.۲ لیتری و قدرت ۱۰۰ اسب بخار و گشتاور ۲۰۵ نیوتن متر انتخابی اقتصادی و مناسب برای تردد‌های شهری است. از جمله آپشن‌های آن می‌توان به شش کیسه هوا، سامانه کنترل حرکت در سربالایی، سامانه کنترل پایداری الکتریکی، تهویه الکتریکی دستی، سنسور نور و باران، دوربین عقب و سنسور عقب اشاره کرد. قیمت این خودرو در سامانه ۲ میلیارد و ۷۸۰ میلیون تومان و در بازار آزاد ۶۰۰ میلیون تومان است.

نیسان سانی؛ سدان اقتصادی برای روزمره



نیسان سانی، یک سدان اقتصادی و ساده‌ای با پیش‌رانده ۱.۵ لیتری و قدرت ۱۰۸ اسب بخار و ۱۳۴ نیوتن متر گشتاور است. از مهم‌ترین آپشن‌های این خودرو می‌توان به فرمان کمکی برقی، ایربک راننده و سرنشین، کنترل پایداری، ترمز کمکی، مولتی مدیای ۶ اینچی، دوربین عقب، سنسور پارک عقب و سیستم صوتی با ۲ بلندگو اشاره کرد. قیمت مدل ۲۰۲۵ این خودرو در سامانه ۱ میلیارد و ۵۵۰ میلیون تومان و در بازار آزاد ۲ میلیارد و ۹۰۰ میلیون تومان است.

خودروسازانی که بیشترین فراخوان را در ۲۰۲۵ داشتند «» فورددردر نشین شد

خود اصلاح کرده برجسته کنیم تا آمار معنی پیدا کند. اغلب این مشکلات مربوط به دوربین‌های عقب معیوب و خطر آتش‌سوزی خودروها بوده است. بر اساس تعداد کل خودروهای تحت تأثیر، ۱۰ برند خودرویی با بیشترین فراخوان در ۲۰۲۵ به شرح زیر است:

این آمار با استفاده از داده‌های رسمی NHTSA (سازمان ملی ایمنی بزرگراه‌های آمریکا) جمع‌آوری شده است. البته، همه فراخوان‌ها یکسان نیستند. نقص‌های فاجعه‌بار موتور با یک قطعه داخلی شل فرقی دارند. ما سعی کردیم بیشترین ایرادهایی را که هر خودروساز در فراخوان‌های

زمانی اتفاق می‌افتند که خودروساز نقص‌هایی ایمنی محور را در خودروهای فروخته‌شده کشف کرده و از مالکان می‌خواهد خودرو را به نمایندگی بازگردانند تا رایگان تعمیر شود. با پایان سال ۲۰۲۵، مشخص شد که کدام خودروسازان بیشترین فراخوان‌ها را داشته‌اند.

خودروسازان هم فاصله کمی با آن داشتند. گاهی اوقات، ارزیابی دقیق و قابل اعتماد از کیفیت و دوام بلندمدت خودروهای جدید دشوار است، اما تعداد فراخوان‌های یک شرکت خودروسازی حداقل یک شاخص خوب برای شروع است.

به گزارش سایت motor1، فراخوان‌ها

● ترجمه

گروه خودرو



General Motors

۹۹۸,۲۶۰ ماشین

جنرال موتورز در سال ۲۰۲۵ توانست از پوستر به باشگاه یک میلیون خودروی فراخوان شده کمی دور بماند و تعداد خودروهای فراخوان شده این شرکت ۹۹۸,۲۶۰ دستگاه بود. بیشترین دردها در جنرال موتورز در سال جاری مربوط به فراخوان مشهور موتور ۶.۲ لیتری V-8 بود. این مشکل باعث شد تقریباً ۶۰۰ هزار دستگاه از خودروهای کادیلاک اسکالید، شورلت سیلورادو، سابرین، تاهو، جی‌ام‌سی سیرا و یوکان برای بررسی و اصلاح به نمایندگی‌ها بازگردانده شوند.



Kia

۹۸۲,۳۴۶ ماشین

کیا در سال ۲۰۲۵ کمی عملکرد بهتری در زمینه فراخوان‌ها داشت و ۹۸۲,۳۴۶ دستگاه خودرو نیاز به اصلاح پیدا کردند، در حالی که سال قبل این عدد ۱.۲ میلیون بود. این شرکت امسال ۱۳ مشکل مختلف را اعلام کرد که تعداد خودروهای تحت تأثیر تقریباً برابر بود. اما بزرگ‌ترین مشکل مربوط به ۲۵۰ هزار دستگاه سدان K5 مدل‌های ۲۰۲۱ تا ۲۰۲۴ بود.



Tesla

۷۴۵,۰۷۵ ماشین

تسلا که در ۲۰۲۴ بیش از ۵ میلیون خودرو فراخوان داشت، در ۲۰۲۵ این رقم را به ۷۴۵,۰۷۵ کاهش داد. بیشترین مشکل مربوط به سیستم فرمان برقی در ۲۷۶ هزار مدل ۳ و ۷ بود که ممکن است قدرت خود را از دست بدهد و دومین مشکل مهم، مربوط به بر اساس تعداد کمپین‌های که بردهای مدار کامپیوتری آنها ممکن است دچار اتصال کوتاه شوند و تصویر درست نشان ندهند.



Volkswagen Group

۶۶۳,۶۶۳ ماشین

این شرکت هم نسبت به سال قبل کاهش قابل توجهی داشت و ۶۶۳,۶۶۳ خودرو در ۲۵ کمپین فراخوان شدند. بیشترین مشکلات، کاور موتور شل که ممکن است ذوب شده و آتش بگیرد، اختلال در تصویر دوربین دنده عقب مدل اطلس، دو مورد از اصلی‌ترین مشکلات این برند در سال ۲۰۲۵ بودند. هر دو فراخوان یاد شده بیش از ۱۷۰ هزار شاسی‌بلند اطلس مدل ۲۰۲۴ و ۲۰۲۵ را در بر می‌گیرد.



BMW

۵۰۸,۳۳۸ ماشین

در مقایسه با سال قبل، ۲۰۲۵ برای BMW پیشرفت بزرگی بود. این خودروساز آلمانی ۲۱ فراخوان روی ۵۰۸,۳۳۸ خودرو صادر کرد و رتبه‌دهم را کسب کرد. برای مقایسه، در ۲۰۲۴ بیش از ۱.۸ میلیون خودرو با ۳۶ مشکل فراخوان شدند. البته، این به معنای بی‌اهمیت بودن مقایسه نیست؛ حدود ۲۰۰ هزار خودرو دارای مشکل استارتز موتور هستند که ممکن است دچار خوردگی، گرم‌زدگی و حتی آتش‌سوزی شوند.



Ford

۱۲.۹ میلیون ماشین

فورد بازنده بزرگ فراخوان ۲۰۲۵ است. این شرکت امسال ۱۲.۹ میلیون خودرو را به خاطر ۱۵۳ مشکل مختلف فراخوان کرد. برای مقایسه، این عدد بیش از چهار برابر تویوتا و تقریباً سه برابر کمپین‌های فراخوان دوم استلانتیس (Stellantis) است. حدود ۴ میلیون خودرو به خاطر دوربین عقب خراب فراخوان شدند، که واقعاً یک مشکل همیشگی برای فورد است. واقعاً می‌توان گفت فورد امسال کلی هزینه و وقت برای رفع این مشکلات صرف کرده است.



Toyota

۳,۲ میلیون ماشین

در جایگاه دوم با بیش از ۳.۲ میلیون خودرو فراخوان شده در ۱۵ مشکل مختلف، تویوتا قرار دارد. این رقم نسبت به سال ۲۰۲۴ عقب‌گردی محسوب می‌شود، زمانی که این غول ژاپنی ۱۰.۲ میلیون خودرو را در ۱۶ کمپین فراخوان کرده بود. با این حال، هنوز نمی‌توان به اعتبار تویوتا در زمینه قابلیت اطمینان شک کرد، زیرا بیشترین سهم در فراخوان‌های ۲۰۲۵ مربوط به مشکلات نسبتاً جزئی بوده است.



Stellantis

۲,۷ میلیون ماشین

استلانتیس با ۲,۷۷۶,۹۵۲ خودرو فراخوان شده در سال ۲۰۲۵ و ۵۳ مشکل مختلف، سومین خودروساز با بیشترین فراخوان در سال ۲۰۲۵ است. اگر این فهرست بر اساس تعداد کمپین‌های فراخوان رتبه‌بندی می‌شد، استلانتیس در رده دوم قرار می‌گرفت. باور کنید یا نه، این هنوز نسبت به سال ۲۰۲۴ بهبود محسوب می‌شود، زمانی که این هلدینگ که شامل جیپ، رم، داج، کرایسلر، فیات و آلفارومئو می‌شود، ۴.۸ میلیون خودرو را برای ۷۲ مشکل مختلف فراخوان کرد.



Honda

۱,۵ میلیون ماشین

هوندا در سال ۲۰۲۵، ۱,۵۶۰,۸۱۳ خودرو را فراخوان کرد. عددی که شاید بزرگ به نظر برسد و خوب، واقعاً هم عالی نیست. اما در واقع، روند این شرکت ژاپنی چند سالی است که بهبود پیدا کرده است. برای مقایسه، این رقم در سال ۲۰۲۴ برابر با ۳.۷ میلیون و در ۲۰۲۳ حدود ۶.۳ میلیون خودرو بود. هوندا امسال ۲۱ مشکل مختلف را ثبت کرد، اما جالب‌ترین و شاید خنده‌دارترین مشکل، مربوط به بیش از ۴۰۰ هزار دستگاه هوندا سیویک مدل‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۱ بود که به دلیل یک «خطای تولید»، چرخ ۱۸ اینچی آنها ممکن بود جدا شود.



Hyundai

۱ میلیون ماشین

هیوندای امسال دوباره وارد «باشگاه یک میلیون خودروی فراخوان شده» شد و ۱,۰۷۸,۲۱۲ خودرو را در ۲۱ فراخوان اصلاح کرد. (سال گذشته این عدد ۱.۱ میلیون بود که شامل ۲۵ مشکل مختلف می‌شد). بیش از نیمی از این فراخوان‌ها مربوط به شاسی‌بلند‌های پالسیسید مدل ۲۰۲۰ تا ۲۰۲۵ بود که قفل کمربند ایمنی‌شان ممکن بود درست عمل نکند. جالب اینکه قبل از دریافت اصلاح رسمی، به مشتریان گفته شده بود که کمربند را محکم و سریع داخل قفل قرار دهند تا بسته شود.

یادداشت

دیگر وقت تجربه‌اندوزی نیست



آرش فرهادیان

سرپرست کاروان ایران در بازی‌های ساحلی آسیا

با توجه به محدودیت‌های ارزی و بودجه‌ای در حوزه اعزام‌های ورزشی، اولویت‌بندی امری ضروری است و باید از «کمیت اعزام» به «کیفیت نتیجه» برسیم. لازم است بپذیریم در مقطعی قرار داریم که دیگر زمان کسب تجربه در مسابقات بزرگ نیست. رویدادهایی مانند بازی‌های آسیایی و المپیک که ضوابط فنی دقیق‌تر، چهارچوب‌های کاری منسجم‌تر و محدودیت‌های منطقی‌تری برگزار می‌شوند، شرایطی نیستند که صرفاً به‌عنوان میدان تجربه از آنها استفاده شود.

آنچه در گام نخست باید در حوزه ورزش کشور اتفاق بیفتد، این است که متولی اصلی ورزش، یعنی وزارت ورزش و جوانان، با همکاری کمیته ملی المپیک، طرح طبقه‌بندی فدراسیون‌های ورزشی را بر اساس شاخص‌های کارشناسی و به‌ویژه در حوزه ورزش قهرمانی، به اجرا درآورند. به نظر من فدراسیون‌ها باید در سه سطح «الف»، «ب» و «ج» تقسیم‌بندی شوند. سطح «الف» مربوط به فدراسیون‌های المپیک است که متناسب با پیشرفت علمی هر رشته، بودجه به آنها اختصاص داده می‌شود.

سطح «ب» شامل فدراسیون‌هایی است که شانس محدودی برای موفقیت دارند و تمرکز آنها بر اهداف پایه و پرورش استعدادهاست.

سطح «ج» نیز به فدراسیون‌هایی اختصاص دارد که صرفاً با هدف حضور و کسب تجربه، اقدام به اعزام تیم می‌کنند. وقتی برای اعزام‌ها شاخص تعیین شود و مدال‌آوری در بعد قهرمانی مورد توجه قرار گیرد، هزینه‌کرد بودجه هدفمندتر خواهد شد. البته نباید فراموش کنیم که در برخی رویدادهای مهم، کسب تجربه برای ورزشکارانی که در آینده نقش تأثیرگذاری خواهند داشت، ضروری است. بنابراین وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک باید این ورزشکاران خاص را شناسایی کرده و آنها را به‌صورت جداگانه و تحت حمایت ویژه قرار دهند.

یکی دیگر از نکات مهم و اثرگذار در ورزش، پرهیز از تصمیم‌گیری‌های جزیره‌ای است؛ مانند اعزام‌هایی که صرفاً در تقویم سالیانه فدراسیون‌ها ثبت می‌شود. در این موارد، لازم است با تشکیل «شورای عالی ورزش»، موضوعات به‌صورت دقیق و کارشناسی مورد بررسی قرار گیرد. از سوی دیگر، باید محدودیت جدی در اعزام افراد همراه اعمال شود. در برخی موارد شاهد بوده‌ایم که مربی تیم اعزام نمی‌شود، اما فردی با توجه خاص در فهرست اعزامی‌ها قرار می‌گیرد. حتی در زمینه پرورش مدیر سرپرست تیم که نیازمند تجربه و نتیجه میدانی است نیز کوتاهی کرده‌ایم. همچنین فدراسیون‌ها باید فرآیند غربالگری را به‌درستی انجام دهند و رئیس فدراسیون شجاعانه به برخی اعزام‌ها «نه» بگوید یا اعزام‌های ترکیبی و منطقه‌ای را در دستور کار قرار دهد و تیم‌ها را به تونزمنت‌هایی با فاصله جغرافیایی نزدیک اعزام کند. وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک نیز باید در تخصیص بودجه فدراسیون‌ها کاملاً فنی عمل کنند و بر اساس گزارش‌های دقیق و ارزیابی عملکردها، بودجه لازم را اختصاص دهند.

الزام حذف سفرهای غیر ضروری ورزشی

علی کفایشیان
دبیرکل اسبق کمیته ملی المپیک

بهترین راهکار برای وزارت ورزش و کمیته ملی المپیک در سال پرتراфик ۱۴۰۵، تأمین بودجه به‌صورت دلاری است. تجربه‌ای داشته و با استفاده از بودجه ارزی، هزینه سفرها، تجهیزات و سایر نیازهای خود را تأمین کرده است. بهترین روش نیز همین است، در غیر این صورت باید هزینه‌های مربوط به بازی‌های آسیایی، بازی‌های ساحلی، بازی‌های داخل سالن آسیا و المپیک جوانان به صورت ریالی تأمین شود. از سوی دیگر، کاروان‌ها و حتی تیم‌هایی که برای انتخابی المپیک اعزام می‌شوند، باید به شکل کینی این کار صورت گیرد. البته منظور از «تیم یا کاروان کینی» این نیست که تنها ورزشکاران با شانس صددرصد مدال حضور داشته باشند، بلکه همه ورزشکارانی که شانس کسب مدال دارند باید در بازی‌ها و مسابقات شرکت کنند. شرایط مسابقه نیز برای کسب مدال تعیین کننده است؛ ممکن است ورزشکاری با شانس صددرصد مدال، در رقابتی نزدیک مدال کسب نکند و بالعکس، ورزشکاری با شانس کمتر، موفق به کسب مدال شود.

در واقع، وقتی صحبت از «کاروان کینی» به میان می‌آید، ممکن است تصور شود بسیاری از ورزشکاران حذف خواهند شد؛ اما چنین نیست. حتی ورزشکارانی که شانس کسب مقام سوم یا چهارم دارند نیز باید در مسابقات و بازی‌ها شرکت کنند. به هر حال، ورزشکاران سال‌ها تلاش می‌کنند تا بتوانند در میادین بزرگ و بازی‌های آسیایی تجربه کسب کنند. پیش‌تر، حضور ورزشکاران زن در مسابقات بیشتر با نگاه حمایتی صورت می‌گرفت، اما اکنون با درخشش آن‌ها در میادین مختلف، ثابت شده است که توان آن‌ها حتی در برخی رشته‌ها از ورزشکاران مرد نیز بالاتر است. بنابراین اعزام زنان با نگاه حمایتی دیگر معنا ندارد و تیم‌ها و ورزشکاران زن باید بر اساس شانس کسب مدال به بازی‌ها اعزام شوند. در چنین شرایطی، شورای برون‌مرزی نیز نباید به سفرهای غیرضروری بودجه اختصاص دهد، چرا که ورزشکاران و تیم‌ها به نورهای مسافرتی نمی‌روند. برای تأیید هر سفر، هم سطح مسابقه و هم اردوی تمرینی باید مد نظر قرار گیرد. برگزاری برخی اردوها در داخل کشور می‌تواند جایگزین اردوهای برون‌مرزی غیرضروری شود و نیازی به صرف هزینه زیاد نیست.

«ایران» ضرورت بازنگری در اعزام‌های برون مرزی ورزشی را بررسی می‌کند

سفر توریستی-تفریحی ممنوع

گروه ورزشی | یکی از راهکارهای کلیدی برای صرفه‌جویی ارزی در حوزه ورزش، بازنگری در مقررات و سیاست‌های اعزام تیم‌های ورزشی به اردوهای آماده‌سازی و تونزمنت‌های بین‌المللی است؛ به‌ویژه مواردی که هیچ دستاورد ملموسی برای ورزشکاران کشورمان به همراه ندارد و حضور در آن تونزمنت یا رویداد ورزشی بیشتر به یک سفر تفریحی شباهت دارد تا فرصتی برای ارتقای سطح کیفی ورزش ایران.

نبود مدیریت استراتژیک در حوزه ورزش موجب شده است تا هزینه‌های غیرضروری بسیاری به بدنه ورزش کشور تحمیل شود؛ هزینه‌هایی که در قالب اعزام تیم‌ها به رقابت‌های بین‌المللی و تفریحی و گردشگری برخی همراهان فدراسیون‌ها حالی که با برنامه‌ریزی هوشمندانه، همان منابع مالی می‌تواند صرف ارتقای توان فنی ورزشکاران، فراهم کردن امکانات پیشرفته تمرینی و تمرکز بیشتر آنان بر قهرمانی شود و از هدررفت منابع



سید مصطفی هاشمی طبّا؛ معاون اسبق رئیس جمهور در گفت‌وگو با «ایران»:

باید بساط اردوهای ورزشی غیرضروری خارجی جمع شود

مدیران فدراسیون‌ها باید مشکلات اقتصادی را درک کنند

گفت و گو

سینا حسینی | سید مصطفی

هاشمی طبّا بازنگری در نحوه اعزام‌های ورزشی به مسابقات جهانی و اردوهای آماده‌سازی را امری ضروری برای ورزش ایران می‌داند و معتقد است اگر برنامه‌ریزی استاندارد و ایده‌آل داشته باشیم، می‌توانیم به خوبی از هدررفت منابع در این بخش جلوگیری کرده و به صورت منطقی و هدفمند در میادین بین‌المللی حاضر شویم. رئیس اسبق سازمان تربیت بدنی در گفت‌وگو با «ایران» درباره مقوله کنترل هزینه‌های جاری ورزش، راهکارهایی را ارائه داد که در ادامه می‌خوانید:

با توجه به محدودیت‌های ایجاد شده در بودجه ورزش ایران در سال ۱۴۰۵، به نظر ریاستی بازنگری جدی در اعزام تیم‌های ورزشی به رویدادهای جهانی و بین‌المللی داشته باشیم؟

با درک صحیح از وضعیت فعلی اقتصاد کشور، باید به سمت روش‌های نوین در حوزه مدیریت حرکت کنیم تا تصمیمات منطقی جای روش‌های احساسی و بدون

نتیجه را بگیرد. اعزام تیم‌های ورزشی

بدون تردید بخش قابل‌توجهی از بودجه ورزش ایران را به خود اختصاص می‌دهد. بر این اساس، اگر در این حوزه تصمیم‌گیری منطقی و علمی انجام شود، می‌توانیم جلوی بسیاری از هزینه‌های بی‌جهت را بگیریم و بودجه را به شکلی منطقی و هدفمند هزینه کنیم. البته من اعتقاد دارم فدراسیون‌ها با فداکاری، قطعاً به این سمت خواهند رفت. برخی اعزام‌ها برای ورزش ما آورده‌ای به دنبال نداشته است، پس آیا می‌توانیم با شجاعت مانع از اعزام‌های بی‌جهت در این مقطع شویم؟

مهم‌ترین مسأله‌ای که باید در دستور کار مدیران فدراسیون‌های ورزشی و مسئولان وزارت ورزش و جوانان قرار گیرد، درک صحیح از مشکلات اقتصادی کشور است. البته این موضوع باید در سایر حوزه‌ها نیز اعمال شود و از هدررفت بی‌جهت بودجه جلوگیری به عمل آید، اما در بخش ورزش، بایستی بدون قید و شرط تغییرات اساسی و جدی ایجاد شود. واقعاً برخی اعزام‌های کم‌اهمیت در مقطع کنونی هیچ ضرورتی ندارند. زمانی که نسبت به شرایط اقتصادی موجود در کشور آگاهی کامل داشته باشیم، می‌توانیم در حوزه تصمیم‌گیری نیز

عملکرد مناسبی داشته و قید برخی اعزام‌های بی‌فایده را بزنیم. چشم‌پوشی رؤسای

فدراسیون‌های ورزشی از برخی اعزام‌های غیرضروری می‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در مصرف بودجه جاری ورزش ایفا کند؟ قطعاً همین‌طور است. وقتی از اعزام‌های فاقد اهمیت جلوگیری کنیم، می‌توانیم در حوزه‌های مهم‌تر، از ورزشکاران و قهرمانان حمایت کنیم. اما اگر این اتفاق رخ ندهد، به واسطه برگزاری یک اردوی تدارکاتی یا یک بازی دوستانه، شاید برخی ادعا کنند که بودجه هزینه دولتی استفاده نمی‌کنند، اما نکته اینجاست که با برگزاری این اردوها، ارز از کشور خارج می‌شود و این اتفاق به اقتصاد کشور

لطمه می‌زند. بنابراین بدون تعارف باید بساط اردوهای غیرضروری جمع شود. برای جلوگیری از این اتفاق نیاز به یک سیاست‌گذاری کلان داریم. اعزام‌ها باید بر اساس ضرورت انجام رشته‌های ورزشی شود و این اتفاق نیازمند یک آیین‌نامه و دستورالعمل واحد است؟

قبول دارید که عدم اعزام‌های غیرضروری باید شامل همه رشته‌های ورزشی شود و این اتفاق نیازمند یک آیین‌نامه و دستورالعمل واحد است؟

قبول دارید که عدم اعزام‌های غیرضروری باید شامل همه رشته‌های ورزشی شود و این اتفاق نیازمند یک آیین‌نامه و دستورالعمل واحد است؟

قبول دارید که عدم اعزام‌های غیرضروری باید شامل همه رشته‌های ورزشی شود و این اتفاق نیازمند یک آیین‌نامه و دستورالعمل واحد است؟

قبول دارید که عدم اعزام‌های غیرضروری باید شامل همه رشته‌های ورزشی شود و این اتفاق نیازمند یک آیین‌نامه و دستورالعمل واحد است؟

قبول دارید که عدم اعزام‌های غیرضروری باید شامل همه رشته‌های ورزشی شود و این اتفاق نیازمند یک آیین‌نامه و دستورالعمل واحد است؟

قبول دارید که عدم اعزام‌های غیرضروری باید شامل همه رشته‌های ورزشی شود و این اتفاق نیازمند یک آیین‌نامه و دستورالعمل واحد است؟

قبول دارید که عدم اعزام‌های غیرضروری باید شامل همه رشته‌های ورزشی شود و این اتفاق نیازمند یک آیین‌نامه و دستورالعمل واحد است؟

این حرف کاملاً درست است. برای مثال، باشگاه‌های فوتبال ما به بهانه تعطیلات نیم‌فصل قصد برگزاری اردوهای خارجی دارند که مقصد بیشتر آنها ترکیه یا کشورهای حوزه خلیج فارس است. سؤال من این است که این اردوها چه نمره‌ای برای فوتبال ما خواهد داشت؟ جز اینکه ارز از کشور خارج شود، چه سود دارد؟ از نظر کیفی چه تفاوتی میان تیمی که خارج از ایران اردو می‌زند با تیمی که داخل کشور تمرین می‌کند، وجود خواهد داشت؟ شاید برخی ادعا کنند که بودجه دولتی استفاده نمی‌کنند، اما نکته اینجاست که با برگزاری این اردوها، ارز از کشور خارج می‌شود و این اتفاق به اقتصاد کشور

لطمه می‌زند. بنابراین بدون تعارف باید بساط اردوهای غیرضروری جمع شود. برای جلوگیری از این اتفاق نیاز به یک سیاست‌گذاری کلان داریم. اعزام‌ها باید بر اساس ضرورت انجام رشته‌های ورزشی شود و این اتفاق نیازمند یک آیین‌نامه و دستورالعمل واحد است؟

قبول دارید که عدم اعزام‌های غیرضروری باید شامل همه رشته‌های ورزشی شود و این اتفاق نیازمند یک آیین‌نامه و دستورالعمل واحد است؟

قبول دارید که عدم اعزام‌های غیرضروری باید شامل همه رشته‌های ورزشی شود و این اتفاق نیازمند یک آیین‌نامه و دستورالعمل واحد است؟

قبول دارید که عدم اعزام‌های غیرضروری باید شامل همه رشته‌های ورزشی شود و این اتفاق نیازمند یک آیین‌نامه و دستورالعمل واحد است؟

قبول دارید که عدم اعزام‌های غیرضروری باید شامل همه رشته‌های ورزشی شود و این اتفاق نیازمند یک آیین‌نامه و دستورالعمل واحد است؟

قبول دارید که عدم اعزام‌های غیرضروری باید شامل همه رشته‌های ورزشی شود و این اتفاق نیازمند یک آیین‌نامه و دستورالعمل واحد است؟

قبول دارید که عدم اعزام‌های غیرضروری باید شامل همه رشته‌های ورزشی شود و این اتفاق نیازمند یک آیین‌نامه و دستورالعمل واحد است؟

قبول دارید که عدم اعزام‌های غیرضروری باید شامل همه رشته‌های ورزشی شود و این اتفاق نیازمند یک آیین‌نامه و دستورالعمل واحد است؟

کمیته‌های ارزیابی عملکرد، جلوی هدررفت بودجه را به مسابقات بین‌المللی اعزام می‌کند که شانس واقعی کسب مدال داشته باشند و تمامی سفرها با برنامه‌های دقیق تمرینی و ارزیابی علمی همراه است. آلمان نیز پیش از اعزام هر تیم، ارزیابی اقتصادی و عملکردی دقیقی انجام می‌دهد و تنها در صورت اثربخشی مشخص، هزینه‌ها را تأمین می‌کند. استرالیا نیز با ایجاد سیستم امتیازدهی به

یا بخش خصوصی؛ مسأله اقتصاد ایران است که نباید بابت برخی تصمیمات غیرکارشناسی آسیب ببیند.

در برخی اعزام‌های ورزشی شاهد حضور افراد غیرورزشی به عنوان همراه هستیم که این موضوع نیز به چالشی بزرگ برای ورزش ایران تبدیل شده است.

حتی اگر مشکل اقتصادی هم نداشته و از بودجه‌ای فوق‌العاده برخوردار باشیم، باز هم باید از اعزام افراد غیرمسئول جلوگیری کنیم، چراکه این تصمیم کاملاً غلط است. به اعتقاد من، دستگاه‌های نظارتی و اجرایی باید مانع اعزام افراد غیرمسئول و غیرورزشی به سفرهای خارجی شوند. من فردی را می‌شناسم که تا امروز در تمام سفرهای مختلف ورزشی حضور داشته و اصرار دارد برای انجام کار فرهنگی، تیم‌های ورزشی را همراهی می‌کند، اما درغ از یک کار فرهنگی اثرگذار. این افراد معمولاً به‌عنوان توریست ورزشی به سفرها می‌روند و باید هر چه زودتر بدون تعارف جلوی آنها گرفته شود. این رفتار غیرشفاف، نمونه بارز رفیق بازی و باج دادن به افراد غیرمسئول است. اگر در اعزام‌ها شفافیت وجود داشته باشد، تردید نکنید دیگر هیچ توریستی در سفرهای ورزشی حضور نخواهد داشت.

با مدیریت در اعزام‌های ورزشی، مدیران فدراسیون‌ها می‌توانند فعالیت‌های اقتصادی خود را متمرکزتر انجام دهند و در رویدادهای بین‌المللی به دنبال درآمدزایی باشند.

صحبت درباره فعالیت اقتصادی آسان است، اما باید دید مدیران فدراسیون‌های ورزشی تا چه میزان توانایی موفقیت در فرآیند درآمدزایی را دارند. اینکه در برخی تونزمنت‌ها و رویدادهای برون‌مرزی امکان درآمدزایی برای بعضی رشته‌ها وجود دارد، تردیدی نیست، اما مسأله این است که آیا ما توان استفاده از این ظرفیت را داریم یا خیر. در علاقه‌مندی برنده‌های مختلف برای سرمایه‌گذاری در ورزش و همکاری با رشته‌های ورزشی نیز شکی وجود ندارد، اما باید دید آیا آنها حاضر به همکاری با ما هستند یا به واسطه شرایط تحریم‌ها تمایلی به این کار ندارند. درآمدزایی در تونزمنت‌های جهانی برای ما کار دشواری است؛ به همین دلیل مدیران فدراسیون‌های ورزشی باید تمرکز خود را بر فعالیت‌های داخلی بگذارند تا بتوانند منابع مالی مورد نیازشان را تأمین کنند.

طبق دستورالعمل‌های وزیر ورزش، همه تیم‌های اعزامی به مسابقات برون‌مرزی باید از کانال مراکز سنجش عبور کنند و قابلیت‌های جسمانی ورزشکاران مورد اندازه‌گیری قرار بگیرد



بتواند همراه تیم اعزام شود که در کنگره جهانی مربوطه حضور داشته باشد. او در ادامه توضیح داد: البته درباره اعزام بانوان، با توجه به ارزیابی‌ها و روند مدال‌آوری آنها در دو سال اخیر، همکاری بیشتری با سامانه شورای برون‌مرزی، از اعزام رؤسای هیأت‌ها، اعضای هیأت رئیسه و سرپرستان فدراسیون‌ها جلوگیری می‌شود. حتی مقرر شده است که رئیس یا دبیر فدراسیون تنها در صورتی

بتواند همراه تیم اعزام شود که در کنگره جهانی مربوطه حضور داشته باشد. او در ادامه توضیح داد: البته درباره اعزام بانوان، با توجه به ارزیابی‌ها و روند مدال‌آوری آنها در دو سال اخیر، همکاری بیشتری با سامانه شورای برون‌مرزی، از اعزام رؤسای هیأت‌ها، اعضای هیأت رئیسه و سرپرستان فدراسیون‌ها جلوگیری می‌شود. حتی مقرر شده است که رئیس یا دبیر فدراسیون تنها در صورتی

دستاوردهای بازنگری قوانین اعزام‌ها

جواد رستم‌زاده | در سال‌های اخیر، با افزایش فشارهای اقتصادی و محدودیت منابع ارزی، ضرورت بازنگری در شیوه‌های هزینه‌کرد بودجه‌های عمومی بیش از پیش احساس می‌شود. در این میان، اعزام‌های ورزشی به خارج از کشور به‌عنوان یکی از بخش‌های هزینه‌بر حوزه ورزش، نیازمند توجه و اصلاح جدی در قوانین و ضوابط اجرایی است. بازنگری قوانین اعزام‌های ورزشی می‌تواند نقشی تعیین‌کننده در صرفه‌جویی ارزی، افزایش بهره‌وری بودجه و جلوگیری از هدررفت منابع مالی ایفا کند. نخستین کارکرد بازنگری قوانین اعزام، هدفمندسازی سفرهای ورزشی است. در بسیاری از موارد، اعزام تیم‌ها یا افراد به مسابقات و رویدادهای بین‌المللی بدون ارزیابی دقیق فنی و بدون توجه به سطح رقابت‌ها صورت می‌گیرد. اصلاح قوانین می‌تواند اعزام‌ها را منوط به شاخص‌هایی همچون آمادگی فنی

ورزشکاران، اهمیت مسابقات، شانس واقعی کسب نتیجه و تأثیر آن بر جایگاه بین‌المللی ورزش کشور کند. این رویکرد، از اعزام‌های تشریفاتی و کم‌ثمر جلوگیری کرده و منابع ارزی را به مسیرهای ضروری هدایت می‌کند. از سوی دیگر، بازنگری مقررات اعزام نقش مهمی در کاهش هزینه‌های غیرضروری دارد. تعیین سقف مشخص برای تعداد نفرات همراه، مدت اقامت، نوع پرواز و سطح خدمات اقامتی می‌تواند به شکل محسوس هزینه‌ها را کاهش دهد. در نبود چنین ضوابطی، برخی اعزام‌ها با ترکیب‌های پرشمار و اقامت‌های طولانی انجام می‌شود که تناسبی با اهداف فنی و ورزشی ندارد و تنها منجر به افزایش هزینه‌های ارزی می‌شود. شفاف‌سازی مالی یکی دیگر از دستاوردهای مهم اصلاح قوانین اعزام است. الزام فدراسیون‌ها به ارائه گزارش‌های دقیق پیش و پس از اعزام، امکان نظارت مؤثر نهادهای مسئول را فراهم می‌کند. این شفافیت، ضمن کاهش احتمال سوءاستفاده مالی، زمینه ارزیابی نسبت هزینه به دستاورد را نیز مهیا می‌سازد و تصمیم‌گیری‌های آینده را منطقی‌تر می‌کند.

همچنین، بازنگری قوانین می‌تواند به اولویت‌بندی اعزام‌ها بر اساس منافع ملی منجر شود. تمرکز بر مسابقات مهم، رویدادهای قاره‌ای و جهانی و پرهیز از حضور در رقابت‌های کم‌اهمیت، باعث می‌شود بودجه‌های محدود در مسیر ارتقای ورزش قهرمانی و توسعه اعتبار آن هزینه شود. در کنار این موضوع، استفاده بیشتر از ظرفیت‌های داخلی و منطقه‌ای برای اردوها و مسابقات تدارکاتی، راهکاری مؤثر برای کاهش وابستگی اعزام‌ها به هزینه‌های خارجی است. در نهایت، اصلاح قوانین اعزام‌های ورزشی موجب افزایش پاسخگویی فدراسیون‌ها و مدیران ورزشی می‌شود. زمانی که اعزام‌ها بر پایه ضوابط دقیق، شفاف و قابل ارزیابی انجام گیرد، نگاه هزینه‌ای جای خود را به نگاه سرمایه‌گذاری می‌دهد.

طهماسب مظاهری رئیس اسبق بانک مرکزی در گفت و گو با «ایران» سیاست جدید ارزی دولت چهاردهم را تحلیل کرد

پایان خطای ۲۰ ساله

● گفت و گو

مرتضی گل پور / باید سابقه ریاست بر بانک مرکزی را داشته باشی تا با ادله و ارائه شواهد و تجربیات، با سیاست تعیین نرخ ترجیحی برای ارز مخالفت کنی. طهماسب مظاهری از جمله این افراد است؛ رئیس کل بانک مرکزی در ادوار مختلف و درعین حال دارای سوابق مدیریتی در اکثر دولت‌های پس از انقلاب. مظاهری درعین حال منتقد سیاست جدید دولت یعنی مصوبه «واردات بدون ارز» هم هست، زیرا این سیاست را نزدیک به تعیین نرخ ارز می‌داند. رئیس کل اسبق بانک مرکزی یک ایده دیگر هم دارد: نه در دولت چهاردهم و نه در دولت‌های دیگر، ارز ترجیحی هیچ گاه سیاست منتهی به هدفی نبوده است، بلکه صرفاً تقاضا برای دریافت این نوع ارز ارزان را افزایش داده و بر ثروت عده‌ای اندوخته است. با همه اینها، مظاهری یک ملاحظه مهم دارد: آیا دولت، نظام داده‌ها و اطلاعاتی دارد که موفقیت سیاست یارانه‌ای مبتنی بر عرضه کالا را تضمین کند؟

آقای دکتر، در دوره آقای احمدی‌نژاد و دوره آقای روحانی و دوره آقای پزشکیان ارز ترجیحی داده می‌شد، اما هیچ وقت کالاها با قیمت این ارز به دست مردم نمی‌رسید؛ هرچند همه قوا تأکید داشتند که این امر باید محقق شود و یارانه ارزی پرداخت می‌شد، چرا به رغم تأکید قوا کالاها به دست مصرف‌کننده نمی‌رسید؟ در بحث سیاست ارزی، خطایی استنباطی در دولت‌های مختلف وجود داشته است؛ به این معنی که برخی دولت‌ها تصور می‌کنند نرخ ارز را باید خودشان تعیین کنند، ارز یک کالاست؛ و ابزاری برای تسویه حساب مبادلات خارجی. از سویی دیگر به دلیل اینکه سیستم بانکی ما ابزار مناسبی برای پس‌انداز مردم در اختیار ندارد، ارز کاربرد دیگری نیز یافته است؛ یعنی ابزار پس‌انداز ارزی مردم.

طی چه فرایندی ارز به کالایی برای پس‌انداز تبدیل می‌شود؟

همه مردم برای ارزی‌های خود چند تصمیم مختلف اتخاذ می‌کنند؛ اول اینکه ارزی خود را هبه، وقف یا اتفاق کنند، یعنی به کسی ببخشند. بر اساس آموزه‌های دینی ما، این کار به معنای قرض به خداست، خداوند تبارک و تعالی در قیran فرموده است کسانی که انفاق می‌کنند، قرض به خداوند تبارک و تعالی می‌دهند و اجران قرض الحسنه را به قرض دهنده عطا می‌

شریف زادگان اولین وزیرراه در گفت و گو با «ایران» تشکیل

«پایگاه داده رفاه» در دولت چهاردهم را مورد ارزیابی قرار داد

یارانه ارزی به دست مردم نمی‌رسید

● گفت و گو

مرتضی گل پور / محمد حسین شریف‌زادگان، جزو اصلاح‌طلبانی است که وجه عدالت‌جویانه او پررنگ است. او اولین وزیر وزارت رفاه، پس از تأسیس وزارتخانه‌ای با این اسم در دولت اصلاحات است. بنابراین شریف‌زادگان را باید از جمله کارشناسان حوزه رفاه در ایران برشمرد. اما او به رغم دغدغه رفاهی و به رغم تأکید بر تأمین معیشت مردم در شرایط فعلی، دو ایده را مطرح می‌کند: اول، اینکه سیاست رفاهی جدید دولت مبنی بر اعطای یارانه‌ای کالایی به مردم نباید طولانی مدت باشد، یعنی سال‌ها طول بکشد و دوم اینکه به نظر او سازوکار قابل اطمینانی برای اجرای کامل این سیاست جدید دولت وجود ندارد. از این رو می‌توان دریافت که او حمایت معیشتی از مردم در شرایط فعلی را سیاستی قابل دفاع می‌داند، و درعین حال حذف ارز ترجیحی را تصمیم درست که می‌بایست مدت‌ها پیش اتخاذ می‌شد. اما او معتقد است برخلاف دوره هشت ساله جنگ تحمیلی، امروز نظام اداری کشور فاقد سازمان‌هایی است که تجزیه‌ای این کار را داشته باشند. به رغم همه این موافقت‌ها، شریف‌زادگان معتقد است که سیاست یارانه کالایی گرچه در شرایط فعلی مطلوب است، اما در درازمدت، تلاش دولت برای ایجاد رشد و رونق اقتصادی پایدار، مطلوب‌ترین شیوه حمایت از مردم است.

شما جزو کارشناسان و افراد با سابقه در حوزه رفاه هستید. می‌دانیم که هر سیاستی، هم جنبه مثبت دارد و هم جنبه منفی. جنبه مثبت سیاست جدید دولت این است که ۱۰ میلیارد دلار یارانه‌ای که سالانه به گروه خاصی داده می‌شد تا کالاها ی اساسی وارد کنند، دیگر به دست عده بسیار

معدود و خاصی نمی‌رسد. جنبه مثبت دیگر این است که همه این مبالغ قرار است به صورت یارانه کالایی به دست مردم برسد. اما نگرانی دیگر این است

و بر اساس تصمیم‌گیری عقلایی برای حفظ دارایی‌شان، به دنبال ابزار پس‌انداز می‌گردند؛ حاصل اینکه در کشور ما، ارز علاوه بر کاربرد اصلی اش، به ابزار پس‌انداز هم تبدیل شده است.

ریشه آن در نرخ گذاری برای ارز است؟ به نظر شما چرا این نرخ گذاری ادامه یافت، به رغم بی نتیجه بودنش در طول دولت‌های مختلف؟

این قیمت گذاری ارز، محصول یک اشتباه استنباطی است که در دولت های گذشته هم وجود داشته و هنوز ادامه دارد. مسئولین اقتصادی فکری کنند که آنان باید قیمت ارز را تعیین کنند و عددی که آنان تعیین می‌کنند، قیمت واقعی ارز است. البته این استنباط اشتباه فقط در مورد ارز نیست؛ در مورد بسیاری از کالاها ی دیگر نیز همین اتفاق می‌افتد. هر جایی که دولت به اشتباه در قیمت‌گذاری کالا وارد شود، این خطا رخ می‌دهد، قیمت یک کالا را تعیین می‌کند و بعد فکر می‌کند آن قیمتی که تعیین کرده، قیمت واقعی است؛ در حالی که قیمت واقعی هر کالایی در بازار و بر اساس عرضه و تقاضا شکل می‌گیرد.

این اشتباه در دولت‌های مختلف تکرار شد. به چند نمونه می‌توان اشاره کرد. در زمان ریاست‌جمهوری مرحوم آقای هاشمی رفسنجانی، ایشان نرخ ارز را ۶۰ تومان تعیین کردند و آن را ارز رکابی نامیدند. تصور میرفت این نرخ واقعی است. لذا اعلام کردند که هر کسی هر چقدر ارز برای هر کاری بخواهد، به نرخ ۶۰ تومان به او می‌دهیم. دیری نپایید که معلوم شد این نرخ گذاری اشتباه است، پس از چندی آقای هاشمی رفسنجانی، همان را ۱۷۵ تومن به ازای هر دلار اعلام کرد و آن را ارز شتارو نامید. اما باز همان اتفاق افتاد و توناسندن آن نرخ را حفظ کنند. در دوره آقای احمدی‌نژاد، نرخ ارز ۹۹۰ تومان اعلام شد، بعد گفتند ۱۲۰۰ تومان و بعد به ناچار عده‌های دیگری تعیین کردند، در نهایت ارز با نرخ حدود ۳۲۰۰ تومان ثبت نام کنندگان، حفظ روحانی تحویل دادند. در دوره آقای روحانی

● در بحث سیاست ارزی، خطایی استنباطی در دولت‌های مختلف وجود داشته است؛ به این معنی که برخی دولت‌ها تصور می‌کنند می‌توانند نرخ ارز را خودشان تعیین کنند، در حالی که ارز یک کالاست؛ ابزاری برای مبادلات خارجی و تبدیل پول

هم که نرخ ۴۲۰۰ تومان برای هر دلار معروف است که در یک جلسه با حضور مسئولان اقتصادی نرخ تعیین شد. آقای سیف که آن زمان رئیس بانک مرکزی بود، با این نرخ مخالفت کرد، اما در نهایت با رأی‌گیری تصمیم گرفتند قیمت ارز چه مقدار باشد. این تصمیم اشتباه بود. آقای جهانگیری مصاحبه کرد و گفت از فردا هر دلار ۴۲۰۰ تومان برای هر کس و به هر مقداری که بخواهد تأمین می‌شود و اگر کسی ارز داشته باشد، دولت به همین قیمت از او می‌خرد. نتیجه‌اش همان شد که دیدیم؛ یعنی چند میلیارد دلار از ذخایر ارزی چندین تن طلا از بین رفت، فقط برای اینکه از نرخی دفاع شود که نرخ واقعی نبود. در دوره شهید رئیسی هم همین اشتباه تکرار شد. در دوره آقای فرزین، روزی که ایشان رئیس بانک کل مرکزی شد، یک ساعت بعد از انتخاب، و قبل از اینکه وارد دفترش شود و گزارش‌های کارشناسان بانک مرکزی را بخواند، مصاحبه کرد و گفت نرخ ارز هر دلار ۲۸۵۰۰ تومان است، هر کس هر چقدر ارز برای هر کاری بخواهد، به او می‌دهیم و اگر کسی ارز داشته باشد، به این قیمت از او می‌خریم؛ یعنی همان جمله غلط همیشگی که در دولت‌های مختلف تکرار شده بود. در همان زمان هم این عدد برای نرخ ارز، عدد درستی نبود، ولی دولت تصمیم گرفت پای آن بایستد. بنابراین اگر بخواهم پاسخ سؤال شما را بدهم، باید اشاره کنم که اشتباه بزرگ مسئولان این است که



فکر می‌کنند باید نرخ را تعیین کنند؛ در حالی که نرخ باید در بازار تعیین شود.

پایامد تعیین نرخ ارز از سوی دولت چیست؟

وقتی رئیس بانک کل مرکزی با رئیس‌جمهوری نرخ ارز را تعیین می‌کند، معمولاً یک جمله هم اضافه میکند و می‌گوید که ما ارز آزاد را به رسمیت نمی‌شناسیم. این جمله در دولت‌های گذشته آن قدر تکرار شده که همه آن را از حفظ دارند. اسمش را گذاشته‌اند آزاد غیررسمی. در حالی که این ارز در بازار وجود دارد. اما وقتی دولت می‌گوید ارز غیررسمی را به رسمیت نمی‌شناسد، همزمان و به ناچار تصمیماتی می‌گیرد که تقاضا برای همان ارز را افزایش می‌دهد. آخرین نمونه‌اش مصوبه اخیر هیات وزیران است که اجازه می‌دهد گندم، جو، ذرت و خوراک دام «بدون انتقال ارز» وارد کشور شود. به جای اینکه بگویند ارز آزاد، اسمش را گذاشته‌اند بدون انتقال ارز. خطای بزرگ دولت و بانک مرکزی این است که فکر می‌کنند با تغییر اسم، ماهیت آن هم عوض می‌شود. اسامی دیگری هم انتخاب می‌کنند مثل ارز متقاضی، نعلنجی، کولبری و... و اسم‌ها عوض می‌شوند، اما تقاضا برای ارز آزاد ایجاد می‌شود. این تقاضا، اولاً نرخ همان ارز آزادی را که به رسمیت نمی‌شناسند بالا می‌برد. همین مصوبه اخیر باعث شد

گفت و گو

حدود ۳۰۰ میلیون دلار تقاضا وارد بازار شود و در یک دوره کوتاه، نرخ ارز حدود ۲۰ هزار تومان افزایش پیدا کند.

چرا وقتی ارز با قیمت ارزان‌تر از بازار در اختیار واردکنندگان قرار می‌گیرد، کالا با قیمت واقعی به دست مردم نمی‌رسد؟

جوابش روشن است. اگر سیاست ارزی ما این باشد که بگوییم نرخ واقعی ارز در بازار عرضه و تقاضا تعیین می‌شود، دولت باید شجاعت اعلام آن را داشته باشد. در کنار آن می‌تواند بگوید برای برخی کالاها ارز ارزان‌تر می‌دهد، اما باید از نقطه تخصیص آن تا نقطه فروش کالا به قیمت تمام‌شده، کنترل کامل داشته باشد. در دوره هشت سال دفاع مقدس، این کار انجام می‌شد. آن زمان ارز آزاد حدود ۱۴۰ تومان بود، اما دولت برای واردات شکر، برنج، روغن و برخی کالاها ی اساسی ارز دولتی به نرخ هر دلار ۷ تومان تخصیص می‌داد. معلوم بود ارز به چه کسی داده می‌شود، چه کالایی می‌خرد، چند تن وارد می‌کند، قیمت تمام‌شده چقدر است و در نهایت کالا با کوبین کاغذی به دست مردم می‌رسید و حلقه کامل می‌شد. امروز چنین سیستمی وجود ندارد. ارزی که با قیمت کمتر از واقعی داده می‌شود، بدون کنترل رها می‌شود. نه معلوم است کالا با چه قیمتی وارد شده، نه نظارتی بر توزیع وجود دارد. یک سیستم نظارتی ضعیف هم هست که تأثیر چندانی ندارد. نتیجه این می‌شود که یارانه‌ای که به نام مردم پرداخت می‌شود، عملاً به مردم نمی‌رسد.

با توجه به نکاتی که گفتید و مصوبه دولت، آیا هنوز معتقدید نرخ ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان مناسب است؟ دولت می‌گوید دیگر ارز نمی‌دهد و مابه‌التفاوت را به صورت کالایی به مردم می‌دهد. این را چطور می‌بینید؟

به نظر من، دولت همان اشتباه قبلی را تکرار می‌کند، چون مابه‌التفاوت را بر اساس عددی محاسبه می‌کند که خودش تعیین کرده، نه قیمت واقعی بازار. اگر بتواند مابه‌التفاوت واقعی را به مردم برساند، خوب است. یا باید پولش را بدهد، یا کالا را با قیمت کنترل‌شده به دست مردم برساند. اینکه کدام مسیر ساده‌تر است، پرداخت پول یا رساندن کالا با قیمت تمام‌شده، بستگی به ساختار اجرایی دارد. تجربه نشان می‌دهد دولت در پرداخت پول موفق نبوده و حالا هم سیستم کالایی بسیار پیچیده‌ای طراحی شده است. به عنوان یک کارشناس، با شاشتی که از بدنه اجرایی دولت و نظام بانکی دارم، تردید دارم این ساختار به‌درستی اجرا شود، هرچند امیدوارم موفق شوند.

میلیارد دلار بود؛ یک و نیمش برای جنگ و یک و نیم برای مردم می‌رفت. حالا تقریباً به همان وضعیت رسیده‌ایم؛ شرایط جنگی فعلی شاید سخت‌تر از جنگ هشت‌ساله باشد. می‌توانستیم بدون این سیاست‌ها پیش برویم.

پیش‌است کاری کنیم که منشأ به وجود آمدن این شرایط را حل و فصل کنیم تا این شرایط همواره بر اقتصاد ایران حاکم نباشد. باید دنبال این باشیم که دولت این بحران‌های اقتصادی و اجتماعی را حل کند تا از این بحران‌ها خارج شویم. ما کشور بزرگی هستیم و باید توسعه پیدا کنیم؛ مردم کرامت و مشارکت داشته باشند و از امکانات کشور استفاده کنند تا کشور توسعه یابد.

بنابراین خارج از موضوع کلانی که فرمودید، به هر طریقی که شد، در این وضعیت قرار گرفته‌ایم. شما معتقد هستید به صورت موقت می‌تواند از افشار فرودست حمایت کند و چاره‌ای نیست، اما دولت باید پایبند باشد و این سیاست را تا آخر پیش ببرد.

می‌گویند این ارز ترجیحی را به مردم تبدیل به ریال کرده‌اند؛ چون ارزی که از فروش نفت وارد می‌شود، پیش‌فروش می‌شود و ریال آن استفاده می‌شود، اما ارزی که دیگران می‌آورند در اختیار خودشان است. از نظر بودجه‌ای و درآمدهای قابل بحث است؛ منابع از کجا می‌آیند؟

پیش‌بینی یا حدس شما چیست؟

مثلاً چون گفته شده ۸ میلیارد دلار پیش‌بینی شده برای کالای اساسی در شش ماه اول سال مصرف‌شده، آیا می‌توان پیش‌بینی کرد که منابع از صندوق توسعه ملی برداشت شده باشد؟

ممکن است در شرایط اضطراری از آنجا برداشت کنند، اما قاعدتاً این خوب نیست؛ شرایط طبیعی نیست. اقتصادی که برای خودمان درست کرده‌ایم این چنینی است و نمی‌شود این گونه اداره کرد.



حسین شریف‌زادگان، اولین وزیر راه در گفت و گو با «ایران»

پیشنهاد شما برای رفع این نواقص چیست؟ آیا ستاد یا سازمانی لازم است؟ دولت آقای هاشمی رفسنجانی هم برای یکپارچه کردن نرخ‌ها و برداشتن سوبسید مرغ تلاش کرد، اما هیچ‌کدام نتیجه‌بخش نبود. سوبسید مرغ برداشته شد و مصرف‌کنندگان نهایی مجبور به پرداخت شدند؛ علامت بدی هم برای مردم شد. چون نتایج سیاست‌ها معلوم است، همه می‌دانند که داده می‌شود و قطع می‌شود، اما قیمت به همان شکل سابق باقی می‌ماند.

بنابراین، نقد شما را اینطور جمع بندی کنیم: ما در حوزه برنامه‌ریزی و اجرا، اعم از ستاد، نیازمند تجربه‌های گذشته هستیم؛ مثلاً دولت تعدیل اقتصادی آقای هاشمی یا تجربه‌های دیگر را جمع کنیم تا سازوکار کارآمدی داشته باشیم که بتواند این سیاست را با حداقل خطا اجرا کند.

دیگر اینکه کلاً مردم را به یارانه‌های وسیع آلوده کردن برای کشور خوب نیست؛ ضد کرامت انسانی و ضد فرهنگ کار است. در ۸ سال جنگ، درآمد ارزی کشور حداکثر ۳

مانند سازمان بسیج اقتصادی. آن تشکیلات و فرهنگ وجود داشت که می‌توانست این سیاست را تا آخر پیاده کند، اما اکنون آن سازمان‌ها از بین رفته است.

امروز وزارت رفاه گفته است از دستگاه‌های فروشگاهی استفاده شود.

اما سؤال این است که آیا این سیاست قابل اجراست؟

در گذشته پایگاه داده رفاه ایرانیان راه‌اندازی شد. با وجود این، آیا فکر می‌کنید هنوز در حوزه اجرا، ستاد، سازمان، وزارتخانه یا دستگاهی باشد که مستقیم بتواند این را مدیریت کند؟ آیا هنوز جای کار دارد و باید روی آن کار شود؟

بله، کاری که دولت در تشکیل پایگاه داده رفاه ایرانیان انجام داده است، بسیار ارزنده است، اما کامل نیست و گاهی اشکالات اساسی دارد؛ مثلاً خانواده فقیری که پسرش خودروی دست‌دوم خریده تا شب‌ها مسافرکشی کند، به عنوان کسی که اتومبیل دارد از سقف یارانه‌بگیران حذف شده است. چنین مواردی فراوان است.

● دادن سوبسید به صورت موقت، هدف بسیار روشنی دارد و ادبیات مشخصی در دنیای موقت، یعنی به طور موقت (و نباید دائمی شود) به این گروه‌ها یارانه می‌دهد تا قدرت خریدشان بالا بیاید و هم‌تراز دیگران بتوانند زندگی عادی، زیست طبیعی و اقتصادی و انسانی داشته باشند و در بازارها مشارکت کنند. اما اگر این کار را دائمی کنیم، بسیار بد است؛ زیرا در این صورت ممکن است ملتی درست کنیم که فردا با واریز یارانه خوشحال می‌شوند، اما انتظار داشته باشند این یارانه همیشگی باشد. این وجه خوب و مطلوبی نیست.

ارزایی شما چیست؟ نکته دیگری که در نظر من هست و نیازمند بررسی است، این است که آیا تصمیمی که دولت گرفته است، یعنی دادن یک میلیون تومان به همه کسانی که افزایش نرخ ارز به قدرت خریدشان آسیب می‌زند، عملیاتی است یا خیر؟

چرا این مسأله را مطرح می‌کنید؟ دادن سوبسید به صورت موقت، هدف بسیار روشنی دارد و ادبیات مشخصی در دنیا دارد؛ یعنی به طور موقت (و نباید دائمی شود) به این گروه‌ها یارانه می‌دهد تا قدرت خریدشان بالا بیاید و هم‌تراز دیگران بتوانند زندگی عادی، زیست طبیعی و اقتصادی و انسانی داشته باشند و در بازارها مشارکت کنند. اما اگر این کار را دائمی کنیم، بسیار بد است؛ زیرا در این صورت ممکن است ملتی درست کنیم که فردا با واریز یارانه خوشحال می‌شوند، اما انتظار داشته باشند این یارانه همیشگی باشد. این وجه خوب و مطلوبی نیست.

به نظر شما که کارشناس حوزه رفاه هستید، آیا امکان پذیر است که به همه یک میلیون تومان داده شود؟

زمانی در پس از انقلاب، به خاطر شرایط جنگی و انقلابی کشور سازمان‌هایی در کشور بودند که تشکیلات سراسری داشتند



تحلیلگر بازیگوش

نگاهی به زندگی و دنیای اومبرتو اکو

در نودو چهارمین زادروزش

اومبرتو اکو، نویسنده و فیلسوف ایتالیایی که جهان را با آثارش پر از معنا و بازی‌های ذهنی کرد، ۵ ژانویه ۱۹۳۲ به دنیا آمد. امروز، همزمان با زادروزش، فرصتی است تا به زندگی، رمان‌ها و اندیشه‌های او بازگردیم و دریابیم چگونه ذهنی بازیگوش و تحلیلگر توانست ادبیات و فلسفه را به یک تجربه خواندنی و تأمل‌برانگیز تبدیل کند.

اومبرتو اکو در آلساندرا، شهری کوچک در شمال ایتالیا، متولد شد. پدرش که حسابدار بود، او را به خواندن حقوق تشویق می‌کرد اما اکو از همان ابتدا مسیر متفاوتی را برگزید و در دانشگاه تورین ثبت‌نام کرد. در سال ۱۹۵۴، پایان‌نامه‌ای درباره زیبایی‌شناسی توماس آکویناس ارائه داد؛ موضوعی که نه‌تنها پایه فکری او را شکل داد، بلکه نشان دهنده علاقه درینه‌اش به تلفیق منطق و معنا بود. آکویناس، به گفته اکو، متفکری بود که توانسته بود منطق ارسطویی را با آموزه‌های کاتولیک ادغام کند؛ دقیق و عرفانی، ساختار یافته و نمادین، ویژگی‌هایی که بعدها در آثار او نیز بازتاب یافت.

بن‌مایه‌های فکری اکو

اکو با کلیسای در محیطی کاتولیک بزرگ شد، تجربه‌هایش در مواجهه با ناآرامی کلسا در مقابله با فاشیسم دوران موسولینی و مقاومت آن در برابر مدرنیسم، تأثیر عمیقی بر جهان‌بینی‌اش گذاشت. اما این تجارب به معنای نفی فرهنگ دینی نبود، بلکه او این‌ها، متون و سنت‌های کاتولیک را به‌عنوان منابعی برای بررسی چگونگی خلق و انتقال معنا از سوی انسان‌ها می‌دید. این نگاه تحلیلی و نمادگراییه، زمینه‌ساز علاقه مادام‌العمر او به نشانه‌شناسی شد.



پس از پایان تحصیلات، اکو به شبکه ملی بخش ایتالیا (RAI) پیوست و به‌عنوان ویراستار فرهنگی فعالیت کرد اما علاقه اصلی او به دانشگاه و پژوهش بازمی‌گشت. سال ۱۹۶۱، اکو کتاب «آثر گمشوده» را منتشر کرد؛ متنی که بنیان نظریه نشانه‌شناسی مدرن و روش فکری او را شکل داد. در این کتاب، او استدلال می‌کند که هنر و ادبیات مدرن به جای تحصیل معنا، خواننده را به تفسیر دعوت می‌کنند. «آثر گمشوده» به خواننده اجازه می‌دهد در خلق معنا

مشارکت داشته باشد و تجربه خواندن را تعاملی و زنده می‌کند. این ایده، در زمان خود بسیار نوآورانه بود و به‌سرعت در رشته‌های مختلف، از نقد ادبی تا موسیقی‌شناسی و فلسفه هنر تأثیر گذاشت.

صعود علمی اکو بسیار سریع و چشمگیر بود. او دهه‌ها استاد نشانه‌شناسی در دانشگاه بولونیا، قدیمی‌ترین دانشگاه اروپا بود و همزمان روشنفکری عمومی، باقی ماند. مقاله‌ها و نوشته‌های او در مجموعه‌هایی مانند اسفر در فراواقعیت، و «چگونه با یک ماهی آزاد سفر کنیم» طیف وسیعی از موضوعات، از مبارزه با فاشیسم تا مستکاری رسانه‌ای و فرهنگ عامه را پوشش می‌دهند. او همواره ترکیبی از تردید و طنز را در تحلیل‌هایش به کار می‌بست و این ویژگی، آثارش را خواندنی و در عین حال تأمل‌برانگیز می‌کرد.

سال ۱۹۸۰، وقتی اکو ۴۸ ساله بود، اولین رمان خود را منتشر کرد: «آتک نام گل» نام گل سرخ». این رمان یک داستان جنایی قرون وسطایی بود که در یک صومعه بندیکتی در سال ۱۳۲۷م اتفاق می‌افتد و عناصری از داستان کارآگاهی، مباحث الهیاتی و جذابیت‌های نشانه‌شناسی را درهم می‌آمیزت. قهرمان آن، ویلیام باسکرویل، راهبی فرانسیسکانی با توانایی‌های استنتاجی شبیه شرلوک هولمز، نقش مهمی در پیشبرد داستان و ایجاد پیچش‌های هوشمندانه داشت. رمان سرشار از نقل‌قول‌های لاتین، پانویس‌ها و اطلاعات تاریخی است. با این‌حال به یکی از آثار پرفروش جهانی تبدیل شد و به دهه‌ها زبان ترجمه و فیلمی با بازی شان کلتی از آن اقتباس شد. اکو خود گفته بود: «فکری می‌کردم رمانی برای ۵ هزار استاد نوشته‌ام.» اما «نام گل سرخ» بیش از ۵۰ میلیون نسخه فروخت و نشان داد که او توانایی ایجاد جذابیت فکری و سرگرمی را همزمان داشت.



شوخی با نظریه‌های توطئه

رمان‌های بعدی او مانند «آونگ فوکو» (۱۹۸۸)، «جزیره روز پیشین» (۱۹۹۴)، «باوتولینو» (۲۰۰۰)، «شعله مریمزواتانه» (۲۰۰۴) و «گورستان پراگ» (۲۰۱۰) مرزهای بین تاریخ و اختراع، حقیقت و جعل را بررسی می‌کنند. «آونگ فوکو» به «دک داوینچی برای افراد زنگ» مشهور شد، هرچند خود اکو این مقایسه را خسته‌کننده می‌دانست و می‌گفت این رمان را برای شوخی نوشته است تا نظریه‌های توطئه و اعتماد شبه‌روشنفکرانه را که در فرهنگ معاصر می‌دید، نقد کند.

با اینکه آثار اکو پیچیده و عمیق بودند، او هرگز خواندگانش را به سخره نگرفت. او معتقد بود مردم باهوش‌تر از آن چیزی هستند که بازار فرض می‌کند و آنها را به‌عنوان همدستانی در خلق معنا می‌دید. نوشته‌ها و سخنرانی‌های او ذهنی بازیگوش و زنده را نشان می‌دهند که از بازی‌های زبانی، طنز، فهرست‌ها و ترجمه‌های عجیب لذت می‌برد. او نشانه‌شناسی را «رشته‌ای که همه چیزهایی را مطالعه می‌کند که می‌توان از آنها برای دروغ گفتن استفاده کرد» تعریف می‌کرد و علاقه ویژه‌ای به بورخس و لوئیس کارول داشت.

اکو در مقالاتش در ستون‌های L'Espresso (یک مجله خبری هفتگی ایتالیایی) سیاست معاصر، ناخردی‌های اجتماعی، و لیبلات و طراحی بوروکراسی را تحلیل می‌کرد و نشان می‌داد فرهنگ فقط محدود به کتابخانه و تالار سخنرانی نیست، بلکه در خیابان، مراکز خرید و تلویزیون نیز جریان دارد. این نگاه مترقی به فرهنگ، آثار او را زنده و در دسترس طیف وسیعی از مخاطبان قرار می‌داد.

اگرچه اکو شاعر نبود، تأثیر قابل توجهی بر شعر پست مدرن داشت. ایده‌های او درباره بینامتنیت و متن‌ها به‌عنوان شبکه‌ای از ارجاعات و پیوندها، با شاعران علاقه‌مند

به کلاژ شعر هم‌صدا شد. او معتقد بود معنا هرگز یگانه نیست و هر تفسیر باید با ناپایداری و پیچیدگی‌های خود مواجه شود. باور او به فرم، به‌عنوان محدودیت و مولد، علاقه‌اش به فهرست‌ها، نامگذاری و طنز بازگشتی، همگی دستگاه‌هایی بودند که در آوازش چه از نظر روایی و چه از نظر شعری کاربرد داشتند.

اومبرتو اکو در فوریه ۲۰۱۶ در ۸۴ سالگی درگذشت. آخرین رمان او، «شماره صفر» (۲۰۱۵)، طنزی بود بر روزنامه‌نگاری زرد و دستکاری رسانه‌ها؛ پاپایی هشدار داده بود. آثار، مقاله‌ها و مصاحبه‌های او همچنان مرجع خوانندگان در رشته‌های مختلف است. اکو بیش از هر چیز بر اهمیت تفسیر و خلق معنا تأکید داشت و می‌گفت: «کتاب‌ها همیشه از کتاب‌های دیگر سخن می‌گویند و هر داستان، داستانی را بازگو می‌کند که پیش‌تر گفته شده است.» در جهان او، اصالت به معنای خواندن با نگاهی تازه بود. او کمتر اهل پاسخ و بیشتر اهل ساختن پرسش‌های بی‌پایان و هیجان‌انگیز بود.

که آزادی بی‌حد تفسیر، گاه به قیمت تهی شدن متن از هرگونه معنا تمام شود. این مسأله بویژه در حوزه تفسیر متون دینی باز جمله کتاب مقدس کاملاً مشهود است؛ از این رو، مواجهه با دیدگاه اکو که در عین پیچیدگی و ظرافت، در برابر «بی‌معنایی مطلق متن» مقاومت می‌کند، تجربه‌ای تازه و طراوت‌بخش به شمار می‌آید.

بحث اکو درباره نسبت میان داستان و غیرداستان (فیکشن و نان فیکشن) نیز خواندنی است. او به تأثیر عمیق و گاه شگفت‌آور داستان بر خوانندگان اشاره می‌کند؛ تأثیری که می‌تواند شکل‌های افراطی به خود بگیرد، مانند اثر روزتر که به تقلیدهای خطرناک منجر شده است یا شکل‌هایی طنزآمیز و ساده‌دلانه، همچون نامه‌هایی که برخی خوانندگان برای اکو فرستاده و در آنها آشکارا فراموش کرده که شخصیت‌ها و وقایع آثار او ساخته خیال‌اند، نه واقعیت تاریخی.

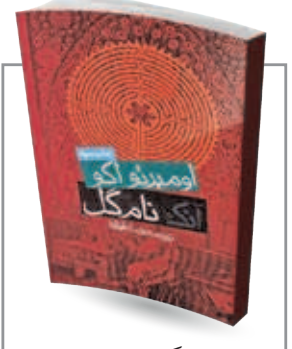
آخرین مقاله کتاب به موضوع «فهرست‌ها» اختصاص دارد؛ موضوعی که شاید در نگاه اول پیش پا افتاده به نظر برسد اما اکو پیش‌تر یک کتاب کامل درباره آن نوشته و کارکردهای



اعترافات رمان نویس جوان

- نویسنده: اومبرتو اکو
- مترجم: رضا علیزاده
- انتشارات: روزنه
- تعداد صفحات: ۲۲۴ صفحه
- قیمت: ۲۱۰,۰۰۰ تومان

فهرست در نوشتار و ادبیات را به تفصیل بررسی کرده است. از میان کاربردهای گوناگون فهرست‌ها، جذاب‌ترین آنها تلاش برای بیان «ناگفتنی» است؛ یعنی فهرست‌هایی که می‌گویند حسن تعالی، بی‌کرانگی یا ضروری از زبان معمول را ایجاد کنند. این فصل می‌توان گفت ملو از فهرست‌های شگفت‌انگیز است؛ چه آنها که اکو خود ساخته و چه آت‌هایی که از آثار پیشینش نقل کرده است. شاید همین توانایی در جذاب کردن موضوعی به ظاهر ساده مانند فهرست‌ها، نشانه‌ای روشن از نبوغ اکو باشد. در مجموع، این کتاب کوچک اما متنوع، همچون دیگر آثار اکو، اثری است که خواننده را مجذب می‌کند، گاه سردرگم می‌سازد و اغلب به چالش می‌کشد؛ تجربه‌ای فکری که نه فقط برای دوستداران اکو، بلکه برای علاقه‌مندان به ادبیات، نظریه و بسکت خیال و معنا ارزش خواندن دارد. با نگاهی گسترده‌تر، «اعترافات رمان نویس جوان» نه‌تنها تصویری از ذهن اکو ارائه می‌دهد، بلکه الگویی برای هر نویسنده‌ای است که می‌خواهد فراتر از دستورالعمل‌ها و قواعد خشک، به ماهیت واقعی خلق ادبی پی ببرد و جهان داستانی خود را با احترام و خلاقیت بسازد.



آتک نام گل

- نویسنده: اومبرتو اکو
- مترجم: رضا علیزاده
- انتشارات: روزنه
- تعداد صفحات: ۸۶۴ صفحه
- قیمت: ۹۵۰,۰۰۰ تومان

یکی از برجسته‌ترین نویسندگان معاصر تثبیت می‌کند. رمان «آتک نام گل» دو بار به زبان فارسی ترجمه شده است؛ اول شهرام طهرانی آن را با عنوان «نام گل سرخ» و انتشارات شب‌آوازی منتشر کرد و سپس رضا علیزاده با عنوان «آتک نام گل» آن را در انتشارات روزنه عرضه کرد.

این اثر، بیش از آنکه نوآورانه باشد، شفاف‌کننده است. اکو ادعا نمی‌کند چیزی کاملاً تازه کشف کرده، بلکه نشان می‌دهد چگونه می‌توان میان نظریه و عمل، میان دانشگاه و رمان، رفت‌وآمد کرد. او همزمان فیلسوفی است که به هستی‌شخصیت‌های داستانی می‌اندیشد و رمان‌نویسی که می‌داند نباید همه قواعد بازی را افشا کند. همین تعادل است که کتاب را زنده نگه می‌دارد و آن را به یک مرجع عملی و فلسفی برای نویسندگان تبدیل می‌کند. در نهایت، «اعترافات رمان نویس جوان» بیش از هر چیز دعوت است؛ دعوت به دیدن رمان نه به‌عنوان متنی بسته، بلکه به‌عنوان جهانی ممکن؛ جهانی که با فهرست‌ها و نقشه‌ها آغاز می‌شود، با تصویرزاینده می‌گیرد، در محدودیت‌ها شکل می‌یابد و تنها در مواجهه با خواننده کامل می‌شود. پوزخند اکو را می‌توان در پس سطرها حس کرد؛ پوزخند کسی که می‌گوید من بخشی از مسیرا نشان دادم اما ادامه‌اش با شماست. این کتاب، نه کلاس آموزش نویسندگی است و نه مانیفست نظری، بلکه گزارشی صادقانه از کار یک ذهن است که هم به بازی روایت ایمان دارد و هم به زحمت نوشتن.

گریز نوشته‌های اکو از قالب‌های مرسوم

همانند اغلب آثار غیرداستانی اومبرتو اکو و حتی بسیاری از آثار داستانی او، این مجموعه مقالات نیز به‌سختی در یک قالب یا ژانر مشخص جای می‌گیرند. کتاب ترکیبی است مسحورکننده از بینش‌های روشنگرانه، مشاهده‌های گاه رازآلود، ارجاعات ادبی گسترده و فرضیه‌هایی جذاب که ذهن خواننده را پیوسته درگیر می‌کند. عنوان کتاب، «اعترافات رمان نویس جوان»، خود به‌نوعی کنایه‌آمیز و طنزآلود انتخاب شده است؛ کنایه‌ای که با در نظر گرفتن سن و سال اکو معنای دوچندان می‌یابد. این کتاب در واقع مجموعه‌ای است از چهار سخنرانی در حوزه ادبیات مدرن که اکو آنها را در دانشگاه هاروارد ایراد کرده است.

بخش قابل توجهی از کتاب به مباحث نظری ادبیات اختصاص دارد. بسیاری از این مباحث برای علاقه‌مندان و نویسندگان جوان روشنگر بوده، هرچند بخشی از آنها چنان فنی و تخصصی است که فهم کامل‌شان از توان عموم خارج بوده است. با این حال، به احتمال زیاد هر خواننده غیرمتخصصی نیز می‌تواند از نکته‌سنجی‌ها و دیدگاه‌های اکو بهره‌مند شود، هرچند گاهی این بینش‌های قابل دسترس در انبوهی از کلمات، اصطلاحات و توضیحات پیچیده پنهان می‌شوند؛ زبانی که دست‌کم برای برخی خوانندگان چندان هموار نیست؛ البته باید افزود که اگر کسی قصد خواندن آثار اکو را داشته باشد، ناگزیر باید خود را به این سبک عادت دهد. تقریباً همیشه، تلاش و صبری که برای عبور از این لایه‌های زبانی صرف می‌شود، با دست‌یابی به نکته‌هایی ارزشمند و ماندگار جبران خواهد شد و خود حتی این «خوش‌کردن» در متن نیز بی‌فایده نیست.

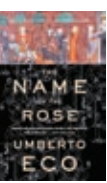
از نکات قابل توجه کتاب، موضع‌گیری محتاطانه اما صریح اکو در برابر افراط‌های برخی جریان‌های ادبی است. نظریه ادبی پست مدرن است. او به‌دروستی تردید خود را نسبت به این ایده مطرح می‌کند که «حقوق مفسر» در دوران معاصر بیش از اندازه برجسته شده است. به بیان دیگر، اکو نگران آن است

نگاه متفاوت اکو به محدودیت‌ها

پس از تصویر و فهرست، نوبت به محدودیت‌ها می‌رسد. محدودیت در نگاه اکو دشمن خلاقیت نیست، بلکه شرط امکان آن است. انتخاب یک دوره تاریخی، یک سبک روایی یا حتی یک زبان خاص، چهارچوبی می‌سازد که در آن جهان داستانی می‌تواند منسجم بماند. اکو که سال‌ها با متون قرون وسطی زیسته بود، برای رمان اولش ناچار نبود همه چیز را از نو بیاموزد؛ او از دانش استفاده کرد که پیش‌تر به بخشی از سنت دهنی‌اش بدل شده بود. نتیجه این شد که محدودیت تاریخی، به جای مانع، به موتور محرک روایت تبدیل شد و نشان می‌دهد آزادی بدون محدودیت، اغلب بی‌ثمر است.

شاید مهم‌ترین بخش کتاب، تأملات اکو درباره خواننده باشد. او میان خواننده‌ای که چگونه موجوداتی کاملاً ساختگی، می‌توانند در ذهن خواننده به درجه‌ای از واقعیت برسند که گاه از آدم‌های واقعی ماندگارتر شوند. پاسخ او ساده اما عمیق است: شخصیت بدون جهان دوام نمی‌آورد. خواننده تنها زمانی تحت تأثیر قرار می‌گیرد که نه فقط به فکر، بلکه به جهان پیرامون او ایمان بیاورد؛ به قواعد، محدودیت‌ها و منطق درونی جهانی که آن شخصیت در آن نفس می‌کشد.

اگر این جهان باورپذیر نباشد، تعلیق ناباوری هرگز شکل نمی‌گیرد و همدلی فرو می‌ریزد. در قلب هر رمان، به زعم اکو، یک تصویر زاینده وجود دارد؛ تصویری مبهم، اغلب قدیمی که سال‌ها در ناخودگاه نویسنده انباشته شده و ناگهان خود را تحمیل می‌کند. این تصویر نه طرح داستان است و نه پیام، بلکه جرقه‌ای است که دوره‌ای از «بیداری ادبی» را آغاز می‌کند. در مورد «آتک نام گل»، این تصویر به تجربه‌ای دور در کودکی بازمی‌گردد؛ مواجهه با کتابخانه‌ای صومعه‌ای و لرزشی خاموش که دهه‌ها بعد، به شکل یک رمان عظیم سر برآورد؛ اکو نشان می‌دهد، نوشتن بیش از آنکه لحظه‌ای الهامی باشد، نوعی بازگشت دیر هنگام است؛ این بازگشت تنها زمانی ممکن می‌شود که مواد لازم، پیشاپیش در ذهن انباشته شده باشند.



آتک نام گل

رمانی چندلایه است با ارائه تصویری پیچیده از روابط میان دانش، قدرت و انسان، نقطه آغاز برای پژوهش‌های میان‌رشته‌ای و الهیات و نشانه‌شناسی فلسفه، تاریخ، و مطالعه تطبیقی دیگر آثار ادبی و هنری است



ذهن نگاری رمان نویسی پیر

معرفی و نقد کتاب اعترافات رمان نویسی جوان از اومبرتو اکو

دنیای نویسندگان

مونا محمدنژاد روزنامه‌نگار

در میان انبوه کتاب‌هایی که درباره «چگونه نوشتن» منتشر می‌شوند، «اعترافات رمان نویس جوان» جایگاهی ویژه دارد؛ نه از آن رو که دستورالعملی مرحله‌به‌مرحله ارائه می‌دهد و نه به این دلیل که ادعای کشف فرمولی جادویی برای موفقیت ادبی دارد. ارزش این کتاب در چیز دیگری است؛ در آنکه اومبرتو اکو، با تمام سنگینی دانش نشانه‌شناسی، فلسفه و تاریخ ادبیات، لحظه‌ای از جایگاه استاد فرود می‌آید و اجازه می‌دهد خواننده به کارگاه ذهنی‌اش سرک بکشد؛ کارگاهی که هم شلوغ است، هم پر از نقشه، فهرست و تصویر و هم عمدتاً همه چیز آن را لو نمی‌دهد. خواننده با ورود به این کارگاه، متوجه می‌شود فرآیند خلق رمان، ترکیبی از نظم، تصادف، ذهنیت تاریخی و بازی با نشانه‌هاست؛ چیزی که به سادگی نمی‌توان در یک دستورالعمل خلاصه‌اش کرد.

بدگمانی منتقدان به «آتک نام گل»

اکو از همان ابتدا بار سنگین شهرت «آتک نام گل» (نام گل سرخ) را با خود حمل می‌کند. این رمان چنان موفق شد که بعضی منتقدان، نه از سر تحسین، بلکه از سر بدگمانی، آن را محصول نوعی محاسبه‌ماشینی دانستند؛ گویی استاد نشانه‌شناسی، الگوریتمی مجرمانه برای تولید رمان پرفروش در اختیار داشته است. «اعترافات رمان نویس جوان» را می‌توان پاسخ دیرنگام، شوخ‌طبعانه و در عین حال جدی به همین سوءتفاهم دانست؛ نه انکار پیچیدگی کار، نه افشای همه رازها، بلکه نشان دادن اینکه رمان، حاصل همیشینی عناصر متعدد است؛ عناصری که هیچ کدام به تنهایی معجزه نمی‌کنند.

یکی از اولین چیزهایی که اکو بر آن مکث می‌کند، جهان‌سازی است اما نه به معنای کلیشه‌ای و رمانتیک آن.

رمان «آتک نام گل» (نام گل سرخ) / The Name of the Rose اثر اومبرتو اکو، اثری است که فراتر از یک روایت جنایی ساده عمل می‌کند و زمینه‌ای غنی برای پژوهش‌ها و مطالعه میان‌رشته‌ای فراهم می‌آورد. این رمان هم نمایانگر توانایی نویسنده در خلق داستان‌های پیچیده و جذاب است و هم بازیابی از دانش گسترده او در حوزه نشانه‌شناسی، فلسفه و تاریخ قرون وسطی و الهیات محسوب می‌شود. اکو استاد نشانه‌شناسی در دانشگاه بولونیا بود و سال‌ها به تحلیل زبان، متن و روابط میان نویسنده و مخاطب پرداخته بود. مفهوم «خواننده الگو» که او ارائه کرده، اهمیت نقش نویسنده در هدایت مخاطب و شکل‌دهی تجربه خواندن را به خوبی نشان می‌دهد و در «آتک نام گل»، متن دقیقاً با در نظر گرفتن چنین مخاطبی نوشته شده است. متن رمان، سیستمی از نشانه‌ها، ارجاعات و کدهاست که تنها با مشارکت فعال خواننده معنا پیدا می‌کند.

اگرچه رمان در ظاهر روایت قتل‌هایی در صومعه‌ای در شمال ایتالیا در سال ۱۳۲۷ میلادی است، اما در لایه‌های زیرین، مفاهیم عمیقی درباره قدرت، تعارض میان فرقه‌های مذهبی، جهان‌بینی قرون وسطی، تولید و کنترل دانش و نقش کتابخانه‌ها در حفظ اشاعه دانش نهفته است؛ به عبارت دیگر، «آتک نام گل» تنها یک داستان جنایی نیست، بلکه جرقه‌ای است که دوره‌ای از تحلیل‌های نشانه‌شناختی و بررسی باززمانی و تحلیل روابط پیچیده میان دانش، قدرت و انسان است. در ادبیات دانشگاهی، «آتک نام گل» از جنبه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته است؛ از تحلیل‌های نشانه‌شناختی و بررسی سگ‌رده‌های ادبیات پست‌مدرن گرفته تا واکاوی دانش علمی، واقعیت، تاریخ علم و فلسفه. بسیاری از محققان در تکنیک‌های بینامتنیت اکو، ارجاعات او به متون کلاسیک و همچنین تحلیل پیرنگ‌های جنایی و معنایی تمرکز کرده‌اند.

رمان از سه نوع صحنه اصلی تشکیل شده است:

۱. صحنه‌های جنایی که ویلیام باسکرویل و شاگردش آدسو شواهد را جمع‌آوری و انگیزه‌ها را حدس می‌زنند.
۲. مناظره‌های فلسفی و الهیاتی ویلیام با دیگر شخصیت‌ها که سرشار از بینش‌های تاریخی، فلسفی و علمی است.

زیرین، مفاهیم عمیقی درباره قدرت، تعارض میان فرقه‌های مذهبی، جهان‌بینی قرون وسطی، تولید و کنترل دانش و نقش کتابخانه‌ها در حفظ اشاعه دانش نهفته است؛ به عبارت دیگر، «آتک نام گل» تنها یک داستان جنایی نیست، بلکه جرقه‌ای است که دوره‌ای از تحلیل‌های نشانه‌شناختی و بررسی باززمانی و تحلیل روابط پیچیده میان دانش، قدرت و انسان است. در ادبیات دانشگاهی، «آتک نام گل» از جنبه‌های گوناگون مورد مطالعه قرار گرفته است؛ از تحلیل‌های نشانه‌شناختی و بررسی سگ‌رده‌های ادبیات پست‌مدرن گرفته تا واکاوی دانش علمی، واقعیت، تاریخ علم و فلسفه. بسیاری از محققان در تکنیک‌های بینامتنیت اکو، ارجاعات او به متون کلاسیک و همچنین تحلیل پیرنگ‌های جنایی و معنایی تمرکز کرده‌اند.

رمان از سه نوع صحنه اصلی تشکیل شده است:

۱. صحنه‌های جنایی که ویلیام باسکرویل و شاگردش آدسو شواهد را جمع‌آوری و انگیزه‌ها را حدس می‌زنند.
۲. مناظره‌های فلسفی و الهیاتی ویلیام با دیگر شخصیت‌ها که سرشار از بینش‌های تاریخی، فلسفی و علمی است.

ولی‌الله سیف رئیس اسبق بانک مرکزی در گفت‌وگو با «ایران»:

دولت از سیاست حذف ارز ترجیحی عقب‌نشینی نکند



عفتخانی / ایران

با یک پرس و جوی ساده می‌شود این واقعیت را به سادگی فهمید: تقریباً همه رؤسای کل بانک مرکزی در همه دولت‌ها، موافق سیاست ارز ترجیحی نبودند، اما از آنجا که تصمیم دولت بود، بنا به شأن حقوقی دولت که واجد مسئولیت مشترک همه اعضای دولت است، آن سیاست را تأیید و اجرا کرده‌اند. ولی‌الله سیف، رئیس کل اسبق بانک مرکزی از جمله این چهره‌هاست. در سال ۱۳۹۷ و ام‌جور شد سیاست تعیین نرخ ۴۲۰۰ تومان را اجرا کند که موافق آن سیاست نبود و بنا به جایگاه اقتصادی و سابقه علمی

و تجربی‌اش، دو واقعیت را می‌دانست: سیاست ارز ترجیحی به نتیجه نمی‌رسد، زمینه ایجاد فساد خواهد شد. ولی‌الله سیف در گفت‌وگو با «ایران» این نظر خود را به شیوه و ادبیات دیگری تکرار کرد: ادبیاتی که هم علمی بود و هم تجربی. بنابراین سیف را می‌توان جزو موافقان حذف ارز ترجیحی دانست: سیاستی که امروز دولت در پیش گرفته است. او را در عین حال می‌توان موافق اعطای کالبرگ به مردم هم دانست، زیرا به این ترتیب یارانه‌هایی که در ارز پرداخت می‌شد و به جای مردم به دست عده‌ای خاص می‌رسید، حالا مستقیم

به دست مردم می‌رسد. اما او دغدغه دیگری هم دارد: این دغدغه که آیا همه جامعه هدف، تحت پوشش قرار خواهند گرفت؟ و آیا دولت چهاردهم، مانند بسیاری از دولت‌های گذشته، پس از مشاهده اولین واکنش‌ها و احتمالاً تکانه‌ها، از این تصمیم درست عقب‌نشینی می‌کند؟ سیف در گفت‌وگو با «ایران» گفت که این سیاست باید ادامه یابد، زیرا منطق پسر منطق بازار است: منطقی که می‌گوید قیمت ارز را دست‌نیاوردی بازار یا همان سازوکار عرضه و تقاضا تعیین می‌کند، نه دست‌پیدا و آشکار دولت.

که ما سیاست ارزی را در دو فاز دنبال کنیم، به این معنی که ابتدا به سمت محدود کردن تعداد نرخ‌های ارز در کشور حرکت کنیم تا غیر از نرخ بازار، حداکثر یک نرخ دیگر داشته باشیم که مخصوص تأمین نیازهای اساسی کشور است. غیر از این دو نرخ، باید بقیه نرخ‌ها حذف شوند.

اما اشاره کردید که این سیاست و اجرای آن نیازمند ایجاد یک اجماع فراگیر در دولت و کل حاکمیت است، درست است، به عبارت دیگر برای اینکه به وضعیتی که در بالا اشاره کردم برسیم و آن هم با کمترین هزینه باشد، لازم است درباره این سیاست یک اجماع در همه ارکان حاکمیت ایجاد شود.

چرا بر وجود این اجماع تأکید دارید؟

به این دلیل که این سیاست به که به آن اشاره کردم، چیزی نیست که بانک مرکزی به عنوان رئیس کل بانک، به صورت انفرادی بتواند به آن اقدام کند، بلکه نیازمند اجماع است. برای همین بود که قبل از ورود به بانک مرکزی در صاحبه این نرخ را اعلام کرد. در آن زمان من توضیح دادم که ارز ۲۸۵۰۰ تومانی دقیقاً مشابه ارز ۴۲۰۰ تومانی است و دیدیم که این نرخ نیز مانند نرخ ۴۲۰۰ نتوانست به نتیجه مطلوب برسد.

آقای دکتر، فرض کنید امروز یک شهروند عادی دارد یا شما صحبت می‌کند و از شما به عنوان صاحب‌نظر اقتصادی

که به فاصله چند دوره رئیس کل بانک مرکزی بوده است، می‌پرسد که وقتی دولت ارز ۲۸۵۰۰ تومان را به واردکننده می‌داد، چرا هیچ‌گاه کالایی که وارد می‌شد، با همین نرخ به دست من به عنوان مصرف‌کننده نمی‌رسید؟

دقیقاً به همین دلیل است که معتقدم این امر فرآیند مناسب و خوبی برای مدیریت بازار ارز و واردات نیست. ببینید! در تعیین نرخ ارز ترجیحی فساد به وجود می‌آید.

این فساد به چه صورت رخ می‌دهد؟

به این صورت که بعد از اعلام این نرخ که با قیمت بازار فاصله زیادی دارد، بلافاصله گروه‌های دزفیع و با نفوذ متقاضی تخصیص و دریافت آن می‌شوند تا بتوانند از رانت مربوط به تفاوت قیمت با قیمت بازار استفاده کنند. ظاهراً این گروه‌ها به عنوان عامل استفاده از این ارز به دولت و بانک مرکزی معرفی می‌کنند و بانک مرکزی هم این ارز را به آنان اختصاص می‌دهد.

این تخصیص در ظاهر با همان هدف که کالا با نرخ ارزان‌تر به دست مصرف‌کننده برسد، صورت می‌گیرد، اما در عمل می‌بینیم کالایی که برای وارداتش از ارز ترجیحی استفاده شده با قیمت مبتنی بر بازار آزاد به دست مصرف‌کننده می‌رسد. مشخص است که در این بین عده‌ای سوءاستفاده کرده و با فساد از این مابه‌التفاوت منتفع شده‌اند.

به همین دلیل شاهد پرونده‌های فساد، به تعداد زیاد بوده‌ایم. یکی از معروف‌ترین آنها هم پرونده فساد جای دیش بود و مانند اینها. بنابراین، امروز هر تصمیمی که دولت می‌گیرد، باید به فکر اعمال نظارت و کنترل اجرای دقیق آن هم باشد تا جلوی بروز فسادهایی از این دست گرفته شود.

دولت اعلام کرده است که ارز ترجیحی را حذف می‌کنم و منابع و مبالغ آن را مستقیماً به صورت کالبرگ به مردم خواهم داد. این یارانه دیگر به صورت نقدی نیست که باعث تورم شود و به صورت کالایی خواهد بود. دیدگاه شما درباره این سیاست چیست؟

نظر من همان برنامه‌ای است که اشاره کردم، یعنی تعریف یک برنامه زمانبندی شده تا نرخ‌های دستوری در یک برنامه بلندمدت حذف شوند و به جای آن، گروه‌هایی که هدف اختصاص کمک‌های دولت هستند و اقشار فرودست یا دهک‌های پایین جامعه بتوانند به صورت نقدی مبالغ یا کمک‌هایی را به عنوان کمک‌های جبرانی دولت دریافت کنند.

مسأله این است که وقتی ۲۸۵۰۰ تومانی حذف و مثلاً یک ارز ۱۰۰ هزار تومانی به عنوان مینا قرار می‌گیرد، در اینجا یک تفاوت ریالی مشخص از بابت نرخ ارز حاصل می‌شود که می‌تواند در جهت حمایت از خانوارهای فرودست مورد استفاده قرار گیرد. در اینجا مسأله مهم این است که چگونه گروه‌های هدف را رابطه با همین مسأله در یک برنامه دارند، شناسایی شوند و منابع مذکور به دقت به آنها تخصیص داده شود.

در گفت‌وگو با دکتر شریف‌زادگان، ایشان دو مشکل برای طرح دولت عنوان کرد: یکی اینکه ما نباید در طولانی مدت این کمک‌ها را به مردم بدهیم، بلکه باید مقطعی باشد. دوم اینکه ایشان ضمن حمایت از یارانه کالبرگی، نگران این مسأله بود که آیا وزارتخانه‌ها و سازمان‌های ذیل می‌توانند آن را به درستی اجرا کنند یا خیر؟

نظرات دکتر شریف‌زادگان صائب است، به ویژه اینکه ایشان مسئولیت‌های مرتبط هم داشتند. من ضمن تأیید نظرات ایشان، این مسأله را مطرح می‌کنم که اولاً شیوه فعلی به طور قطع نمی‌تواند جوابگو باشد، زیرا به رغم تخصیص ارز ۲۸۵۰۰

تومانی، کالای وارداتی با ارز آزاد دست مصرف‌کننده رسیده است. بنابراین شیوه فعلی نمی‌تواند مفید باشد و هرچه زودتر باید اصلاح شود. اما آنچه مهم است، این است که این اصلاح نباید با تکانه همراه باشد، زیرا در شرایط فعلی نباید شوک ایجاد کنیم و با تصمیم ناگهانی، مشکل جدیدی را ایجاد کنیم، بلکه باید برنامه‌ای دقیق تدوین و مطابق آن به تدریج مشکل را حل کرد. ضمن اینکه من هم معتقدم که سیاست کمک جبرانی یا کالبرگی نباید تبدیل به یک سیاست دائمی شود.

شما عنوان کردید که برخی رانت‌جویان در دوره شما با اسلحه کمری وارد بانک مرکزی شدند. به نظر شما این رانت‌جویان در مقابل حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی هم مقاومت یا اخلاخ خواهند کرد؟

تجربه من، به صورت بسیار روشن این را می‌گوید که هر کسی که بخواهد روند‌های باطل را اصلاح و جلوی فسادها و رانت‌خواری‌ها را بگیرد، دزفیعان و پرنفوذ این جریان‌ات بیکار نخواهند نشست و قطعاً بدون مشکل نخواهد بود، اما نکته این است که جز اجرای این سیاست، چاره دیگری نیست. بالاخره آنان سعی خود را خواهند کرد، اما باید با آنان برخورد شود و با عزم جدی و برنامه دقیق کار را پیش برد.

ضمن اینکه به مرحله دوم تدوین کنندگان این سیاست در دولت یا بانک مرکزی برای مقابله با این فشارها، باید کل حاکمیت را در جریان قرار بدهند که قرار است چه سیاستی اجرا شود و این سیاست چه منافع را قطع خواهد کرد. یا اینکه توضیح داده شود که این سیاست چقدر برای اقتصاد کشور و رفاه مردم اهمیت دارد. اینها کارهایی است که حتماً باید انجام شود. اگر ما قبول داریم که زیربنای عمده مشکلات ما با فساد به صورت ریشه‌ای برخورد شود و برخورد ریشه‌ای با فساد هم از این طریق عملی است، در غیر این صورت مطرح کردن چند پرونده و برخورد با چند مقصد مسأله فساد را علاج نخواهد کرد.

برخی معتقدند که این یارانه گرچه به صورت کالایی است، اما تورم هم ایجاد خواهد کرد؛ دیدگاه شما چیست؟

این سیاست دولت یعنی دادن کالبرگ به تقاضا دامن نمی‌زند، حتی می‌تواند اثر عکس بگذارد. توضیح اینکه به عنوان مثال وقتی بنزین یا نان را ارزان می‌خریم، این ارزان بودن باعث می‌شود کالا نامحدود با قیمت ارزان در اختیار همه قرار بگیرد. برای همین می‌شنویم که برخی نان را چون ارزان تهیه می‌کنند، به مصرف خوراک دام هم می‌رسانند. یعنی قیمت نان علیرغم هزینه‌های بالای تولید از علوفه و جو هم ارزان‌تر است. یعنی منابع محدود را به این ترتیب مورد اسراف و تذبذب قرار می‌دهیم. در صورتی که اگر این کالا توسط فروشنده به قیمت واقعی عرضه شود، تقاضاهای کاذب و غیرمنطقی را کاهش می‌دهد و بازار به یک تعادل جدید می‌رسد. یعنی وقتی قیمت کالا در قفسه‌ها به قیمت واقعی بازار نزدیک باشد، تقاضای زیادی که برای آن کالا در شرایط ارز ترجیحی یا ارزان ایجاد شده بود، بسیار کاهش می‌یابد و هرکسی صرفاً به اندازه نیاز واقعی خودش تقاضا ایجاد می‌کند.

اعلام شده بود ۸ میلیارد دلاری که برای واردات کالاهای اساسی تعیین شده بود، در ۶ ماه نخست امسال مصرف شد. حالا به نظر شما این منابع کالبرگ در سیاست جدید از کجا تأمین می‌شود؟ از صندوق توسعه ملی تأمین می‌شود؟ آنچه که به عنوان منابع صندوق توسعه ملی مطرح می‌شود، درواقع نزد بانک مرکزی قرار دارد. برداشت از حساب این صندوق، به معنای اعمال یک نوع عملیات دفتری حسابداری است، یعنی مبالغی از طلب ارزی صندوق نزد بانک مرکزی کسری می‌شود و در مقابل آن بانک مرکزی ریال پرداخت می‌کند. یعنی به صورت ففتری از بدهی بانک مرکزی به صندوق کسری می‌شود و در مقابل بانک هم ریال آن را در اختیار دولت قرار می‌دهد و این یعنی پایه پولی بار دیگر افزایش می‌یابد.

برای جبران تورم ناشی از این تصمیم چه باید کرد؟

به نظر من باید حتماً صرفه جویی‌های جدی انجام شود تا از محل این صرفه جویی‌ها بتوانیم در درجه اول از مورد نیاز برای کالای اساسی را تأمین کنیم. زیرا به دلیل محدودیت منابع ارزی، باید دقت کنیم تخصیص این منابع، بهینه و صرفاً برای اولویت‌های اصلی کشور باشد. نکته مهم دیگر این است که امروز ما اجازه می‌دهیم هر کالایی وارد کشور بشود، بدون اینکه بررسی کنیم این کالا واقعاً تا چه حد برای کشور ضروری است.

چرا این وضعیت وجود دارد؟

توجه این آن است که اینگونه واردات از محل ارز متقاضی است و یا اینکه بدون انتقال ارز وارد می‌شود. این استنباط اصلاً درست نیست همه این منابع از محل فعالیت‌های اقتصادی کشور است که در بازار ارز عرضه می‌شود. یعنی جزئی از عرضه اساس سیاست‌های تجاری کشور تقاضای ارز در این بازار را تساماندگی کرد. آنچه مسلم است در شرایط تحریم و محدودیت‌های ارزی فعلی، سیاست باید به نحوی عمل کند که منابع محدود ارزی برای تأمین نیازهای اساسی و ضروری‌تر مورد استفاده قرار گیرد.

به عنوان مثال در شرایط فعلی کشور، آزاد بودن واردات طلا یا خودرو نیاز به تجدید نظر جدی دارد. نباید اجازه داده شود که چون واردکننده سود بیشتری از واردات طلا یا خودرو نصیب می‌شود این واردات را نسبت به مواد اولیه واحدهای تولیدی ترجیح دهد. مخصوصاً در شرایطی که برای تأمین کالاهای اساسی مشکل داریم. اجازه واردات همه کالاها بدون توجه به اولویت نیاز داخلی، مانع تخصیص بهینه منابع ارزی شده و علاوه بر آن تقاضا را در بازار ارز دامن می‌زند که نتیجه آن تسریع در روند افزایشی قیمت ارز در بازار است. برای همین است که معتقدم اجرای سیاست جدیدی که دولت در پیش گرفته، نیازمند همکاری و همراهی جدی و همه جانبه همه دستگاه‌ها و وزارتخانه‌های دیگر است. بر خلاف تصور غالب وقتی قیمت ارز افزایش پیدا می‌کند، الزاماً به این معنی نیست که بانک مرکزی کوتاهی کرده و مقصر است بلکه نشان‌دهنده ضعف و ناهماهنگی در عملکرد اقتصاد کشور است و اگر اقتصاد کشور به خوبی اداره شود یعنی همه دستگاه‌ها وظایف خود را به درستی انجام دهند، بانک مرکزی هم قادر خواهد بود وظایفش را به درستی انجام دهد.



بهبتر این است که ما سیاست ارزی را در دو فاز دنبال کنیم، به این معنی که ابتدا به سمت محدود کردن تعداد نرخ‌های ارز در کشور حرکت کنیم تا غیر از نرخ بازار، حداکثر یک نرخ دیگر داشته باشیم که مخصوص تأمین نیازهای اساسی کشور است. غیر از این دو نرخ، باید بقیه نرخ‌ها حذف شوند



بشر

در شرایط فعلی اقتصاد کشور، با فشار تحریم، فشار تورم و مانند آن، درست است که سیاست جدید دولت ناگهانی است، اما فکر نمی‌کنید بهتر از منفعل بودن است که هم ارز را بدهیم و هم کالا گران به دست مردم برسد؟

همان‌طور که گفتیم، ما نیازمند این هستیم که برنامه مشخصی داشته باشیم، یعنی برنامه‌ای که در آن خانواده‌های نیازمند به دقت شناسایی شوند، در مرحله بعد سیاست دولت

ایران

• صاحب امتیاز:

خبرگزاری جمهوری اسلامی

• مدیر مسئول:

صادق حسین جابری انصاری

• سردبیر:

هادی خسروشاهین

• مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران

رئیس هیات مدیره: صادق حسین جابری انصاری

مدیرعامل: علی متقیان

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ • نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ • ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵ • امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰

• پیامک: ۳۰۰۴۵۱۲۱۳ • روابط عمومی • صندوق پستی: ۱۵۸۷۵۰۵۳۸۸

• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸ • توزیع: نشر گستر امروز • چاپ: چاپخانه های همشهری، چاپخانه مؤسسه جام جم

• سازمان آگهی های روزنامه ایران: دارندة گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
• پذیرش سازمان آگهی ها: ۱۸۷۷ • انتشارات مؤسسه فرهنگی - مطبوعاتی ایران: ۸۸۵۰۴۱۱۳

نقل قول

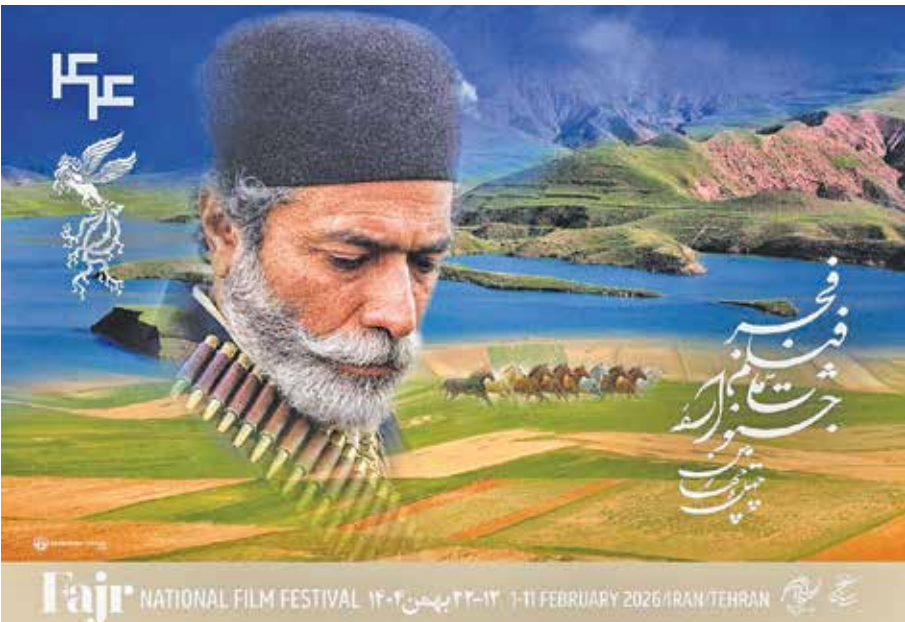
توانمندی در خلاقیت و زیباشناسی ماندگار است

من از دوران دانشجویی (حدود ۵۵ سال پیش)، طراحی پوستر تئاتر را آغاز کردم و همیشه در ارتباط نزدیک با تئاتر و هنرمندان آن بوده‌ام. تئاتر در ایران هیچ‌گاه اقتصاد پررونقی نداشته و دستمزدها در این حوزه بسیار محدود است. باین حال، حضور این تعداد طراح جوان و حرفه‌ای در تئاتر، آن‌هم با چنین انگیزه و علاقه‌ای، برای من بسیار جذاب و ستودنی است. آنچه که ماندگار و غیرقابل کتمان است، توانمندی در خلاقیت و زیباشناسی است. یک اثر که خیلی با احتیاط آن را هنری بنامیم و من آن را اثری در حوزه طراحی گرافیک نام می‌دهم، می‌بایست رفتار زیباشناسانه داشته باشد و مقدار اطلاعاتی که باید به مخاطب انتقال دهد با شفافیت باشد. خلاقیت در این حوزه نقش اصلی را ایفا می‌کند و ما در دایره‌ها دقیقاً به این موضوع توجه داشتیم؛ اینکه طراح چگونه از خلاقیت خود برای ساخت یک واحد بصری منسجم استفاده کرده است. خوشبختانه آنچه دیدیم، بسیار امیدوارکننده بود.

گزیده‌ای از صحبت های ابراهیم حقیقی، یکی از داوران بخش پوستر چهل و چهارمین جشنواره بین‌المللی تئاتر فجر/ ایران تئاتر

نگاهی به پوستر جشنواره فیلم فجر ۴۴

ادای احترام به حافظه سینما به دور از لغزش‌های سلیقه‌ای



بودیم؛ زمانی که تصاویر خسرو شکیبایی و علی حاتمى بر پوسترهای سی و چهارم و سی و پنجم جشنواره نقش بست و جشنواره بار دیگر به سمت «چهره‌محوری» و خاطره‌بازی رفت. اما بی‌تغییر دولت و مدیران، این مسیر به‌سرعت کنار گذاشته شد و سیمرخ آشنای جشنواره بار دیگر با طراحی‌های صرفاً گرافیکی جایگزین آن شد.

البته این ایده، محدود به جشنواره ملی فجر نبوده است. در دوره‌ای که جشنواره جهانی فیلم فجر با دبیری رضا میرکریمی برگزار می‌شد و به اوج انسجام و اعتبار خود رسیده بود، استفاده از تصاویر فیلم‌های کلاسیک سینمای ایران به‌شکل جدی‌تر دنبال شد. برای نمونه، در دوره سی و چهارم جشنواره جهانی، تصویری از فیلم «دوند» ساخته امیر نادری و در دوره سی و پنجم، تصویر عزت‌الله انتظامی در فیلم «گاو» ساخته داریوش مهرجویی، پوستر جشنواره را شکل دادند؛ انتخاب‌هایی که هرچند ایده‌ای کاملاً بدیع نبود و آشکارا از سنت جشنواره کن الهام گرفته شده بود، اما به‌درستی اجرا شد و به هویت فرهنگی جشنواره وزن و

نیز در تضاد قرار دارد.

نکته تأمل برانگیز دیگر، غیبت برخی چهره‌ها و مناسبت‌های مهم سینمای ایران در پوستر امسال است. در سالی که ناصر تقوایی، یکی از ستون‌های سینمای ملی ایران، چشم از جهان فرو بسته و آثارى چون «ناخدا خورشید» و «ای ایران» بیش از هر زمان دیگری یادآور مفهوم سینمای ملی اند، نادیده گرفتن این مناسبت، نوعی کج‌سلیقگی محسوب می‌شود. همچنین درگذشت بهرام بیضایی، فیلمساز و نمایشنامه‌نویسی که آثارش از «روز واقعه» و «باشو غریبه کوچک» گرفته تا «سگ کشی» و «مسافران» -نقشی بنیادین در شکل‌گیری سینمای اندیشه‌ورز ایران داشته‌اند، بی‌پاسخ مانده است؛ غفلتی که برای بسیاری از مخاطبان جدی سینما، توی ذوق زننده است. با همه این انتقادات، نمی‌توان از یک نکته مثبت چشم پوشید؛ اینکه پوستر جشنواره فجر، دست‌کم در این دو سال اخیر، از یک طراحی

انتخاب شیر سنگی و علی نصیریان برای پوستر فجر ۴۴، در اصل تصمیمی قابل دفاع است. فیلمی

ریشه‌دار، بومی و هویت‌محور که مفاهیمی چون مقاومت، پیوند با سرزمین، حیات وحش، صلابت و زیست قومی را نمایندگی می‌کند؛ مفاهیمی که همراستا با ادبیات رسمی جشنواره و سیاست‌های کلان فرهنگی تعریف می‌شوند. با این حال، مسأله از جایی آغاز می‌شود که اجرای این ایده، دچار افتان‌وفشان‌زدگی و بی‌دقتی می‌شود.

یکی از مهم‌ترین نقدها به پوستر امسال، سرسری بودن طراحی و فقدان ظرافت لازم است. هرچند نمادهای ملی و تصویری در آن قابل تشخیص‌اند، اما پرداخت گرافیکی در حد شأن یک جشنواره ملی با قدمت بیش از چهار دهه نیست. مهم‌تر از آن، حاشیه‌ای است که به‌واسطه عدم کسب اجازه از علی نصیریان، صاحب تصویر پوستر، ایجاد شده و به‌دخوری این هنرمند پیشگسوت انجامیده است؛ اتفاقی که نه‌تنها از منظر حرفه‌ای قابل دفاع نیست، بلکه با روح احترام‌گزار این سیاست جدید

صرفاً گرافیکی و بی‌ارجاع، به بستری برای یادآوری و بازشناسی آثار ماندگار سینمای ایران تبدیل شده است. این مسیر، اگر با دقت، ثبات و احترام بیشتری ادامه یابد، می‌تواند به تقویت وزن هنری و نوستالژیک جشنواره کمک کند و آن را دوباره به حافظه فرهنگی جامعه پیوند بزند.

پوستر فجر ۴۴، بیش از آنکه یک تصویر باشد، نشانه‌ای از یک انتخاب است؛ انتخاب میان تداوم یک سنت ارزشمند یا بازگشت به تصمیم‌های مقطعی و سلیقه‌ای؛ انتخابی که سرنوشت هویت بصری جشنواره در سال‌های آینده را رقم خواهد زد. در نهایت، اگر جشنواره فیلم فجر بخواهد این مسیر تازه را به یک سنت معتبر و ماندگار تبدیل کند، ناگزیر است میان احترام به تاریخ سینمای ایران، دقت حرفه‌ای در اجرا و ثبات در سیاست‌گذاری تعادل برقرار کند؛ تعادلی که بدون آن، حتی بهترین ایده‌ها نیز به حاشیه کشیده می‌شوند.



پیوند سینما و حافظه جمعی

از سال گذشته که تصویر رقیه چهره‌آزاد در فیلم «مادر» ساخته علی حاتمى، پوستر چهل‌وسوم جشنواره را زینت داد تا امسال که چهره علی نصیریان بر پوستر نشسته است، می‌توان دریافت که طراحی مبتنی بر نوستالژی و یادآوری فیلم‌های خاطره‌انگیز، به بخشی از سیاست‌های نمایان جشنواره تبدیل شده است، سیاستی که، دست‌کم در ظاهر، تلاشی برای پیوند زدن جشنواره با حافظه جمعی سینمای ایران و بازتعریف جایگاه آن در تاریخ فرهنگی کشور است.



برش

«یک‌صدا تا نور» روی صحنه

ارکستر خالقی به رهبری محمدرضا عزیزی روز یکشنبه ۲۱ دی در دو سانس در تالار رودکی روی صحنه می‌رود.

در این کنسرت که با محوریت همدلی جمعی و پهبوستکی نسل‌ها در موسیقی ایرانی، به رهبری محمدرضا عزیزی روی صحنه می‌رود، منتخبی از آثار آهنگسازان شاخص موسیقی ایران از جمله علینقی وزیری، ابوالحسن صبا، روح‌الله خالقی و حسینعلی ملاح را پیش روی مخاطبان قرار می‌گیرد. ارکستر سازهای ایرانی خالقی در سال‌های گذشته تجربه همکاری با خوانندگانی همچون وحید تاج و مجتبی عسکری را دارد و در کنسرت پیش رو گروهی از خوانندگان جوان با هدف معرفی استعداد‌های آوازی ایران روی صحنه می‌روند. ارکستر سازهای ایرانی خالقی که در سال‌های اخیر با تمرکز بر کار گروهی، تمرین‌های منظم و حضور نوازندگانی از شهرهای مختلف کشور شکل گرفته، در این کنسرت بار دیگر رویکرد خود به بازخوانی میراث موسیقی کلاسیک ایرانی در قالبی ارکسترال را دنبال می‌کند. کنسرت «یک‌صدا تا نور» ساعت ۱۸ و ۲۰:۳۰ شامگاه یکشنبه ۲۱ دی در تالار رودکی برگزار خواهد شد.



سخن‌روز

حضرت امیرالمؤمنین علی(ع):

آن‌که با خود یکرنگ نباشد، با دیگران نیز یکرنگ نیست.

غررالحکم ودررالکلم



تجلیل از منوچهر صهبایی در موزه موسیقی

آیین بزرگداشت و تجلیل از استاد منوچهر صهبایی آهنگساز و رهبر ارکستر سمفونیک تهران در موزه موسیقی ایران برگزار شد. دراین مراسم رضا مهدوی کارشناس موسیقی در سخنانی کوتاه درباره شخصیت منحصر به فرد منوچهر صهبایی و تأثیر بسزای موسیقی جدی در فرهنگ و جامعه و جریان زندگی اشاره کرد. حمیدرضا نمازی رئیس موزه علوم پزشکی تهران نیز درباره نقش موسیقی در سلامت شنیداری و تلاش منوچهر صهبایی در حوزه موسیقی سخن گفت. **ایران**



بدرقه بهرام بیضایی با موسیقی حسین علیزاده

آیین بدرقه بهرام بیضایی به پایان رسید و این هنرمند و پژوهشگر بزرگ کشورمان در آرامگاه اسکای لاون سافرانسیسکو به خاک سپرده شد. در این مراسم جمعی از دوستان‌ار و شاگردان و دوستان بیضایی حضور یافتند. مناجات خوانی و خوانش قطعه‌ای از نمایشنامه «سیاوش خوانی» بیضایی توسط مزده شمسایی، بازیگر و همسر بهرام بیضایی از دیگر بخش‌های این مراسم بود. این مراسم با بخش موسیقی «گلپانگ کهن» ساخته حسین علیزاده که بسیار مورد علاقه بیضایی بود، به پایان رسید. **ایسنا**



دردسرهای بحران ونزوئلا برای لئوناردو دی کاپریو

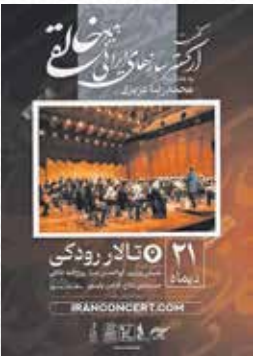
لئوناردو دی‌کاپریو، بازیگر برنده اسکار به دلیل محدودیت‌های پرواز ناشی از تحولات اخیر در ونزوئلا، موفق به حضور در مراسم جوایز جشنواره بین‌المللی فیلم پالم اسپرینگز نشد. قرار بود دی‌کاپریو برای بازی در فیلم «نبرد پشت نبرده» جایزه «دست‌انورد نخل صحر» را دریافت کند. این جایزه بهترین فیلم جوایز انجمن ملی منتقدان فیلم ۲۰۲۵ و ۳ جایزه دیگر از این رویداد را کسب کرد. دی‌کاپریو، اما در بخش بهترین بازیگر مرد نادیده گرفته شد و این‌هاک برای «ماه‌آبی» این جایزه را کسب کرد. **ایسنا**



پیشخوان فرهنگی

روایت ارکستر نوجوانان و جوانان ایران از موسیقی فخرالدینی و مشکاتیان

کنسرت ارکستر سازهای ایرانی نوجوانان و جوانان ایران با عنوان «راه‌نشین»، ۱۶ و ۱۷ دی به رهبری علی ابراهیمی و آواز سهیل رجب در تالار رودکی برگزار می‌شود. ارکستر سازهای ایرانی نوجوانان و جوانان در اجرای پیش رو با ترکیبی از سازهای ایرانی همچون نی، کمانچه، چپچک، سنتور، قانون، تار، عود، تار باس، سنتور باس، تمبک و بندیر، به اجرای قطعاتی از موسیقی معاصر ایرانی از دوران قاجار تا امروز می‌پردازد. بر همین اساس در بخش اول این کنسرت تصنیف «راه‌نشین» از موسیقی دوران قاجار، تصنیف «دود عود» و «مقدمه نوا» از آثار پرویز مشکاتیان و «رقص کولی» به آهنگسازی علی ابراهیمی در دستگاه نوا اجرا می‌شود. همچنین بخش دوم به اجرای قطعات و تصانیف «مقدمه رامشگران»، «مرا پرسی»، «رشک پری»، «نرگس جادو» و «ننگ» به آهنگسازی فرهاد فخرالدینی در دستگاه راست‌پنجه‌ا اختصاص یافته است. ارکستر سازهای ایرانی نوجوانان و جوانان ایران از سال ۱۳۹۵ با تکیه بر آثار شاخص موسیقی ایرانی و پرداختن به زبان ارکسترال آنها فعالیت خود را آغاز کرده است. تازه‌ترین کنسرت این گروه با عنوان «راه‌نشین» از ساعت ۲۰ شامگاه سه‌شنبه ۱۶ و چهارشنبه ۱۷ دی در تالار رودکی روی صحنه می‌رود.



«روای آمریکایی» در عمارت نوفل لوشاتو

نمایش «روای آمریکایی» نوشته تنسی ویلیامز، ترجمه حمید سمندریان و با دراماتورژی و کارگردانی علی حضرتی از ۱۷ دی ساعت ۱۷:۳۰ در عمارت نوفل‌لوشاتو روی صحنه می‌رود. در این نمایش ۷۵ دقیقه‌ای، امیر کردی، زهره خرابی، مهتاب عباسی فرد، احمدرضا میرجبسی و محمدجواد رضوانی ایفای نقش می‌کنند. «روای آمریکایی» حاصل دو سال تحقیق و تمرین گروهی از دانشجویان و هنرمندان جوان است و با نگاهی هجوآمیز و کمدی سیاه، زندگی خانواده وینگفیلد در دهه ۲۰ آمریکا را روایت می‌کند. داستان نمایش به رویاهای از دست‌رفته و زندگی تباه‌شده اعضای خانواده می‌پردازد؛ رویاهایی که مادر خانواده برای فرزندان محدود کرده و اکنون فرزندان آنها را بروز می‌دهند.



گزارش

گروه فرهنگی

در روزهای اخیر، آمار فروش و تعداد تماشاگران نمایش‌های تئاتر در مجموعه‌های مختلف، از جمله تئاترشهر و تماشاخانه سنگلج، به وضوح نشان دهنده رونق و پویایی هنرهای نمایشی در کشورمان است. این آمار که تا تاریخ ۱۲ دی ماه ۱۴۰۴ منتشر شده، نویدبخش آینده‌ای روشن برای تئاتر ایران است.

بر اساس این آمار، مجموع تعداد کل تماشاگران مجموعه تئاترشهر، تالار هنر و تماشاخانه سنگلج از شروع تا روز

بیش از ۱۲ هزار نفر مخاطب تئاتر در تهران بودند

روایتی از زنده بودن هنرهای نمایشی

جمعه ۱۵ دی ماه ۱۴۰۴ (با احتساب میهمان و تخفیف) به عدد ۱۲۳۸۵ نفر رسیده است.

برخی از این نمایش‌ها البته با اقبال بیشتری همراه شدند و رکورد شکنی کردند؛ از جمله نمایش «دازد و زنگوک» به کارگردانی علیرضا کوشک جلالی، با استقبال بی‌نظیری روبه‌رو شده و توانسته است با ۲۷ اجرا، بیش از ۸ هزار تماشاگر را به خود جلب کند. فروش ۳ میلیارد و ۳۱۲ میلیون و ۱۹۰ هزار تومانی این نمایش، نشان‌دهنده توانایی هنرمندان ایرانی در جذب مخاطب و ارائه آثار باکیفیت است. این اثر نه تنها در عرصه مالی موفق بوده، بلکه به لحاظ هنری نیز توانسته است توجه‌ها را به خود جلب کند. در کنار این نمایش، آثار دیگری نیز در حال اجرایند که هر کدام به نوعی سهم خود را در این رونق ایفا می‌کنند. نمایش «فینگرفود» به کارگردانی سیما تیرانداز و نمایش «تاراتینا»

به کارگردانی علیرضا کلاهیجان، هر کدام با استقبال خوب مخاطبان و فروش‌های قابل توجه، نشان‌دهنده تنوع و غنای فرهنگی تئاتر ایران هستند. واقعیت این است که تئاتر به‌عنوان یک هنر زنده و پویا، همواره نیازمند توجه و حمایت است. آمارها نشان می‌دهند که مردم علاقه‌مند به تماشای آثار نمایشی هستند و این امر می‌تواند به توسعه بیشتر این هنر کمک کند. از سوی دیگر، حضور مخاطبان در سالن‌های تئاتر نه تنها به معنای حمایت مالی از هنرمندان است، بلکه نشان‌دهنده نیاز جامعه به هنر و فرهنگ نیز می‌باشد. با توجه به این آمار و استقبال عمومی، امید است که مسئولان فرهنگی کشور نیز با حمایت‌های لازم، بستر مناسبی برای رشد و شکوفایی هرچه بیشتر تئاتر فراهم کنند. این حمایت‌ها می‌تواند



شامل تسهیل شرایط اجرای نمایش‌ها، افزایش بودجه‌های فرهنگی و فراهم کردن امکانات بهتر برای هنرمندان باشد. در نهایت، تئاتر نه تنها یک هنر است، بلکه آینه‌ای است از جامعه و فرهنگ ما. با توجه